

مرزده ده آن بندگان مرا که سخن ها گوش فرامیدهند و از بهترین آنها پیروی میکنند

انقلاب اسلامی

هجرت

شماره ۶۸۱ ۹ تا ۲۲ مهر ۱۳۸۶

کاسه داغ تر از آتش!

- ◀ آیا امریکا با تولید کالائی که «قرضه» است جهان را در کام بحرانی سخت فرو برده است؟ ص ۳
- ◀ آیا جهان باید خود را آماده جنگ با ایران کند یا که دیپلماسی توانا به حل مسئله اتمی است؟ ص ۴
- ◀ صف آرائیها در درون رژیم: ریاست هاشمی رفسنجانی، کارنامه احمدی نژاد، وضعیت سپاه و...: ص ۷
- ◀ فساد های بزرگ با رقم های دور از باور: ص ۱۰
- ◀ ژاله وفا: مشکلات کمی و کیفی آموزش و پرورش ایران در قرن ۲۱- بخش ۱۹: ص ۱۱
- ◀ در آستانه سال تحصیلی، معلمان و دانشجویان و روزنامه نگاران قربانیان تجاوز به حقوق انسانند: ص ۱۲

انقلاب اسلامی: حکومت جدید فرانسه کاسه داغ تر از آتش شده و نوبت به بوش رسیده است که به سرکوزی، رئیس جمهوری فرانسه بگوید: آرام باشید!
پس از آنکه سارکوزی گفت: ایران می باید میان بمب باران شدن و بمب اتمی یکی را انتخاب کند، نوبت به وزیر خارجه او رسید که بگوید دنیا باید خود را برای جنگ با ایران آماده کند. هرچند واکنش کاخ سفید و کاخ کرملین او را وادار کرد بگوید: جنگ را بدترین کار می داند و برای جلوگیری از وقوع آنست که باید مسئله اتمی ایران را از راه گفتگو حل کرد، اما در امریکا و اروپا همچنان بر طبل تشدید مجازاتهای اقتصادی ایران و جنگ با ایران می کوبند. فصل اول را به بحرانی که جهان را تهدید می کند و فصل دوم را به خبرها و نظرها در باره جنگ با ایران اختصاص می دهیم.

در صفحه ۳

واقعیت و آرمان؟

پرسش اول: آیا راست است که آرمان گرایی با واقعیت گرایی ناسازگار است؟

* پاسخ به پرسش اول:

الف - آرمان فرآورده واقعیتها است:

۱ - آرمان بمتابیه هدفی که انسان بر می گزیند، جز بر پایه واقعیت ها، قابل تشخیص و گزینش نیست. آرزوهای دور و دراز که ترجمان خیال و وهم و قلب واقعیت به مجاز هستند، آرمان بشمار نیستند. تشخیص این دو از یکدیگر نیز بسی آسان است:

در آرزوهای دور و دراز و نیز در «آرمان» های ترجمان مجازها، از واقعیت یا واقعیتهای مجوز آرزو یا آرمان مجازی و راهبر به این دو، هیچ نمی توان یافت. برای مثال، شعار «جنگ، جنگ، جنگ تا رفع فتنه» هدفی است که از واقعیت های مجوز این هدف، هیچ در آن نیست و بیانگر قلب معنی و نشانند مجاز به جای واقعیت است:

• جنگ را زورپرست سلطه جو براه می اندازد. و قرآن استقامت را ارزش اول می داند و به انسانهای مورد تجاوز می گوید با متجاوز تا رفع فتنه (= دست کشیدن متجاوز از جنگ و تجاوز) بجنگید. به حق، تسلیم به متجاوز شدن را نشانند مجاز به جای واقعیت می شمارد. چرا که قدرت متجاوز را تنها از راه استقامت است که می توان از تجاوزگری بازداشت و محکوم به زوال کرد. تسلیم شدن به قدرت متجاوز را واقع بینی انگاشتن، مجاز را جانشین واقعیت کردن و خود را وسیله بزرگ شدن قدرت متجاوز و افزودن بر تجاوز کردن است.

• بر فرض وجود همه امکانات برای جنگیدن تا رفع فتنه در جهان، بدل شدن به متجاوز است. به سخن دیگر، نشانند مجاز (= ممکن بودن رفع فتنه در جهان آنهم بوسیله بزرگ ترین فتنه) که جنگ است.

د. صفحه ۲

سرهنگ جلیل بزرگمهر در گذشت



سرهنگ جلیل بزرگمهر، از افسران شرافتمند و وکیل مدافع تسخیری شادروان دکتر مصدق، رهبر بزرگ نهضت ملی ایران در پیدادگاه نظامی رژیم کودتائی شاه - زاهدی، در سن ۹۳ سالگی جهان را در تهران بدرود گفت. رژیم کودتا بدین تصور که چون او در کسوت نظامی است، کودتای خائفانه را تأیید می کند که امریکا و انگلیس طراحی و در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بعمل درآمد، او را وکیل تسخیری مصدق، رهبر نهضت ملی ایران کرد. اما او تسخیر رژیم کودتا نشد.

در صفحه ۱۶

گزارش نشست مشترک ۹ گروه جمهوری خواه ایران برای گسترش همکاری ها در راستای مبارزه علیه جمهوری اسلامی ایران

در پی دعوت گروه ارتباطات جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران، از ۸ گروه جمهوری خواه دیگر به قصد گفتگو و ایجاد زمینه های همکاری در راستای مبارزه علیه جمهوری اسلامی ایران و استقرار دموکراسی در کشور، دو نشست، ابتدا نشست پالتاکی در روز ۳۰ یونی ۲۰۰۷ برابر با ۹ تیر ماه ۱۳۸۶ و سپس نشست حضوری در روزهای ۲۲ و ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۷ برابر با ۳۱ شهریور و ۱ مهرماه ۱۳۸۶ در شهر هانور آلمان برگزار گشت.

در این نشستها نمایندگان سازمانها و گروههای ذیل حضور یافتند:

در صفحه ۱۶

علی شفیعی

روانشناسی خوشبختی (۱) آیا استبداد قادر است مانع خوشبختی ما شود؟

اگر از امر خوشبختی انسان سخن بمان آید. از هر کس پرسید، خوشبختی چیست؟ اولین پاسخی که خواهید شنید، اینست: "پول خوشبختی نمی آورد."
آیا این پاسخ حقیقت دارد؟ نه بطور کلی و کامل.
پژوهش و تحقیق در مورد خوشبختی انسان امروزه بخشی محکم و استوار از علم روانشناسی را تشکیل میدهد. در این تحقیقات تصویر و تصور این امر که

در صفحه ۱۳

شهره . گ.

به مناسبت روز جهانی صلح و ساگرود شروع جنگ ۸
ساله و به یاد قربانیان این جنگ

جنگ

مادرم گریست. من از صدای اشکش بیدار شدم. صدای چکیدن قطره ای اشک بر روی چادر. برادرم آن را نشنید. وی همچون سنگ به خوابی عمیق فرو رفته بود. خسته از راه طولانی، خسته از فریاد، خسته از غریو، خسته از انسانها!

ولی من صدای اشکش را شنیدم. من صدای دل نگرانی وی را شنیدم. من صدای دغدغه های روح وی را شنیدم. خموشی و بی صدایی غریب اشکش خروش نگهبانان و غرهای دور را تحت الشعاع قرار داده بود.

در صفحه ۱۴



واقعیت و آرمان ؟

مصدق نیز، قرار داد الحاقی را به حکومت ساعد تحمیل کردند . وقتی کمیسیون نفت تشکیل شد و قرارداد الحاقی در معرض رد قرار گرفت، حکومت رزم آراء قرارداد را از مجلس پس گرفت و گفته شد رزم آرا قرارداد ۵۰ - ۵۰ را در جیب دارد . برابر اسناد، در حکومت مصدق نیز، در قلمرو نفت، دو قدرت آمریکا و انگلستان مصمم بودند با ایران قراردادی را امضاء نکنند که در مقایسه با قراردادهای نفتی با کشورهای نفت خیز، امتیاز بیشتری را عاید ایران کند . گفته اند آخرین پیشنهاد در باره غرامت را مصدق می باید می پذیرفت . اما اسناد محرمانه ای که اینک انتشار یافته اند، حاکی از آنند که مصدق پذیرفت و انگلستان دبه کرد . مصدق هم به سفیر آمریکا برای چندمین بار گفت : انگلیسها بپناه جوتی می کنند . نمی خواهند با حکومت من مسئله نفت را حل کنند و در تدارک اسباب بر کناری من از سمت نخست وزیری اند . بنا بر اسناد (از سندهای ۲۸۱ بعد)، آمریکا که نخست دبه در آوردن انگلستان را غیر قابل قبول می دانست، به پیشنهادی تن داد که بنا بر آن، ایران می باید بابت مدت باقی مانده قرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ نیز غرامت می پرداخت . این پیشنهاد در ۱۵ ژانویه تسلیم مصدق شد . همزمان با تشکیل جبهه انگلیس - آمریکا، در ایران، دربار دست بکار شد . علاء، وزیر دربار شاه، به سراغ هندرسن، سفیر آمریکا در تهران رفت تا در باره جانشین مصدق گفتگو کند . در ۹ اسفند، توطئه قتل مصدق به اجرا گذاشته شد . در « خاطرات و تألمات »، مصدق نقش هندرسون را در توطئه قتل خویش شرح می کند .

اما این واقعیت تنها واقعیتی نیست که می پوشانند :

● جهان در تحول بود و بسیار بودند کشورهایی که ملی کردن صنعت نفت را توسط مردم ایران، فرصتی می شمردند برای بیرون رفتن از سلطه شرکتهای نفت . در اسناد، مکرر به این واقعیت تصریح شده است : هرگاه راه حلی برای نفت پیدا نشود، مصدق می تواند نفت ایران را بفروشد . بنا بر این :

● بپرض که شاه به نمایندگی اقلیت صاحب امتیاز به ایدن پیام نمی داد مسئله نفت را با مصدق حل نکنید صبر کنید او را برکنار کنیم و مسئله نفت را بسود شما حل کنیم (خاطرات ایدن)، شرائط و اسباب پیروزی نهضت ملی ایران وجود داشتند . الا این که برای آمریکا و انگلستان آن روز، مهمتر از نفت، جلوگیری از استقرار مردم سالاری در ایران بود . زیرا آن مردم سالاری را سبب تزلزل و بلکه سقوط رژیمهای منطقه و به خطر افتادن « منافع خود » می دانستند . در این ضدیت با استقرار مردم سالاری، روسیه آن روز پشتیبان آنها بود . با وجود این، اندیشه ای که راهنمای ایران به بیرون رفتن از روابط - مسلط - زیر سلطه باشد و آگاهی مردم کشور از حقوق ملی خویش، می توانست مردم را بمثابة نیروی تعیین کننده سرنوشت

به کودتا کند، پدید نمی آمد. مصدق با درایت این واقعیت را دریافت و خاطرات و تألمات این خطا را خاطر نشان می کند . در حقیقت، پیش از آنکه شاه به سفیر آمریکا پیشنهاد کودتا کند و بر سر زاهدی بعنوان جانشین مصدق توافق کنند، کسانی از رهبران نهضت ملی زاهدی را نامزد جانشینی مصدق کرده بودند . مصدق می نویسد:

(خاطرات و تألمات مصدق صفحه ۲۱۷):

« نمایندگان جبهه ملی که این گروه از نمایندگان را می توان از نظر فکر و عقیده به دو دسته تقسیم کرد : الف - نمایندگان که به آزادی و استقلال مملکت ایمان داشتند و هیچ چیز آنها را از عقیده و ایمان خود منحرف ننمود و تا آخرین لحظه در عقیده خود باقی ماندند .

ب - نمایندگان که آزادی و استقلال را وسیله پیشرفت اغراض و مقام قرارداده و از همان ماه های اول تشکیل دولت این جانب، سرلشکر زاهدی، وزیر کشور را نامزد نخست وزیری کردند . من بعد از غائله ۲۳ تیر از آن مطلع شدم و از عدم توجه و کم فکری بعضی از همکارانم بسیار تعجب کردم . چون که جبهه ملی در مجلس اکثریت نداشت که سر لشکر با رای جبهه ملی در مجلس نخست وزیر بشود و تابع نظرات جبهه ملی باشد . از این هم که بگذریم، سیاست خارجی چطور موافقت می کرد که باز شخص دیگری متصدی کار شود که نهضت ملی ایران را به ضرر آن سیاست رهبری کند ؟ » (خط کشی زیر جمله ها از این جانب است)

بدین قرار، هرگاه این دسته از « نمایندگان » می دانستند برگزیده اقلیت صاحب امتیاز و دست یار قدرت خارجی، « چوب دست » آنها نمی شود و خود در ایجاد آن آلتروناطیو شرکت نمی کردند و هرگاه رهبری نهضت ملی نسبت به تشکیل این آلتروناطیو لایقید نمی ماند و از مردم می خواست چون ۳۰ تیر در صحنه حضور فعال داشته باشد، از وقوع کودتا پرهیز می شد . امروز نیز درس تجربه ۳۰ تیر را می باید بکار برد و با تمام توان کوشید و نگذاشت آمریکا آلتروناطیو بسازد و با رژیم حاکم مدار بسته بوجود آورد .

● واقعیت چهارم که با مجاز خود ساخته جانشین می کنند، اینست : بر فرض که مصدق می باید واقع بین می بود و واقع بینی یعنی حل مسئله نفت با قبول « منافع آمریکا و انگلیس در ایران »، تشخیص منافع با آمریکا و انگلستان بود و آیا آنها به مصدق اجازه می دادند به جای آنها منافع آنها را تعریف و میزانش را معین کند؟ روشن بود که وقتی به مصدق این اجازه را نمی دادند، به دست نشانندگان بریده از مردم نیز نمی دادند . چنانکه به شاه و زاهدی نیز ندادند . زاهدی ناگزیر شد قرار داد کسرسیوم را به مجلس ببرد و بگوید گفته اند حتی یک واو آن نباید پس و پیش شود . اما پیش از ملی شدن صنعت نفت و زمامداری

غیر از این که ایران دوران جنگ، فاقد همه امکانات بود . هدف مجازی، ترجمان قلب واقعیتها به مجازها شد و نسلی قربانی هدف تحقق نیافتنی شد و کشوری گرفتار فتنه استبداد وابسته شد . ۲ - واقعیت، خاصه های خود را دارد . نا آگاهی از این خاصه ها، به قلب سازان فرصت می دهد منطق صوری را بکار گیرند و مجازها را جانشین واقعیت ها بسازند . خاصه اول واقعیت اینست که از خود هستی دارد و مجاز این هستی را ندارد . برای مثال، می گویند : مصدق آرمان خواه بود و واقع بین نبود . اگر واقع بین بود، می دانست ایران نمی تواند با قدرتهای جهان در افتد . می باید منافع آنها را در ایران می پذیرفت و با آنها کنار می آمد تا کار به کودتای ۲۸ مرداد و بازگشت استبداد نکشد . بنگریم کدام واقعیتها را از دید عقل ها پنهان می کنند و با کدام مجازها جانشینشان می کنند؟ :

● بنا بر ادعا، منافع آمریکا و انگلستان نفت و گازی است که متعلق به مردم ایران، نسل بعد از نسل است . به سخن دیگر، منابعی که حقی از حقوق ملی ایرانیان است، سلطه گر منافع خود می شمارد!

حق ملی از خود هستی دارد . اما نفت وقتی نفع آمریکا و انگلیس می شود که ایرانیان از حق ملی خود چشم ببوشند، بدتر این که آن را نفع آمریکا و انگلستان بشناسند .

● واقعیت دوم این که تا اقلیت صاحب امتیاز، برای سلطه استبدادی بر جامعه خود و بردن و خوردن حقوق مردم، قدرت خارجی را شریک خویش نمی گردانند، واقعیت اول، مجاز (یعنی نفع آمریکا و انگلستان) نمی شد . چنانکه اگر اقلیت نفتی یا صاحب امتیازان وابسته به انگلستان و آمریکا و حزب توده وابسته به « روسیه شوروی » نبودند، نفت ایران ملی می شد و ایران مستقل و آزاد و دولتی بر پایه های حقوق ملی و حقوق انسان می یافت . این واقعیت و نقش آن را ندیدند و ۲۸ مرداد را حاصل آرمان خواهی مصدق جلوه دادن، قلب بس ناشیانه واقعیت است . طرفه این که « اگر « ترجمان واقعیت را با « اگر » بیانگر مجاز خود ساخته جانشین می کنند : اگر ۳۰ تیر نبود و قوام برکار می ماند، مسئله نفت را حل می کرد و کار به کودتای ۲۸ مرداد نمی کشید! آیا قوام السلطنه مستقل از اقلیت صاحب امتیاز نبود ؟ بیرون از آن اقلیت، تکیه گاهی در جامعه داشت ؟ قیام مردم در ۳۰ تیر می گوید : او تکیه گاه مردمی نداشت . اسناد منتشره نیز می گویند آمریکا و انگلستان بر این امید بودند که او طومار نهضت ملی ایران را بر می چیند و مشکل نفت را در محدوده منافع آنها حل می کند . و نیز،

● واقعیت سومی که از دید عقول می پوشانند اینست : ۳۰ تیر پیروزی بزرگی بود که اگر رهبران نهضت ملی از آن درس گرفته بودند، می توانستند از ۲۸ مرداد پیشگیری کنند: بدیل دست نشانده را قیام مردم نا ممکن کرد . حال اگر رهبران نهضت ملی جلوگیری از تجدید بنای بدیل دست نشانده را وظیفه خود می شمردند، بدیلی که آمریکا و انگلستان را دعوت

کوتاه است . چرا که قدرت فرآورده روابط روز به روز قدرت است . از این رو است که هدفها روزانه و پراکنده می شوند . برای مثال، در دوران مبارزه با شاه، هدف مشخصی که رها کردن ایران از استبداد زیر سلطه بود، به تمامی فعالیتها جهت می داد . اما با ورود آقای خمینی به تهران تا پایان عمر او، دیگر جز قدرت هدفی که فعالیتهای او را تنظیم کنند، وجود ندارد . از این رو، فعالیتهای او روز به روز و پراکنده اند . به شهادت کارنامه های آقای هاشمی رفسنجانی، حتی پیروزی در جنگ، برغم آنکه ۸ سال بطول انجامید، هدفی که به فعالیتها جهت بدهد نبوده است . بلکه دست آویزی بوده است برای کشماکشهای روزمره بر سر قدرت .

۳ - و نیز، بدون هدف، عقل با واقعیت رابطه برقرار نمی کند . این هدف است که انسان را با واقعیت در رابطه قرار می دهد . حتی وقتی بنا بر شناخت واقعیت می شود، برای مثال، انسان می خواهد یک واقعیت را همان سان که هست بشناسد، هدف که شناسائی است می باید وجود داشته باشد تا استعداد دانشجوئی انسان بکار افتد :

بدون تشخیص هدف، عقل با واقعیت رابطه برقرار نمی کند .

۴ - بدین قرار، دو نوع رابطه با واقعیت برقرار می شود : رابطه با واقعیت وقتی قدرت هدف است و آزادی هدف می شود . وقتی استقلال و آزادی هدف می شود، دروغ و مجاز بی محل می شود و عقل واقعیت را همان سان که هست می بیند . زیرا با واقعیت رابطه مستقیم برقرار می کند . اما وقتی قدرت هدف می شود، عقل واقعیت را آنسان که بکار قدرت می آید، می بیند . زیرا از رهگذر قدرت با واقعیت رابطه برقرار می کند . و از آنجا که بدون دروغ و مجاز، قدرت وجود نمی جوید و بخش بزرگی از وجودش نیز مجازی است، وقتی قدرت هدف می شود، واقع بینی نیز غیر ممکن می شود . از این رو بود و هست که رفتارهای شاه سابق، خمینی، هیتلر، استالین، موسولینی و... و اینکه گردانندگان رژیم مافیاهای نظامی - مالی هر روز بیشتر از روز پیش، ترجمان واقعیت گریزی بوده اند و هستند . در تاریخ نویسی قدرت پرستان نیز که تأمل کنیم می بینیم، واقعیتهایی که سانسور می کنند را با مجازها جانشین می سازند . تا نه تنها واقعیت گریزی قدرت مدارها را ببوشانند، بلکه به آنها لقب واقع بین نیز بدهند .

بدین قرار، مصدق بدین خاطر که استقلال ایران و استقلال و آزادی انسان ایرانی و غیر ایرانی را آرمان خویش کرده بود، واقع بین بود . تجربه نهضت ملی ایران می گوید : همه آنها که قدرت را هدف کرده بودند و از راه قدرت خارجی می خواستند به هدف خود برسند، از واقعیت ها می گریختند . از جمله از

این دو واقعیت :

در صفحه ۱۵



در فصل سوم مجموعه آن بخش از خبرها را می یابید که از ایران گزارش شده اند و بر انتخاب هاشمی رفسنجانی به ریاست مجلس خبرگان و وضعیت سپاه و عملکرد احمدی نژاد - که برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به نیویورک رفته است و ۲۴ سپتامبر، در دانشگاه کلمبیا، سخنرانی کرده و به پرسشهای دانشجویان پاسخ گفته و در آغاز، رئیس دانشگاه او را دیکتاتوری بی مقدار و تروریست و... توصیف کرده و بر ضدش تظاهرات وسیع بعمل آمده اند - و پروتو می افکنند .

در فصل چهارم، موارد فساد را که دیوان محاسبات گزارش کرده است - یک مورد که رئیس کمیسیون انرژی مجلس از آن سخن بمیان آورده است - می خوانید .

در فصل پنجم، قسمتی دیگر از تحقیق ژاله وفا را در باره آموزش و پرورش می یابید .
و در فصل ششم، خبرهای تجاوزها به حقوق بشر را می خوانید :

آیا آمریکا با تولید کالائی که «قرضه» است جهان را در کام بحرانی سخت فرو برده است؟!

قرضه تولید اصلی آمریکا گشته و این قرضه چنان حجمی را یافته است که قابل بازپرداخت نیست . به تولید قرضه است که آمریکا خواستگاه و مرکز بحران جهانی شده است :

گروه محققان LEAP/E2020 تحقیقی را بعمل آورده است و در بولتن Europe Global Anticiuation Buletin GEABNo 17، به تاریخ ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۷، نتیجه تحقیق را به زبانی که غیر متخصص ها هم بتوانند بفهمند انتشار داده است :

● موتور اصلی بحران سامانه ای (سیستمی) کنونی در آمریکا است . این « یایان غرب » آن سان که از ۱۹۴۵ بدین سو می شناسیم ، پیش از همه، فروریختن در تمامی ابعاد (اقتصادی، پولی، مالی، دیپلماتیک، روشنفکری و استراتژیک) پایه نظم جهانی در قرن بیستم، یعنی اقتصاد آمریکا است . و این کشور آمریکا است که در قلب بحران مالی و بانکی می یابیم . بحرانی که از تابستان بدین سو، جهان را فرا گرفته است . برای این که تصویر ساده ای در ذهن مجسم کنیم، گوئیم که از این پس، پایه (آمریکا) بر شن روان است . یعنی این که مجموع بنا و پایه آن دارند فرو می ریزند .

بزرگی خطر پیش رو، گروه محققان را بر آن داشت که در بیانیه ای ۱۰۰۰

کاسه داغ تر از آتش !

● اما تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و به دنبال آن ، اشغال عراق و کاترینا که موجب ویرانی بخشی از ایالت نوول اورلئان شد و اخیراً فرو ریختن پل بر رود می سی سی پی ، پنداری همگان و حتی کارشناسان جز ارقامی را نمی دیدند که سیستم ، سیستمی انتشار می دهد که محصول خود را که « قرضه ها » باشند، می فروشد. بدیهی است این رقم ها به همه اطمینان می دهند که همه چیز خوب و وام داران میان حال به پرداخت وامهاشان توانا هستند .

و بعد، حدود یک سالی می شود که با شتاب گیری رو به افزایشی ، واقعیت ، این پارامتر آزار دهند در همه معادله ها که کارشناسان و ایدئولوگها ترتیب می دهند ، خود را نشان می دهد . پی در پی قرضه تولید می شود و هر بار با رقمی بزرگ تر بدان امید که رشد اقتصاد و افزایش درآمد واقعی به سطح قرضه ای که تولید شده است ، خواهد رسید و بقیه جهان همچنان به خرید قرضه آمریکا را ادامه میدهند و قرضه های جدید آمریکا را به حساب بستانکار خود می نویسند (البته با صورت سازی و تضمین در برابر خطر عدم پرداخت . غافل از این که خطر را همین قرضه ایجاد می کند) .

● اما بحران مسکن (سقوط قیمتها) در آمریکا پیآمدهای متصل بهم و فاجعه آمیزی ببار می آورد . GEAB، از ماه فوریه ۲۰۰۶ ، بعد، ماه به ماه، هشدار می دهد که بحران ما در اواسط ۲۰۰۷ چهره خود را نشان خواهد داد . سر انجام، دستگاههای بانکی - مالی پی بردند که بدهکار نهانی این کارخانه تولید قرضه که آمریکا شده است، یعنی امریکائی متوسط ، یا هم اکنون توانا به پرداخت وام نیست و یا بر اثر رکود اقتصاد آمریکا که آغاز شده است، دارد ناتوان می شود .

● از بهار ۲۰۰۷، این مؤسسات بزرگ شروع کرده اند به ارزیابی وضعیت خود بدون اینکه اندازه بحران را دریابند . زیرا عادت و پیروی از رویه معمول، آنها را امیدوار نگاه داشته است که اقتصاد آمریکا جهش خواهد کرد و سقوط قیمت مسکن کوتاه مدت خواهد بود . که سطح اشتغال بالا خواهد ماند و سرمایه گذاریهای کارفرمائی ها از سر گرفته خواهند شد و درآمدهای معامله گران بورس جبران زیان آنها را بر اثر سقوط قیمتهای مسکن خواهد کرد و ... هر یک از آنها ، بجای تحلیل های جدی، در رسانه های بزرگ که به امور مالی و پولی می پردازند، به شنیدن یا خواندن « نیایش های پرهیزکارانه » از زبان و قلم مسئولان بانکهای مرکزی، بسنده می کنند .

● در اواسط تابستان ۲۰۰۷، بانکهای بین المللی مسلم یافتند که بخش بسیار بزرگی از همه قرضه ها هرگز وصول نخواهد شد . تحول بازار اوراق قرضه خزانه داری (= اوراق تجاری) که بکار کارفرمائی ها در تأمین سرمایه می آیند و در قلب بحران بانکی - مالی کنونی هستند ، بسیار گویا است . بازار این اوراق از ماه اوت در سقوط است .

با توجه به سر رسید ها ، بانکهای بزرگ تصمیم گرفته اند نقدینه واقعی گرد آورند (و نه شبه نقدینه مانند اغلب فرآورده های مالی که در سالهای اخیر به میلیونها پس انداز

کننده فروخته شده اند . این فرآورده ها بر پایه قرضه آمریکا تولید و فروخته می شوند) . لذا، این بانکها حاضر نیستند اعتبارهایی را بدهند که باردار باختهای بزرگ هستند . از جمله، دیگر به یکدیگر نیز وام نمی دهند . زیرا هر یک از آنها غرق در بورس بازی و سوداگری هستند که بر پایه قرضه های آمریکا پدید آمده و بزرگ شده است . این بانکها به یکدیگر مظنونند که بیشتر غرق شده باشند و در معرض ورشکست قرار گرفته باشند .

● زیرا، در حقیقت، امر در حال وقوع همین ورشکستگی است . بدین خاطر است که BCE بانکهای اروپائی را غرق نقدینه می کند . ژان کلود تریشه می باید ورشکست بانک کردی لیونه را به یاد آورد . در حقیقت، تمامی بنای مالی که بر پایه قرضه آمریکا ساخته شده است در حال فرو پاشی است . زیرا مصرف کنندگان امریکائی زیر بار وامها مانده است و در همین حال، اقتصاد آمریکا دارد وارد رکود می شود . در پس وامهای مسکن که احتمال وصولشان بسیار کم است ، از این پس، در صد بالائی از تمامی وامهای ، وامهای مسکن و وامهای خودرو و وامهای کارتهای اعتبار (بانکی) آمریکا دارند لاوصول می شوند (با پائین آمدن ارزش دلار و اوراق خزانه، قرضه های بخش عمومی ، دولت و شهرداریها نیز دارند لاوصول می شوند) .

به سخن دیگر، در قلمرو بانکها و مؤسسات مالی بین المللی (غیر از اغلب مدیران کنونی بانکهای بین المللی) می دانند که در ۶ ماه آینده، فعالیت این بانکها و مؤسسه ها است که فلج می شود . و بیان آنها است که با گویای ورشکست آنها است و یا گزارشگر زبان عظیمشان است .

● بنا بر نمودار خزانه داری آمریکا ، آمریکا به اغلب کشورهای دنیا بدهکار است : ژاپن ۶۰۰ و چین ۴۰۰ و انگلستان ۱۲۰ و کشورهای نفت خیز ۱۱۰ و برزیل ۸۰ میلیارد دلار از آمریکا طلبکارند . غیر از اینها، ۲۱ کشور دیگر از آمریکا طلبکارند .

● از آنجا که بحران مسکن به اقتصاد واقعی نیز سرایت می کند، نه تنها در آمریکا که در کشورهای جهان بحران پدید می آورد : بحران بازار مسکن در انگلستان و فرانسه و اسپانیا که در سال جاری بروز می کند و به دنبال آن، ژاپن و چین و دیگر کشورهای آسیا می باید با کاهش شدید صادرات خود به آمریکا و کاهش ارزش دارائیهای خود که به دلار هستند (دلار و اوراق خزانه و سهام شرکتهای امریکائی و ...) مقابله کنند . بدیهی است آنها که از آمریکا بیشتر طلب دارند بیشتر زیان خواهند کرد .

● در باره دنبال راه رویدادها ، گروه LEAP/E2020 با دو پرسش روبرو است که برای پاسخ به آنها داده ها و اطلاعات دقیق در اختیار ندارد : چه تعداد کارشناس و مقامات بانکهای مرکزی و روزنامه نگارانی که به توصیف و تجزیه و تحلیل رویدادهای مالی و پولی می پردازند و سیاستمداران امریکائی که مسحور آمریکا هستند می توانند توالی رویدادهائی دریابند که دید آنها را از جهان زیر سؤال برده است ؟ آیا بدون انتظار « معجزه » (یعنی جهش اقتصاد امریکائی امروز که دیگر هیچ به

امریکائی اواسط قرن بیستم نمی ماند) ای که رخ نخواهد داد، می توانند با سرعت لازم به عمل برخیزند ؟

● مسابقه سرعت میان واقعیت و نظریه آغاز شده است . در یک بحران سامانه ای (سیستمی) ، پیروز همواره واقعیت است . تصمیم گیرندگان ، هرگاه دانا باشند، دست کم می توانند از تصادم شدید با واقعیتها اجتناب کنند و مانع از وارد شدن زیانهای بزرگ به مردم خود شوند . ماه های آینده ، در تمامی جهان، خوب از بد جدا می شود .

به نظر گروه LEAP/E2020 آنچه مسلم است اینست که « آمریکا » گرفتار بحرانی بس سخت می شود . این گروه تاریخ وقوع بحران را ۲۰۰۷ معین کرده است . هرگاه بحران شدتی را بگوید که پیش بینی می شود، بسیار شدید تر از بحران ۱۹۲۹ می شود . اگر چه برخی خاصه ها مشترک هر دو بحران ، ماه ها است، بروز کرده اند و اگر چه بحران ۱۹۲۹ ، امر واقعی است که در تاریخ جدید، رویدادها را با آن می سنجند ، اما بسا بحرانی که در راه است آن را به دست فراموشی بسپارد .

انقلاب اسلامی : « تنها ابر قدرت » در حال انحطاط که تولید اصلیش قرضه شده است، به نفت ، هم بعنوان انرژی و هم بعنوان فرآورده ای که به آمریکا اجازه می دهد پول کاغذی ، دلار، به دنیا بدهد ، اهمیت حیاتی پیدا می کند. بخصوص که تقاضای نفت بر عرضه آن فزونی گرفته و احتمال می دهند بهای نفت در ۲۰۱۵ به ۳۸۰ دلار افزایش یابد :

در هرسال ، تقاضای نفت به میزان ۱/۵ میلیون بشکه افزایش می یابد و عرضه نفت تکافو نمی کند. بسا در ۲۰۱۵ بهای نفت بشکه ای ۳۸۰ دلار خواهد شد :

◀ لوموند ۱۳ سپتامبر ، مصاحبه ای با منصف کبکی مسئول مواد اولیه در Ixis CIB بعمل آورده است که چکیده آن اینست :

● تقاضای نفت ، در طول ۵ سال اخیر، سالانه به میزان ۱/۵ میلیون بشکه در روز افزایش یافته است اما عرضه نفت کمتر و کمتر می تواند افزایش یابد : به جای ۲ و ۳ میلیون بشکه در روز سابق، اکنون ۱/۲ میلیون در روز افزایش می یابد. نفت دریای شمال دارد ته می کشد و بهره برداری از منابع شناخته شده کاهش می پذیرد . برغم پیشرفت فنی و کاوش نفت در دریاها، حاصل کاوش ها کم و کمتر می شود . دیگر منابع نفتی بزرگ مثل منابع عربستان پیدا نمی شوند . هر چند در قطب شمال و شمال روسیه و ته دریاها منابع بهره برداری نشده وجود دارند .

● با آنکه میزان رشد اقتصادی کاهش یافته است ، میزان تقاضا روزانه ۱/۱ میلیون بشکه افزایش یافته است . آژانس بین المللی انرژی اتمی پیش بینی می کند سال آینده ، تقاضا روزانه ۱/۴ میلیون بشکه افزایش خواهد



یافت. در این ارزیابی تجدید نظر کرده و ۰/۳ میلیون بشکه از آن کاسته است. تقاضای آسیا، بخصوص چین، ظرف ۵ سال دو برابر شده است: از ۳/۵ میلیون بشکه به ۷ میلیون بشکه در روز رسیده است. این تقاضا بر تعادل عرضه و تقاضا در جهان اثر می‌گذارد. ● در مطالعه ای که، در سال ۲۰۰۵، با توافق پاتریک آرتوس انجام داده ایم به این نتیجه رسیده ایم که بهای نفت می‌تواند در سال ۲۰۱۵ به بشکه ای ۳۸۰ دلار برسد. امروز این برآورد را همچنان معتبر می‌دانیم. بخاطر رشد اقتصادی آسیا، از زمانی بعد، تقاضا از عرضه بسیار فاصله خواهد گرفت. اگر رشد مصرف آهنگ کنونی را حفظ کند، از حالا تا ۱۵ سال، چین همانقدر نفت مصرف خواهد کرد که آمریکا. یعنی روزانه ۲۱ میلیون بشکه. وقتی عرضه به هیچ‌و از پس تقاضا بر نیامد، قیمت نفت ضرب در ۷ خواهد شد. یعنی به دلار ثابت، هر بشکه نفت ۳۰۰ تا ۳۵۰ دلار ارزش پیدا خواهد کرد. وقتی بهای هر بشکه نفت به ۱۲۰ تا ۱۵۰ دلار رسید، بازارها واکنش نشان خواهند داد. مصرف نفت کاهش خواهد یافت زیرا قیمت بسیار بالا است. بنا بر این، بخاطر واکنش پیشاپیش بازار، نفت هرگز بشکه ای ۳۵۰ دلار نخواهد شد.

● منابع نفت ۴۰ تا ۵۰ سال عمر دارند. البته، استخراج نفت بستگی به پیشرفت تکنولوژی دارد. بسا پیشرفت تکنولوژی امکان بهره برداری از ته مانده منابع نفت را بدهد. با اینهمه، در ۲۰ تا ۲۵ سال آینده، دوره ته کشیدن منابع نفت شروع می‌شود. در حال حاضر، تنها کشورهای که ظرفیت تولید دارند عبارتند از عربستان و کویت و عراق و به میزان کمتری ایران. در این ناحیه هزینه تولید نیز از هر جای دیگر دنیا پایین تر است. عراق اعلام می‌کند که در سال آینده تولید نفت خود را به روزی ۳ میلیون بشکه خواهد رساند. در حال حاضر، ۲ تا ۲/۵ میلیون بشکه در روز تولید می‌کند. پیش بینی می‌کند ظرف ۴ سال تولید را به ۶ میلیون بشکه در روز برساند. عربستان سعودی روزانه بین ۸/۵ تا ۱۰ میلیون بشکه نفت تولید می‌کند. برای این که بیشتر تولید کند می‌باید سرمایه‌گذاری کند. این کشورها تنها نقاط جهان هستند که می‌توانند به سرعت عمل کنند.

از زمان سقوط رژیم کمونیستی در روسیه، این کشور تولید خود را به روزی ۱۰ میلیون بشکه رسانده است. احتمال نمی‌رود بتواند بیشتر از این تولید کند. هم بخاطر تأسیسات فرسوده و هم بخاطر رقتن به سراغ گاز و هم به جهت سختی آب و هوا.

می‌ماند کانادا که منابع عظیم دارد اما نفت آمیخته به خاک و سنگ است و استخراج نفت نیاز به انرژی بسیار دارد. پیش بینی کرده اند برای تأمین انرژی لازم، یک نیروگاه اتمی بسازند. هزینه بهره برداری نفت از این منابع، بسیار بالا است. بهای نفت باید بسیار بالا باشد که بهره برداری از این منابع صرف کند.

انقلاب اسلامی: با وجود این وضعیت، رژیم مافیاهای نظامی - مالی بجای حفظ منابع نفت و گاز کشور، آن را بباد می‌دهد تا بجای آن انرژی هسته ای تولید کند!

در بحثی که تنی چند از کارشناسان در کانال ۵ تلویزیون فرانسه، به تاریخ ۲۱ سپتامبر کردند، این نکات خاطر نشان شدند:

۱ - برغم حمله های زبانی و تهدید به جنگ، رژیم ملاها همواره رابطه خود را با اسرائیل حفظ کرده است. ۲ - آمریکا مایل نیست رژیم کنونی ایران واژگون شود. در حقیقت، نقش رژیم مافیاهای نظامی - مالی در جریان نفت به غرب به کمترین بها، تعیین کننده است. و پیش از این نیز گفته شده بود که نفت علت حمله به عراق بوده است. اینک وزیر خزانه داری پیشین آمریکا می‌نویسد که علت حمله آمریکا به عراق، نفت بود:

گرین اسپن، رئیس بانک مرکزی آمریکا تا پایان ۲۰۰۶، می‌نویسد: جنگ با عراق بخاطر نفت بود:

«آلن گرین اسپن که یک جمهوریخواه است طی سال‌های ۱۹۸۸ تا ۲۰۰۶ ریاست بانک مرکزی آمریکا را بر عهده داشت. وی با انتشار کتاب خاطرات خود ضربه سیاسی تازه‌ای را به کاخ سفید وارد نموده است. آنگونه که وی در این کتاب آورده کنترل جریان صادرات نفت و نه مبارزه با سلاح‌های کشتار جمعی، انگیزه اصلی دولت آمریکا برای سرنگونی حکومت صدام حسین در سال ۲۰۰۳ بوده است. گرین اسپن در این کتاب با اشاره به وقایع منتهی به جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ نوشته است: «من بسیار متاسفم از این که باید اشاره کنم چیزی که اغلب مردم درباره آن صحبت می‌کنند یک واقعیت ناراحت‌کننده سیاسی است: «جنگ عراق عمدتاً به خاطر نفت آغاز شد بنا بر تصور کاخ سفید، حکومت صدام حسین در آن هنگام تهدیدی برای جریان صدور نفت از منطقه خاورمیانه محسوب می‌شد. انقلاب اسلامی: حکومت بوش صدام و رژیم او را تهدیدی برای جریان نفت نمی‌دانست بلکه تهدیدی برای دلار می‌دانست. می‌دانیم که صدام تصمیم گرفت نفت را نه به دلار که او رو بفروشد.

خواستگاه و مرکز بحران جهان شدن نیاز به «دکترین جنگ پیشگیرانه» دارد. مگر این که آمریکا ریشه بحران را برکند:

آیا جهان باید خود را آماده جنگ با ایران کند یا که دیپلماسی، توانا به حل مسئله اتمی است؟

انقلاب اسلامی: در قسمت اول این فصل، تجاوز هوایی اسرائیل به سوریه و ربط آن با نقشه حمله به ایران و در قسمت دوم گرفتار شدن دو طرف یکی آمریکا و دیگری رژیم مافیاهای منطقه تقابل و راه جلوگیری از نفوذ ایران در

کاسه داغ تر از آتش!

منطقه و در قسمت سوم، موضعگیری فرانسه - که کاسه داغ تر از آتش شده است را می‌آوریم. در این قسمت به مجازاتهای اقتصادی در محدود شورای امنیت و خارج از آن نیز می‌پردازیم:

حمله اسرائیل به سوریه برای بمباران مرکز اتمی بود ویا آزمون توان ردیابی هواپیماهای اسرائیل در صورت عبور از قلمرو هوایی سوریه برای حمله به ایران؟

*** آیا حمله اسرائیل به سوریه برای از بین بردن تجهیزات اتمی بوده است؟**

«در ۶ سپتامبر، هواپیماهای اسرائیل به حریم فضایی سوریه تجاوز کردند. نخست منکر شدند. بعد، رسانه های گروهی نوشتند و گفتند: کره شمالی تجهیزات اتمی به سوریه فرستاده است و اسرائیل مسیر ورود آنها را در خاک سوریه تعقیب کرده و محل از بار پیاده شدنشان را تشخیص و بمباران کرده است. پیش از اقدام به این تجاوز هوایی، بوش را از ماجرا آگاه کرده است. از جمله، لوس آنجلس تایمز (۲۱ سپتامبر)، در این باره می‌نویسد:

● در طول تابستان، اسرائیل اطلاعات گویای همکاری کره شمالی با سوریه را در قلمرو اتمی، به اطلاع پرزیدنت بوش می‌رسانده است. از جمله اطلاع داده است که پرسنل اتمی کره شمالی در سوریه هستند.

حکومت آمریکا نه حمله هوایی اسرائیل به سوریه را مورد تفسیر قرار داد و نه از داده شدن اطلاعات توسط اسرائیل در باره همکاری اتمی کره شمالی و سوریه، سخنی گفت.

اما حکومت بوش از این که کره شمالی با کشوری مثل سوریه همکاری اتمی می‌کند که رابطه بسیار نزدیک با ایران دارد، آشفته خاطر شد. آمریکا خواستار اقدام فوری شد از جمله بخاطر این که با کره شمالی گفتگو می‌شود برای آنکه به تولید بمب اتمی پایان بدهد.

● حمله نیز در شب انجام شد که خسارت جانی بیار نیابد.

هدفی که اسرائیل بمباران کرده است، در شمال سوریه نزدیک ترکیه بوده است. یک کارشناس خاورمیانه که با یکی از خلبانان گفتگو کرده است می‌گوید: عملیات بدانحد سری بود که آماده کنندگان هواپیماها و ... نمی‌دانستند هدف حمله کجا است. خلبانان تنها بعد از این که پرواز کردند از مقصد آگاه شدند. مقامات سوریه می‌گویند خساراتی وارد نیامده اند.

● اما منابع آمریکا بر این نظر هستند که اطمینان حاصل نیست که سوریه قصد تولید بمب اتمی داشته باشد و در این زمینه با کره شمالی همکاری می‌کند. سوریه بطور فعال در کار تولید

سلاح شیمیایی است اما در پی تولید بمب اتمی نیست. بنا بر این، در باره اطلاعات اسرائیل و اقدام اسرائیل تردید وجود دارد.

● سوریه و کره شمالی، هر دو، وجود همکاری در قلمرو اتمی را تکذیب می‌کنند. در ۲۰ سپتامبر، بوش از پاسخ دادن به پرسشی در باره حمله هوایی اسرائیل به سوریه، امتناع کرد. اما به کره شمالی هشدار داد که صدور اطلاعات و یا تجهیزات به گفتگوها با کره شمالی بر سر متوقف کردن تولید بمب اتمی، در ازای دریافت انرژی و شناسایی دیپلماتیک لطمه وارد می‌کند:

● اگر آنها می‌خواهند گفتگوهای ۶ کشور به نتیجه برسد، هرگاه به صدور اطلاعات اتمی و یا تجهیزات اتمی می‌پردازند، امیدواریم بدان پایان دهند. ● بخلاف حمله اش به نیروگاه برق اتمی عراق در ۱۹۸۱، این بار، اسرائیل بر حمله هوایی خود سانسور کامل بفرار کرد. سوریه اعتراض خفیفی کرد و رهبران عرب ساکت ماندند. نتیجه این که حمله موفق به مرکز اتمی سوریه، موفق و سر دولتی گشت. ● آیا زدن هدفی در خاک سوریه اینهمه اهمیت داشته است که اسرائیل با وجود نگرانی از این که این حمله به جنگ میانجامد به آن دست زده است؟

پرسش ریدل، یک مقام پیشین سیا پاسخ می‌دهد: این حمله هوایی واجد کمال اهمیت بوده است. اسرائیل از مدتها پیش می‌دانست که سوریه در کار تولید سلاح شیمیایی و بسا بیولوژیک است. اما اگر اسرائیل تصمیم گرفت حمله هوایی کند بدین خاطر است که خطر را جدی تلقی کرده است.

حمله اسرائیل سه روز بعد از آن انجام گرفت که یک کشتی کره شمالی وارد بندر سوریه شد. بار آن، بنا بر قول رسمی، سیمان بود. نقش کشتی تاریک است. منابع اسرائیلی می‌گویند تجهیزات اتمی به سوریه آورده است. دیگران می‌گویند قطعات موشک بار کشتی بوده اند. برخی دیگر می‌گویند حمله به کشتی و بار آن ربط نداشته است. این دو مقارن شده اند. یک منبع نیز می‌گوید اسرائیل از بیم آنکه رسانه ها خبر را لو دهند، در حمله شتاب کرده است.

*** حمله به تأسیسات اتمی و یا کارگاه تولید سلاح شیمیایی و بیولوژیک نیاز به مخفی کردن**

نداشت. آیا این حمله هوایی پوشش تدارک حمله هوایی به ایران است؟

«بنا بر اطلاعاتی که انقلاب اسلامی از منبع عرب و از داخل کشور تحصیل کرده است، قصد اسرائیل این بوده است که بدانند آیا رادارهای سوریه تمامی مرزهای هوایی این کشور را پوشش می‌دهند و یا نقاط کور بسیار دارند. حمله هوایی اسرائیل را مطمئن کرد که نقاط کور وجود دارند و می‌تواند به استفاده از آن، برای حمله هوایی به ایران از قلمروهای هوایی سوریه و ترکیه عبور و هدفهای خود را در خاک ایران بمباران کند. در واقع، اسرائیل در تدارک حمله هوایی به

ایران است. قرائن نیز حاکی از این قصد هستند:

«جان بولتن، نماینده سابق آمریکا در سازمان ملل، در ۲۲ سپتامبر گفته است: اسرائیل توانائی حمله به تأسیسات اتمی ایران و از بین بردن آنها را دارد. او یکبار دیگر تأکید کرده است که جنگ تنها راه حل است.»

● در ۱۵ سپتامبر، بمناسبت سال روز تجاوز عراق به ایران، در رژه نظامی، رژیم انواع موشکها را در رژه شرکت داد. از جمله گفت موشک قدر - ۱ با برد ۱۸۰۰ کیلومتر را در رژه شرکت داده است که هم می‌تواند هدفها را در اسرائیل بزند و هم در سرتاسر خاورمیانه قوای آمریکا را مورد تهدید قرار دهد. پیش از آن،

● در ۲۸ شهریور (۱۹ سپتامبر) امیر خلبان محمد علوی، معاون عملیات نیروی هوایی ارتش، در ارتباط با دستاوردهای ایران در بخش هوایی گفت: «با اعتقاد کامل این نکته را اعلام می‌کنم که عدم واگذاری تجهیزات جدید هوایی و دفاعی، نعمت بزرگی بود تا به فکر ارتقای توان رزم خود در عرصه‌های مختلف باشیم. ایران با سرعت بسیار زیادی در زمینه دستیابی به تکنولوژی‌های جدید دفاعی پیشرفت‌های بزرگی داشته و موفقیت‌های صنعت هوایی ما در این بخش متنوع و گسترده است. هم اکنون انواع موشک‌های دوربرد، هواپیماهای شکاری، مهمات هوشمند، بمب‌های پرنده و هوشمند و انواع مهمات‌های حرارتی و تلویزیونی به دست متخصصان دفاعی کشور در حجم انبوه تولید می‌شود.

یکی از موضوعاتی که این دشمنان بر روی آن تبلیغات بسیاری می‌کنند، موشک‌های کروز است که در این خصوص نیز آمادگی لازم را با بررسی نحوه عملکرد و حجم شلیک آن، احراز کرده‌ایم و اکنون سامانه‌های لازم برای مقابله با آن‌ها در اختیار ما است و دشمنان ملت ایران در هر حجمی با موشک‌ها و جنگنده‌های خود حمله کنند، فرزندان ارتشی ملت آمادگی پاسخ را دارند.»

علوی پیرامون عملیات روانی اسرائیل درخصوص حمله هوایی به کشورمان گفت: «اینکه اسرائیل سخن از حمله هوایی می‌کند تنها یک جنگ روانی است چون ما قدرت هوایی این رژیم را برای حمله به ایران رد می‌کنیم. اسرائیل موجودی نیست که وجود آورد چون توان واقعی ندارد ... علاوه بر اینکه برد موشک‌های ما تمام خاک این رژیم را در برمی‌گیرد، می‌توانیم با هواپیماهای شکاری خود به خاک آنها حمله کنیم و پاسخ حمله احتمالی آنها، هر چند خیلی بعید است، را با حمله هوایی به خاک آنها بدهیم و چنین طرحی فقط یک تهدید توخالی نیست و ما هر کاری را با برنامه‌ریزی صحیح و ایجاد آمادگی‌های لازم انجام می‌دهیم لذا اسرائیل هر نوع حماقتی را از سر خود بیرون کند. اسرائیل می‌داند که چه ضربه‌ای از موشک‌ها و هواپیماهای ما خواهد خورد. البته طرح‌های کشور

در صفحه ۵



قابلیت افشا و بیان شدن ندارند ولی بدانند که تحقق عملیاتی آن در صورت نیاز حتمی است».

لوس آنجلس نایمز (۲۰ سپتامبر) از قول مارک رگو، یک مقام وزارت خارجه اسرائیل نوشته است: این تهدید که مقامات ایران بطور مرتب بعمل می آورند ما و جامعه بین المللی را نگران می کنند. ما این تهدیدها را جدی می گیریم.

اما برخی از ناظران بر آنند که اسرائیل، با هماهنگی با آمریکا، در تهیه نقشه حمله به مراکز اتمی ایران است.

مقامات نزدیک به رهبران سوریه می گویند: آنها بر این باور هستند که حمله هوایی اسرائیل به سوریه برای آن بوده است که توان دفاعی سوریه را، در صورت حمله هوایی اسرائیل به ایران، اندازه بگیرند.

یک دیپلمات غربی که در تماس با مقامات سوریه است، در دمشق، به ما گفت: شمار بزرگی از مسئولان بر این باورند که اسرائیل را آمریکا هماهنگی کرده و در جستجوی مطمئن ترین دالان هوایی برای حمله هوایی به ایران است. مقامات سوریه به استناد عکسهای که گرفته اند، می گویند هواپیماهای اسرائیل موشکهای خود را بسوی بیابانی خالی از بنا و سکنه شلیک کرده اند.

در ایران، محمد مرندی که نزدیک به اصلاح طلبان است، سخنان علوی را نوعی آماده سازی ذهن عمومی برای حمله محتمل اسرائیل توصیف می کند.

*** دیگ چنی از اسرائیل خواسته است به یکی از مراکز اتمی ایران حمله کند تا آمریکا در موقعیت حمله به مراکز اتمی ایران قرار گیرد!:**

در ۲۳ سپتامبر، نیوزویک اطلاع داده است که دیگ چنی، معاون رئیس جمهوری آمریکا، از اسرائیل خواسته است یک حمله محدود به یکی از مراکز اتمی ایران کند تا عکس العمل ایران و عکس العمل آمریکا به عمل ایران را بر انگیزد.

نیوزویک از قول دو منبع می نویسد که مشاور پیشین دیگ چنی، داوید وارمرس چند ماه پیش به یک گروه کوچک گفته است دیگ چنی در فکر آنست که از اسرائیل بخواهد به مرکز اتمی ایران در نطنز حمله کند.

واکنش نظامی ایران به این حمله، به آمریکا بهانه حمله هوایی به ایران را می دهد. همسر وارمرس به نیوزویک گفته است اطلاع صحیح نیست.

برخی از منابع اطلاعاتی می گویند حمله به ایران می باید در سال ۲۰۰۸ انجام شود. اسرائیل به سوریه حمله هوایی کرد و حاضر نیست بگوید چرا. کره شمالی و سوریه هر دو تکذیب می کنند که کره شمالی به سوریه تجهیزات اتمی تحویل داده است.

پس از این که نتان یاهو، مخالف حکومت المروت فاش کرد اسرائیل به هدفی در خاک سوریه حمله هوایی کرده است، مشاور او، یوزی اراد، به نیوزویک گفت: من می دانم چه روی داده است و وقتی علنی شد همگان را مهیوت خواهد کرد. سنووال این نیست که آمریکا چه وقت آماده حمله به ایران است. سنووال اینست که اسرائیل چه وقت آماده حمله به ایران است ...

کاسه داغ تر از آتش!

راجع می شود. زیرا تنها این کشور دشمن خوانده شده و تهدید می شود. بنا بر این منطق، اروپائیان و دیگر ملت‌هایی که خارج از خاورمیانه کشور دارند، نباید در نزاعی وارد شوند که به آنها مربوط نمی شود. باری، غلط تر از این استدلال وجود ندارد. چون از ژئوپلیتیک اطلاع بایسته را ندارند و با از رهگذر تفاهم جونی با تهران می گویند نباید از ایران بخواهیم غنی سازی اورانیوم را قطع کند. اینها به هدف صلح خدمت نمی کنند. در اطراف ایران، چندین دولت که با غرب روابط استوار دارند و فروشنده نفت به اروپا و خریدار عالی کالا و خدمات از اروپا هستند، از سه کشور آلمان و انگلستان و فرانسه انتظار دارند، به مقیاس توان اقتصادی خود، به حکومت احمدی نژاد فشار وارد کنند. بطور روشن، اگر عربستان و کویت و پاکستان و بخصوص ترکیه اروپا را ناتوان از آن ببینند که نظر خود را در باره بمب اتمی ایران، بقبولاند که کابوس است برای همه، به احتمال بسیار قوی به غرب پشت می کنند.

ناتوان یافتن اروپا، افزون بر جنبه اقتصادی، از نظر سیاسی نیز ویرانگر است: پاکستان به چین خواهد پیوست که حمایت گر است و عربستان و شیخ نشین های خلیج فارس که نفت دارند، به درون دنیای اسلامی باز می گردند و ترکیه برای همیشه از پیوستن به اروپا چشم خواهد پوشید و روی به جانب روسیه خواهد آورد.

امر دومی که بسیار مهمتر است این که اگر ایران بمب اتمی پیدا کند این بمب سخت قابل انتشار خواهد شد. در حالی که کره شمالی بطور رسمی از غنی سازی اورانیوم به میزان لازم برای تولید بمب اتمی منصرف می شود، ایران، تنها کشوری می شود که نقش منتشر کننده سلاح اتمی را پیدا می کند: در دسامبر ۲۰۰۶، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس اعلام کردند که برنامه تحقیقات اتمی را تهیه و به اجرا در می آورند.

چند ماه پیش از آن، مصر اعلام کرده بود به «استفاده صلح آمیز از اتم» علاقمند شده است. در همان حال، پاکستان می گفت بخاطر تهدید اتمی ایران، می باید تجهیزات اتمی و موشکی خود را هرچه کاملتر کند. رژیم عربستان، بدین خاطر که سلطنتی و عرب و سنی و رقیب ایران و صاحب منابع عظیم نفت است، به محض مجهز شدن ایران به سلاح اتمی که شیعه و ضد سلطنت است، به یمین توانائی مالی خود و با بکار گرفتن مهندسان پاکستانی، دست بکار تولید بمب اتمی خواهد شد. ترکیه نیز بدین خاطر که در آسیای میانه و در مسئله کرد رقیب ایران است، در پی تهیه بمب اتمی می شود. و از آنجا که پاکستان سنی و بر سر بلوچستان با ایران رقابت دارد، به تکمیل تکنولوژی اتمی خود خواهد پرداخت.

چگونه اروپائیان می توانند امنیت میان و دراز مدت خود را، با وجود چنین مسابقه تسلیحاتی در خاورمیانه، حفظ کند؟

امر سوم این که جغرافیا لجوج است. نه تنها خطر جنگ منطقه ای که بمب اتمی ایران و انتشار این سلاح بیار می آورد منافع حیاتی اروپا (نفت و بی ثباتی درونی و...) را به خطر می اندازد، بلکه چندین کشور واقع در

جنوب شرقی اتحادیه اروپا در شعاع موشک شهاب ۳ ایران قرار می گیرند. جمهوری اسلامی ایران دست به فعالیتهای تروریستی در کشورهای مختلف دنیا (لبنان و فرانسه و آرژانتین و...) زده است. سلاح اتمی امکان دیگری در اختیار این رژیم می گذارد برای فشار به کشورهای دیگر، بخصوص اروپا. و این کار را می تواند با قرارداد «بمب کثیف» در اختیار تروریستها می تواند انجام دهد. جنگ اسرائیل با حزب الله در تابستان ۲۰۰۶، دنیا را از توان موشکی این سازمان تحت حمایت ایران آگاه کرد. قاطعیت جنایتکارانه گروه های چون طالبان و القاعده چشم انداز نگرانی آوری را پیش چشم ما قرار داده است

و بالاخره، این فکر بمب اتمی در دست رژیمی قرار گیرد که زوج خامنه ای - احمدی نژاد در رأس آند، تنها به آمریکا و اسرائیل و یک یا دو کشور دیگر عرب مربوط می شود، گویای مسئولیت ناشناسی است. هم به دلیل بی ثبات غیر قابل اجتنابی است که در کشورهای منطقه بیار می آورد و هم به خاطر بر انگیزیختن مسابقه تسلیحاتی و انتشار بمب اتمی. از این رو جامعه بین المللی می باید بطور قاطع مجهز شدن ایران به بمب اتمی را نپذیرد. افزون بر این، بر سر پرونده اتمی ایران، جامعه جهانی آینده خویش است که داو کرده است.

*** کوشنر وزیر خارجه فرانسه: از دنیا باید آماده جنگ با ایران شود تا من گفته ام همه کار باید کرد تا کار به جنگ نکشد و آماده رفتن به تهرانم:**

نخست، سرکوزی رئیس جمهوری جدید فرانسه بود که گفت: ایران می باید میان داشتن بمب اتمی و یا بمباران شدن یکی را انتخاب کند.

به دنبال او، در ۱۶ سپتامبر، کوشنر، در گفتگوی تلویزیونی، گفت: بدترین فرض، فرض جنگ است. همه کار باید کرد تا کار به جنگ نکشد. باوجود این، هرگاه ایران همچنان به راه تولید بمب اتمی برود، دنیا باید خود را برای جنگ با ایران، آماده کند. و او افزود:

فرانسه از شرکتهای فرانسوی، از جمله توتال و الف خواسته است از فعالیتهای در ایران چشم پوشد. و افزون بر مجازاتهای که شورای امنیت مقرر می کند، اروپا خود ایران را مورد مجازاتهای اقتصادی قرار خواهد داد.

لوموند (۲۰ سپتامبر) گفتار و کردار شیراک و سارکوزی را در قبال ایران، با یکدیگر مقایسه کرده است: شیراک، با آنکه بر سر میز شام، در فوریه ۲۰۰۵، به بوش گفته بود کمتر اعتمادی به سران رژیم ایران و شیعه ها ندارد چرا که سخت فریبکار و پنهانکار هستند، به دنبال حمله اسرائیل به لبنان و استقرار قوای سازمان ملل متحد در جنوب لبنان، او پی در پی ایران را به گفتگو خواند تا مگر مانع از بکار افتادن توان زبان رسانیش در منطقه شود.

شیراک دیپلماسی سری را رویه کرده بود و در ژانویه ۲۰۰۷، بنا داشت یک مقام بلند پایه را به تهران بفرستد.

این قصد او بی اعتمادی آمریکا را بیار آورد. در همان ماه، آمریکا ناوگان به خلیج فارس روانه کرد. اما شیراک بر آن شد که مجهز شدن ایران به بمب اتمی را از اهمیت خالی کند. هرچند بعد کاخ سفید کوشید سخنان رئیس جمهوری را رفو کند، اما دیر شده بود و قول او تن دادن به تجهیز ایران به بمب اتمی تلقی شد.

باز در همان حال که نماینده فرانسه همراه نمایندگان ه کشور دیگر قطعنامه مجازات اقتصادی ایران، شامل برخی از افسران سپاه پاسداران را تهیه می کردند، شیراک اعتقادی به تأثیر اینگونه مجازاتها نداشت.

نیکولا سارکوزی و برنارد کوشنر، وزیر خارجه او، خواسته اند به این ابهام در رویه فرانسه پایان بدهند. از ماه اوت، رویه ای جز رویه شیراک و وزیر خارجه او در پیش گرفتند. وضعیت نیز خطیر می شد زیرا ایران در آستانه بکار انداختن ۳۰۰۰ سانتریفوز بود. صدور قطعنامه سوم بلا تکلیف شد. زیرا روسها گفتند نخست ببینیم توافق ایران و آژانس بین المللی انرژی اتمی به عمل در می آید و نتیجه می دهد یا نه. در این وقت، نیکولا سارکوزی گفت: هرگاه دیپلماسی به نتیجه نرسد، ایران می باید میان داشتن بمب اتمی و بمباران شدن یکی را انتخاب کند.

کوشنر احتمال جنگ را پیش کشید، در عین حال تصریح کرد که با اتخاذ مجازاتهای اقتصادی بیشتر بر ضد ایران بسا از آن احتراز شود. زبان جدید فرانسه هدفش اینست که رژیم ایران را بر آن دارد سناریوی جنگ را جدی تلقی کند و نیندازد که گرفتاری آمریکا در عراق مانع از حمله هوایی به ایران می شود.

و نیز، با سخت تر کردن لحن، فرانسه به آمریکا و اسرائیل پیام می دهد که فرانسه موضع قاطعی را اتخاذ کرده است. آیا بعد از دادن این اطمینان، فرانسه فضای عمل دیپلماسی بدست می آورد؟ قرار است در حاشیه جلسات سازمان ملل متحد، کوشنر با متکی، وزیر خارجه ایران دیدار کند. او به هنگام سفر به مسکو، در هوایما، به خبرنگاران همراه خود گفت: در زمان مساعد، سفر من به تهران منتفی نیست.

انقلاب اسلامی: وزارت خارجه رژیم مافیایا گفت: سفر کوشنر به ایران بلامانع است اما حکومت فرانسه گفت: شرایط این سفر هنوز مهیا نیستند. دو کار فرانسه، یکی تشدید مجازاتهای اقتصادی در بیرون از شورای امنیت و دیگر گفتگو و باهم گفتگو با ایران، بکار کندولزا رایس در درون حکومت بوش می آید. زیرا او موافق راه حل دیپلماتیک است. در واقع، او زیر فشار است. زیرا از ماه مه ۲۰۰۶ که او بوش را قانع کرد که مجموعه پیشنهادها به ایران با ه کشور دیگر همراه شود و راه حل دیپلماتیک را بپذیرد، تا امروز، دست آوردی نداشته است. ایران غنی سازی اورانیوم را متوقف نکرده است و جانبداران توسل به زور، در واشنگتن، قوت گرفته اند. فرانسه امیدوار است تشدید فشار اقتصادی به ایران، موجب قوت گرفتن عمل گرایان در رژیم شود که مخالف آنند که کار به رویاری همه جانبه نکند.

سارکوزی، در جریان انتخابات ریاست جمهوری، در ۲۶ آوریل، گفته بود: نمی تواند تصور کند آمریکا، در صفحه ۶



باحمله به ایران ، اشتباه دیگری خواهد کرد. البته صحبت از حمله زمینی به ایران بود . او در کنفرانس مطبوعاتی ۲۷ اوت خود گفت : من غیر شدن ایران به بمب اتمی برای من مجرب قابل قبول است . و تکلیف آیا حمله هوایی به ایران نیز برای فرانسه غیر قابل اجتناب است . ولی گفت یک فاجعه است .

*** سخن از جنگ به میان آوردن برای قبولاندن تشدید مجازاتهای اقتصادی است ؟:**

◀ در ۲۱ سپتامبر ، ۶ کشور (۵ عضو دائمی شورای امنیت بعلاوه آلمان) گرد آمدند و در باره محتوای قطعنامه سوم گفتگو کردند . روزی پیش از آن ، برخی از اعضای این جمع ، بر ضرورت رجحان بخشیدن به راه حل دیپلماتیک اصرار ورزیدند . ژرژ بوش نیز تأکید کرد که هیچ رئیس دولتی انتخابی از انتخاب ها را از روی میز بر نمی دارد . اما ما همچنان تقدم را به دیپلماسی می دهیم .

لوموند (۲۱ سپتامبر) می نویسد : نیکولا سارکوزی می گوید : « فرانسه خواهان جنگ با ایران نیست . ایران در صدد دست یافتن به بمب اتمی است . من باز می گویم غیر قابل قبول است . من به فرانسوی ها می گویم این غیر قابل قبول است . اگر مجازاتهای کافی نیستند ، امیدوارم مجازاتهای شدید تری مقرر شوند . تشدید مجازاتهای مانع گفتگو با ایرانها نیست . »

از این پس ، فرانسه در پی آنست که اروپا مجازاتهایی را علیه ایران مقرر کند تا ایران مجبور شود دست از غنی سازی اورانیوم بردارد . دیدار کوشنر از واشنگتن بدین خاطر است . در اجلاس سازمان ملل متحد نیز بحران اتمی ایران ، یک موضوع عمده است .

*** آلمان با برقراری مجازاتهای آنطور که فرانسه پیشنهاد می کند موافق نیست زیرا شرکتیهای امریکائی و فرانسوی به معاملات با ایران ادامه می دهند و تنها آلمان است که زیان می کند :**

◀ فیکارو (۱۹ سپتامبر) از قول وزارت خارجه فرانسه خبر داده است که فرانسه روی خوش به مجازاتهای اقتصادی افزون بر آنچه شورای امنیت مقرر می کند ، نشان نمی دهد . ما می کوشیم آلمان را قانع کنیم .

سرگی لاورو ، وزیر خارجه روسیه ، بعد از دیدار با کوشنر در مسکو ، گفت : اگر ما تصمیم گرفتیم دستجمعی کار کنیم و در محدوده شورای امنیت عمل کنیم ، دیگر مجازاتهای خارج از آن و به موازات آن از چه رو است ؟

◀ در ۲۴ سپتامبر ، اشیپگل دلیل مخالفت حکومت مرکل را با مجازات توضیح داده است : آلمان آماده مخالفت با نظر فرانسه است که با حمایت واشنگتن ، خواستار تصویب و اجرای مجازاتهای جدید است . کارکنان وزارت خارجه آلمان پرونده ای را برای فرانک والتراشتین مایر ، وزیر خارجه آلمان تهیه کرده اند . بنا بر مدارک موجود در این پرونده ، شرکتیهای امریکائی تحریم ایران را دور زده اند و از راه « شرکتیهای

کاسه داغ تر از آتش !

است که نزاع بر سر قدرت ، میان گروههای شیعه سخت تر و خونین تر شده است . این قتلها ضربه دیگری به حکومت ۱۶ ماهه مالکی وارد می کنند . او هم اکنون با خطر سقوط روبرو است .

بوش و احمدی نژاد هر دو گرفتار منطق تقابل - پیروزی بر ایران ملاحا در گرو مستقر کردن صلح در خاورمیانه است :

*** لوموند (۱۹ سپتامبر) : بوش و احمدی نژاد را بحران زندانی تقابل خصومت آمیز با یکدیگر کرده است :**

◀ امکان سرباز کردن بحران اتمی ایران به حمله هوایی امریکا به مراکز اتمی ایران نه زاده خیال که زاده بحرانی واقعی است . از اول سال جاری ، رابطه دو کشور باز هم بدتر شده است . دو سیاست دو کشور بسوی تصادم جریان دارند : ◀ تصرف عراق توسط قوای امریکا تأثیری بر کاهش خطرهای یک رورونی نکرد . بعکس آنها را بیشتر کرد . سقوط رژیم صدام در بهار ۲۰۰۳ ، زمانی ایرانها را نگران کرد . در آن زمان بود که ایرانها پی در پی برای امریکا ، علامت های حسن نیت فرستادند . تا جایی که برنامه غنی سازی اورانیوم خود را به حال تعلیق درآوردند .

اما بد بیاریهای امریکا و ناکامیهای اعتماد به نفس را به رهبران ایران بازگرداند . هرچند چندین گرایش رژیم با ناچیز شمردن تهدید به حمله نظامی مخالفت می کنند اما سخت سران ، مثل احمدی نژاد بر این باورند که امریکا دیگر توانائی های لازم را برای حمله به ایران ندارد . بنا بر این ، در مورد اتم ، رجز می خواند . خامنه ای ، رهبر رژیم ، از لحاظ نظری ، تنها شخص است که می تواند برنامه اتمی ایران را متوقف کند . او در هفته پیش سخنرانی کرد و گفت : امریکا در خاورمیانه شکست خورده است . و نفوذش در حال زوال است . با وجود این ، جناح پراگماتیک از آن بیم دارد که کشور همه چیز را ببازد . از این رو ، در غفا ، به این فرار به جلو مخالفت می کند . هاشمی رفسنجانی که به تازگی به ریاست مجلس خبرگان انتخاب شده است ، یکی از سران این جناح است .

◀ نزاع گروههای شیعه بر سر قدرت ، وخامت بار شده است . این نزاع بیشتر در بصره انجام می گیرد . منابع غنی نفتی عراق در این منطقه هستند . در ۲۰ سپتامبر ، در این شهر ، به فاصله نیم ساعت ، در بصره و دیوانیه ، دو نماینده آیه الله سیستانی را کشتند . پیش از آنها ، ۴ نماینده دیگر آیه الله سیستانی کشته شده بودند . بر آنها اضافه می شود یکی دیگر در ۳۰ تا ۴۰ متری خانه سیستانی زخمی شد . این قتلها غیر از این که گزارشگر کمبود امنیت است ، حاکی از این

هوایی عظیم و آماده عملیات هستند . نیروی هوایی در حال حاضر در عراق پایگاه دارد و این پایگاه بلحاظ توان حمله هوایی به ایران ، موقعیتی ممتاز دارد .

تأسیسات اتمی ایران ، در عین حال ، از نطنز در مرکز کشور تا بوشهر در ساحل خلیج فارس و اراک نزدیک قم و یکچند از آنها در زیر زمین ، در پناه سقف بتوانی حجیم ، پراکنده اند . برخی از آنها نزدیک به مناطق مسکونی پر جمعیت هستند . مثل تأسیسات اتمی اصفهان .

اما دقت هدف گیری و قدرت تخریب مهمات هوشمند امریکا از زمان حمله به عراق در ۲۰۰۳ ، افزایش یافته اند . هواپیماهای امریکا توان دفاع هوایی ایران را یک لقمه می کند و درجا می بلعد .

◀ فعالیتهای دیپلماتیک شتاب می گیرند . ایرانها به ظرفیت نظامی و اراده سیاسی امریکا کم بها می دهند . حکومت بوش با دست زدن به کارزار تبلیغاتی بر ضد ایران ، کوشیدند از ماجرای عراق ، از درب بالا بیرون روند . به این عوامل ، خطرهای شدت گرفتن جنگی افزوده می شوند که در حال حاضر ، امریکائیان و ایرانها در عراق و خلیج فارس بدان مشغولند .

◀ در ماههای اخیر ، حمله های هوایی امریکا در خاک عراق افزایش یافته اند . بخصوص ، در بغداد ، بر ضد تأسیساتی که عوامل ایران در آنها پناه گرفته اند . اسلحه ای که ایران در اختیار گروههای مختلف عراقی گذاشته است ، گرفته شده اند ، مخصوص مین های ضد تانک دارای مود منفجره ای که ضخیم ترین زره تانک را می شکافد . امریکائیا همچنین اعلام کرده اند که در ضرباتیه ، واقع در شرق بغداد ، پایگاه جدیدی برای کنترل مرز عراق با ایران ، ایجاد می کنند .

◀ در خلیج فارس ، قایق های سریع السیر سپاه پاسداران ، در طول مرزهای دریایی ایران ، با کشتی های جنگی امریکا ، قایم باشک بازی می کنند . خطر برخوردی وجود دارد که منجر به بحران دیپلماتیک شود . مثل دستگیری ملوانان و تفنگداران دریایی انگلستان در سال پیش اما این بار گره سخت تر باز می شود .

*** فیکارو (۱۹ سپتامبر) : اسرائیل با رژیم ایران روابط می داشت اما به دنبال جنگ خلیج فارس ، رابطه خصومت آمیز شد . و حالا ، استقرار صلح در خاورمیانه و سرمایه گذاری در رشد ، راه سد نفوذ ایران است :**

◀ امکان دستیابی ایران به سلاح اتمی ، بهمان اندازه که اسرائیل ، کشورهای عرب را نگران می کند . اما بیش از همه ، امریکا و اسرائیل هستند که می

کوشند ایران را از دست یابی به سلاح اتمی بازدارند .

◀ با آنکه انقلاب اسلامی ایران ، به رهبری آیه الله خمینی ، در ۱۹۷۹ ، روابط مستقر میان ایران و اسرائیل را که مدتی دراز بر قرار بودند ، دچار اختلال کرد ، اما دو کشور ، با موافقت امریکا ، با یکدیگر رابطه داشتند . این در ۱۹۹۰ ، در حکومت اسحق رابین بود که رابطه اسرائیل با ایران ، تنازع آشکار شد . علت آن فضای استراتژیکی بود که بعد از پیروزی امریکا و فروپاشی اتحاد شوروی بود . اجتماع مادرید و توافق اسلو و امضای پیمان صلح میان اسرائیل و اردن و نزدیک شدن اسرائیل به سوریه و برقراری رابطه با کشورهای عرب ، از مراکش تا قطر ، روند انزوای روز افزون ایران را پدید آوردند .

در آن هنگام بود که اسرائیل و ایران ، دو قدرتی بودند که می خواستند که بر خاورمیانه در غلبان و جهش ، سلطه جویند . این دو ، رقابت استراتژیکی با یکدیگر را به رقابت ایدئولوژیکی نیز سرایت دادند . از آن پس ، اسرائیل خود را یک دموکراسی خواند که در برابر امپراطوری تاریک اندیش شیعه ، یعنی ایران ، ایستاده است . از آن سو ، ایران در پی آن شد که بخاطر دفاع از انقلاب خود ، بنام ارزشهای اسلام ، مردم عرب را بسیج کند . رژیم ایران با رهبران فلسطین بدین خاطر که به هدف مردم فلسطین خیانت کرده اند ، از در مخالفت در آمد . ایران بیشتر از آنچه با اسرائیل مخالفت کند ، با روند صلح اسرائیل و عرب مخالفت می کند . با توسل به شعارهای داغ ضد اسرائیل ، بنام اتحاد دنیای اسلام ، ملاحا ایران رویه ای در پیش گرفتند که در همان حال که ایران را از انزوا خارج می کند ، بلند پروازیهای منطقه ای آنها را ، در پوشش قابل قبول برای مردم سنی ، بیوشاند . در یک خاورمیانه عرب ، ایران یک دشمن مشترک است . اما در یک دنیای اسلامی ، ایران رهبر بالقوه است .

◀ خارق العاده این که ایران در پیشرفت دموکراسی در کشورهای عرب ، شرکت کرده است . زیرا بهترین روش برای زدن زیراب رژیمهای این کشورها ، حمایت از جنبشهایی مثل حزب الله در لبنان و اخوان المسلمین در مصر و حماسی در فلسطین و اکثریت شیعه در عراق است . با وجود این ، اسرائیل نگران است . زیرا ایرانی مجهز به سلاح اتمی وعده ایجاد یک کشور مطمئن برای یهودیان را پوچ می کند . این همان وعده است که سیاست اتمی مبهم اسرائیل را توجیه می کند . بدست آوردن توان اتمی موجب انتشار غیر قابل کنترل سلاح اتمی در منطقه می شود . زودتر از همه مصر و عربستان سعودی دست بکار مجهز شدن به سلاح اتمی می شوند .

◀ در تقابل امریکا و ایران ، نه ایران که امریکا است که دیپلماسی ایدئولوژیکی انعطاف ناپذیری را اتخاذ کرده اند . ایران از امریکا ، در جنگ اول خلیج فارس ، حمایت کرد . اما به کنفرانس مادرید راهش ندادند . باز ایران از جنگ حکومت بوش با طالبان حمایت کرد . و وقتی ارتش امریکا ارتش صدام را در بهار ۲۰۰۳ ، شکست داد ، ایرانی ها در موقعیت



دفاعی قرار گرفتند و به امریکا پیشنهاد کردند برای توافق بر سر همه مسائل، مسئله اتمی، صلح اسرائیل و فلسطین، حزب الله لبنان و... به گفتگو نشینند. ایرانیها همچنین متعهد شدند در روند صلح اسرائیل و عرب، اخلاص نکنند. اما نخواست محافظه کاران جدید مانع نشستن دو طرف بر سر میز مذاکره شود. محافظه کاران جدید پاسخ دادند: « ما با محور شر گفتگو نمی کنیم ».

● همزمان با شکست روبرو شدن تمامی استراتژی آمریکا در خاورمیانه، رویه سران رژیم ایران نیز تغییر کرد. با اینهمه، این « توافق همه جانبه » تنها راه بیرون رفتن از بن بست است. اما این توافق با برقرار کردن مجازاتهای که بضرورت تمام و کمال اجرا کردنی نیستند و براه انداختن جنگ سرد از سوی آمریکا بر ضد ایران، به قصد کشاندن ایران به مسابقه تسلیحاتی که سبب خانه خرابی این کشور می شود، دست یافتنی نیست.

نفوذ رو به افزایش ایران در منطقه بستگی به هزینه های نظامی این کشور دارد. این هزینه ها از هزینه های رقابتی ایران کمتر هستند. اما تقابل با آمریکا و اسرائیل این کشور را ناگزیر می کند بر این هزینه ها بیفزاید.

● یک صلح همه جانبه اسرائیل با کشورهای عرب، همراه با سرمایه گذاری در رشد و ایجاد یک سامانه صلح و امنیت متکی به حمایت جامعه بین المللی، با هدف یک خاورمیانه و اسرائیل خلع سلاح اتمی شده، به ترتیبی که قابل بازرسی باشد، بهترین وسیله بی اثر کردن استراتژی ضد ثبات ایران در منطقه است.

* لوموند (۲۵ سپتامبر) : خطر

جنگ با ایران بیش از پیش جدی می شود:

◀ در ۲۵ سپتامبر، نیکولاسارکوزی، در اجلاس سازمان ملل متحد، گفت: ایران در کار تولید بمب اتمی است. و این، پس از آنکه در همان اجلاس، احمدی نژاد فعالیت هسته ای ایران را صلح آمیز خواند و گفت: پرونده اتمی ایران بسته شده است.

◀ و در همان روز، لوموند، زیر عنوان « آیا بوش به ایران حمله می کند؟ »، نوشت: یکبار دیگر، رئیس جمهوری آمریکا آماده جنگ شده است. درماندگی ارتش آمریکا در عراق، او و دیگ چنی، معاون او، را متقاعد نکرده است که جنگ راه بجائی نمی برد. استدلال محافظه کاران جدید اینست تا تکلیف ایران معلوم نشود، عراق روی آرامش و ثبات را بخود نخواهد دید. وزارت دفاع آمریکا، به ۲۰۰۰ هدف را شناسایی کرده است. به این هدفها حمله هوایی خواند شد.

انقلاب اسلامی: با وجود جدی شدن خطر، در رژیم، از راه تشدید خطر است که گروه بندیها بر سر قدرت با یکدیگر گلاویز هستند:

کاسه داغ تر از آتش!

باشد که فقیه باشد نه سیاسی. استدلالش اثر نکرد. زیرا خامنه ای افقه به جای خود، فقیه نیز نیست و رهبر است. - نفر دوم از اینکه جنتی مورد تایید جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است صحبت کرد و در واقع نظر جامعه مدرسین حوزه را مشخص نمود. اما برای آن جامعه اعتباری نمانده است و سخنرانی او نیز مؤثر نشد. - نفر سوم به هاشمی ایراد گرفت که او دیه مرد و زن را برابر دانسته است. این ایراد هم تبلیغ بسود هاشمی رفسنجانی شد.

بعد از سخن رانیهها، رای گیری شد. یکی از فقها، بنا بر « فتوای خود، دو رای را به گلدان انداخت. کار او موجب شد تا مدتی را صرف تشخیص هویت کسی کنند که دو رای در گلدان انداخته است. وقتی شخص را پیدا نکردند مجبور شدند از رای هر دو نفر یک رای را کم کنند.

بلاخره در رای گیری با توجه به فشارهایی که از داخل و خارج بر برخی ها وارد می آمد، هاشمی رفسنجانی توانست شکست دیگری را بر گروه جنگ طلب مصباح یزدی و جنتی و خزعلی و احمدی نژاد وارد کند.

نا گفته نماند که برخی از اعضای این مجلس برای اینکه بتوانند از وجود هاشمی در جلوگیری از جنگ احتمالی استفاده کنند به او رای داده اند و یا خود را از کاندیداتوری کنار کشیده اند.

* آیا هاشمی می تواند برای حفظ ولایت کاری انجام دهد:

◀ با توجه به بی کفایتی ها که احمدی نژاد از خود بروز داده است، بسا خامنه ای نیز نیم نگاهی به این انتخابات داشت تا شاید بتواند با ریاست هاشمی رفسنجانی، قدری به اوضاع در هم ریخته سر و سامانی بدهد.

با ریاست هاشمی رفسنجانی بر مجلس خبرگان، حالا خامنه ای یک اندازه آزادی عمل بیشتر در قبال مافیاهای نظامی - مالی پیدا کرده است و می تواند به برخی از درخواست ها جواب منفی بدهد. هاشمی رفسنجانی در حال حاضر با داشتن دو مقام، ریاست بر مجلس خبرگان رهبری و ریاست بر شورای تشخیص مصلحت وزن بیشتری را در رژیم پیدا کرده است.

شاید تازمانی که هاشمی در رأس شورای تشخیص مصلحت بود به تنهایی قادر نبود در برخی از کارها فشاری بر مثلا شورای نگهبان یا دفتر رهبری و یا برخی نهادهای دیگر وارد کند. اما با ریاست بر مجلس خبرگان رهبری، احتمالا بتواند در برخی از امور بیشتر مداخله کند.

از سوی دیگر، امری که مشخص است اینست که هاشمی رفسنجانی دیگر خود را برای ریاست جمهوری کاندیدا نخواهد کرد و احتمالا از کروی یا خاتمی و یا هر کاندیدی اصلاح طلب دیگر حمایت خواهد کرد.

امید اصلاح طلبان اینست که، با توجه به روحیه ای که او دارد، احتمالا در جریان انتخابات آینده

مجلس، وجود او در این دو مقام، موجب می شود شورای نگهبان در حذف کاندیدها قدری دست به عصا راه برود تا مورد اعتراض او قرار نگیرد. این اعتراض را ممکن است او نزد خامنه ای بکند و از او بخواهد دخالت کند و او نیز از شورای نگهبان بخواهد صلاحیتهای نامزد های اصلاح طلبان را فله ای رد نکند.

انقلاب اسلامی: در باره اهمیت انتخاب هاشمی رفسنجانی به ریاست مجلس خبرگان مطبوعات خارجی نیز اظهار نظر کرده اند. و خامنه ای سخنی گفته و حسین شریعتمداری، مدیر مسئول کیهان تفسیری بر آن نوشت که ریاست هاشمی بر مجلس خبرگان یعنی کسک:

* « بازگشت بزرگ هاشمی رفسنجانی» او جانشین احتمالی خامنه ایست:

◀ فیگارو ۵ سپتامبر ۲۰۰۷) زیر عنوان بازگشت بزرگ هاشمی رفسنجانی نوشته است:

● بازگشت بزرگ هاشمی رفسنجانی گویای آنست که مجازاتهای مقرر علیه ایران اثر واقعی داشته اند: جنگ قدرت بی صدائی که در درون رژیم جریان دارد را شدت بخشیده است. هاشمی رفسنجانی یک محافظه کار است اما به عکس احمدی نژاد، او یک پراگماتیک و سخت مخالف منزوی شدن ایران است. او با سیاست تحریک و خصومت ساز احمدی نژاد مخالف است.

● انتخاب شدن به ریاست مجلس خبرگان امر کم اهمیتی نیست. این مجلس یکی از ستون پایه های رژیم است. نه تنها بر کار رهبر عالی رژیم نظارت می کند، بلکه اگر او از میان برود، رهبر بعدی را انتخاب می کند. هاشمی رفسنجانی. با انتخاب شدن هاشمی رفسنجانی به ریاست مجلس خبرگان، او رقیب احمدی نژاد و جانشین احتمالی خامنه ای است. جنگ قدرت میان محافظه کاران و میانه روها یک امر مستمر در طول عمر این رژیم است.

● هاشمی رفسنجانی هیچگاه پنهان نکرده است که جانبدار الگوی چینی است. توضیح این که جامعه تحت مهار دولت بماند به ترتیبی که حیات رژیم تأمین شود. در همان حال، اقتصاد بروی خارج باز باشد. در جریان انتخابات ریاست جمهوری، او با گشودن باب گفتگو با امریکا ابراز موافقت کرد. بتازگی، او یادداشتهای سال ۱۹۸۴ (۱۹۶۳) خود را انتشار داده است. در آن، خاطر نشان کرده است که در جریان جنگ ایران و عراق، آیه الله خمینی با حذف شعار مرگ با امریکا موافقت کرده بود. با وجود این، بنظر او، گفتگو با خارج نباید به آرمانهای رژیم لطمه وارد کند.

● میشل بودوکی، متخصص فرانسوی امور ایران بر اینست که « هاشمی رفسنجانی می خواهد رهبر تراش باشد. موقعیت خود را حفظ کند و آن را تحکیم بخشد. موفقیت سیاسی جدید او اثری بر چند و چون راه حل مسئله اتمی ایران ندارد. رفسنجانی موافق گفتگو است اما در باطن خود،

آماده چشم پوشی از اجرا شدن برنامه اتمی نیست.»

در دنباله گزارش - تحلیل، فیگارو به دلایل ضعیف شدن احمدی نژاد و حکومت او می پردازد: بدتر شدن وضعیت اقتصادی و...

◀ لوموند (۵ سپتامبر ۲۰۰۷) نیز گزارش - تحلیل مفصلی را به « بازگشت هاشمی رفسنجانی: انتشار داده است:

● پیروزی هاشمی رفسنجانی در انتخاب رئیس مجلس خبرگان، رأی مخالف همگانی به محافظه کاران افراطی، نزدیک به احمدی نژاد است. زیرا حتی از پیش از مرگ مشکینی، رئیس پیشین این مجلس تا روز انتخاب رئیس، همه کار کردند تا مانع از انتخاب هاشمی رفسنجانی به ریاست مجلس خبرگان شوند.

رهبر خود نیز همه کار کرد تا در مجلس خبرگان محافظه کارانی رو آیند که در خط و ربط او هستند. اینها اغلب در قوای مسلح، مقام هدایت ایدئولوژیک این قوا را دارند. در این نزاع درونی، افراطی ها بی در پی بر ضد هاشمی رفسنجانی تبلیغ می کردند و نسبت به خطر رئیس مجلس خبرگان شدنش، هشدار می دادند.

روزنامه های نزدیک او، چون شرق و هم میهن توقیف شدند. پیش از این توقیفها، یکی از نزدیکان هاشمی رفسنجانی، موسویان، یکی از گفتگو کنندگان بر سر اتم، به جاسوسی متهم و توقیف شد. و بلاخره، سومین جلد (در واقع جلد چهارم) خاطرات او توقیف شد. در این خاطرات آمده است که آیه الله خمینی مایل بوده است شعار مرگ بر امریکا دیگر داده نشود.

انقلاب اسلامی: توقیف خاطرات او راست نبود و تکذیب شد.

● هم بدین خاطر که مرکز قدرت نشود و هم بخاطر فساد خانواده اش، در انتخابات ریاست جمهوری، محافظه کاران و خامنه ای ترجیح دادند آدم رادیکال و عامه فریبی چون احمدی نژاد رئیس جمهوری بگردد. این نخستین شکست بزرگ هاشمی رفسنجانی بود.

او که در مقام رئیس مجمع تشخیص مصلحت مانده بود، دست به انتقاد مداوم سیاست اقتصادی حکومت احمدی نژاد و توری که ۲۰ درصد درآمدهای نفتی حتی ذخیره ارزی زد. و بطور مداوم خواستار « گفتگوی سازنده » و بر سر مسئله اتمی گشایش باب تفاهم با غرب شد.

● مبارزه میان گروه بندیهای رژیم بر سر قدرت: از دو مقامی که اینک هاشمی رفسنجانی دارد چه ساخته است؟ به نظر اغلب مفسران سیاسی، در گردش روزانه امور تغییر ناچیزی اگر روی دهد. با این وجود، بنا بر قول یک مقام بلند پایه نزدیک به اصلاح گرایان یک امر مهم روی داده است و آن این که مبارزه بر سر قدرت که در پرده بود، اینک بی پرده و علنی گشته است. مفاصا حساب اشتباه های احمدی نژاد که رقم اول آن را ماجراجویی در مسئله اتمی تشکیل می دهد و موجب صدور قطعنامه های شامل مجازات ایران شد و فرار به جلوی او از راه سرکوب اعتصاب ها و جنبشهای اعتراضی، پای رهبر را که او حمایت بی دریغ می کند، نیز گرفته است.



*** دولت موظف است سوخت خودروهای خود را به قیمت بازار آزاد بخرد اما :**

◀ زمانی که فرزند پروین خانم و دایمی گرامی او، احمدی نژاد، تبصره ۱۳ را به مجلس بردند در فکر این نبودند که فردا چه باید بگویند. بنا بر این تبصره، « دولت موظف است برای تامین سوخت خودروهای دولتی از بنزین با قیمت آزاد استفاده کند و به هیچ وجه از بنزین سهمیه بندی استفاده نکند.

- بنا بر این تبصره، دولت نباید از بنزین سهمیه بندی مردم استفاده کند. اما معلوم است که دولت نه تنها از سهمیه مردم استفاده میکند که حدود ۵ برابر مردم نیز از سهمیه آنها استفاده میکند. به تازگی نمایندگان مجلس که باید به دنبال به دست آوردن حق مردم و حمایت از آن باشند چون زورشان به حکومت مافیاهای نظامی - مالی نمی رسد، در بازی ای جدید برای خود سهمیه ای جداگانه در نظر گرفته اند و به میزان ۵۰۰ لیتر در ماه از سهمیه بنزین مردم استفاده می کنند.

این نمایندگان در برابر اعتراض برخی دیگر از نمایندگان می گویند: مگر ما چه چیزی از حکومت کم داریم؟ علاوه بر این، نمایندگان باید برای سرکشی به حوزه های خود از بنزین استفاده کنند و چون آزاد وجود ندارد باید از بنزین سهمیه ای استفاده کنند. پس چاره ای ندارند به جز اینکه دستشان را در جیب سهمیه مردم بکنند و از آن استفاده نا حق کنند.

• حال ببینیم که چه کسانی ۵ برابر مردم از سهمیه مردم استفاده می کنند.

• کلبه ماشین های دولتی ماهیانه ۵۰۰ لیتر.

- با توجه به اینکه هر وزارتخانه و نهاد و سازمان و مؤسسه و مرکز دولتی دارای تعداد زیادی ماشین ها با پلاک دولتی هستند شاید بشود گفت که این خودروهای دولتی بیش از نیمی از سهمیه مردم را از آن خود کرده اند.

- کلبه نمایندگان مجلس - کلبه وزرا و معاونین و مشاوران و روسای بخش های مختلف

- کلبه نمایندگان مجلس خبرگان رهبری و وابستگان به آنها.

- کلبه نمایندگان رهبری در نهادهای رسمی نظامی و غیر نظامی

- کلبه افراد رده بالای نظامی اعم از ارتشی و سپاهی و بسیجی و نیروی انتظامی.

- کلبه شهرداران - بخشداران - فرمانداران - دهداران - و مسئولین مختلف وابسته به دولت که از ماشین های شخصی خود به عنوان ماشین های در اختیار استفاده می کنند.

بیخود نیست که حکومت برای خرید بنزین و وارد کردن آن از مجلس درخواست ۱/۵ میلیارد دلار بودجه جدید کرده است.

طرفه این که دیوان محاسبات می گوید: دولت ۷۰ هزار خودرو اسقاط دارد که بابت آنها بنزین می گیرند. می توان حساب کرد خورد و برد از ممر گرفتن سهمیه بنزین بابت این ۷۰ هزار دستگاه و فروش آن در بازار آزاد چه مبلغ می شود.

شنیده شده است که از سهمیه بنزین مردم، ماهیانه ۳۰۰ هزار لیتر در اختیار استانداران و اعوان و انصار آنها قرار میگیرد.

در صفحه ۹

کاسه داغ تر از آتش!

به وضوح حکایت از آن دارد که ورود احزاب و گروه های سیاسی به این عرصه - اگر هم بخواهند - ناممکن است و در صورت «ورود» نیز - مانند آنچه طی چند روز اخیر اتفاق افتاد - «خروجی» رسوا در انتظار آنان خواهد بود که بود.

*** کارنامه حکومت احمدی نژاد:**

◀ بازهم هفته دولت و دروغ های شاخدار آماری وزیران و خود ریاست جمهوری منجر به افشای اطلاعات جدیدی گردید.

در حالی که دولت احمدی نژاد کلبه درآمدهای نفتی کشور را صرف هزینه های خود خواسته می کند ادعاهای عجیب و غریب نزدیکان و وزرای او منجر به پاسخگویی برخی از اقتصاددانان شده است و پته دروغگویی حکومت را رو کرده است:

• واردات

دولت همواره برای فریب نزدیکان خود و نه مردم ادعا کرده است که جلوی واردات بی رویه را گرفته است و حتی ادعا دارد که قرار است به برخی از کشورها صادرات داشته باشد آنچه از نوعی که وارد میکنیم. وزیر جهاد کشاورزی مدعی است که تا چند سال دیگر علاوه بر صادرات گندم، برنج را نیز صادر خواهیم کرد و این در حالی است که آمار واردات برنج به میزان ۱/۲ میلیون تن در سال نشان می دهد که به مقدار زیادی از تولید این محصول کاسته شده است. واردات شکر به مرز ۱/۸ میلیون تن رسیده است که از بابت میلیاردی شدن برخی از روحانیان و سرداران بد نیست و همین واردات منجر به کاهش سطح زیر کشت چغندر و نیشکر و تعطیلی برخی صنایع تولید شکر گشته است. در مورد صادرات میوه: در زمان خاتمی و قبل از آن مدعی صادرات میوه به کشورهای دیگر بودند. اما واردات میوه از کشورهای دیگر بخشی از درآمد نفتی را، بابت بها، از دست ایران خارج کرده است. با این همه، حکومت مدعی است جلوی رشد واردات را گرفته است:

- حکومت می گوید رشد واردات سیر نزولی داشته و از ۳۳ درصد در سال ۸۳ به ۱۲/۳ درصد در سال ۸۴ و ۴/۱ درصد در سال ۸۵ کاهش یافته است.

اما آمار نشان می دهد که نه تنها واردات سیر نزولی نداشته بلکه سیر صعودی را داشته است: ایران در سال ۸۳، ۳۵/۴ میلیارد دلار واردات داشته است. در سال ۸۴، به ۳۹/۲۵ میلیارد دلار افزایش یافته و در سال ۸۵، از مرز ۴۵ میلیارد دلار عبور کرده است. و در ۴ ماه نخست سال جاری تا نزدیک ۱۵ میلیارد دلار پیش رفته است.

اما کارشناسان معتقدند که واردات در ۸۵ بالغ بر ۶۰ میلیارد دلار بوده و در سال ۸۶ از ۶۰ میلیارد دلار نیز فراتر می رود.

• تورم

در حالی که همه مردم با گرانی روز افزون دست و پنجه نرم می کنند باز هم حکومت دم از کنترل گرانی می زند و مدعی است که از دوره های

جمهوری اسلامی ایران تغییری ایجاد کند ولی تلاش کرد این گزینه را به معنای اختلاف نظر بنیادین در میان خبرگان رهبری قلمداد کند. سخنگوی وزارت خارجه انگلیس گفت «معلوم نیست که این اتفاق چه تاثیری بر روی ارتباط ما با ایران داشته باشد، اما به هر حال پیروزی آقای هاشمی رفسنجانی مهم است»!... و ده ها تفسیر دیگر با همین مضمون که در فاصله ای کوتاه بر صفحه روزنامه ها و خروجی خبرگزاری های آمریکایی و اروپایی رفت. برخی از خبرگزاری ها و محافل خارجی نیز تفسیری متفاوت ارائه دادند که تحلیل رادپو آلمانی «دوپچه وله» نمونه ای از آنهاست. این رادپو در تفسیر سیاسی خود به طور تلویحی سایر تحلیل های محافل غربی را رد کرده و گفت «در زمان آیت الله مشکینی هم عملاً آیت الله هاشمی کارها را انجام می داد بنابراین نمی توان با انتخاب آیت الله هاشمی، انتظار دیگری از مجلس خبرگان داشت».

و اما، دنباله داخلی این مجموعه - صرف نظر از ارتباط ارگانیک این دنباله با محافل بیگانه و یا همخوانی اتفاقی با آنها...! - همان خط بیرونی را با اندکی تفاوت در روزنامه ها و سایت های وابسته به خود دنبال کرد.

ارگان حزب کارگزاران که چند ماه قبل عمر مفید آقای هاشمی را تمام شده اعلام کرده و خواستار نیمکت نشینی ایشان شده بود، تمامی صفحه اول - هر دو نیم تا - را به چاپ عکس آیت الله هاشمی رفسنجانی اختصاص داد و با تیترو درشت نوشت «پیروزی در رقابت نفس گیر»! و توضیح نداد که نفس چه کسی در این رقابت گرفته بود؟! حزب کارگزاران که سخنگوی آن با صراحت اعلام کرده بود «اسلام نظامی سیاسی ندارد»! یا آیت الله هاشمی و سایر اعضای خبرگان که نه فقط نظام سیاسی اسلام را افتخار می دانند بلکه همه عمر خود را در راه تحقق آن هزینه کرده اند؟! همین روزنامه به نقل از یک عضو افراطی حزب مشارکت که چند سال قبل برای چالش با نظام اسلامی از آمریکایی ها پول گرفته و اسناد آن در کیهان منتشر شده بود نوشت: با انتخاب آقای هاشمی رفسنجانی «یک خطر از بیخ گوش ایران گذشت»! و از آنجا که اسناد وابستگی این عضو حزب مشارکت به محافل آمریکایی قابل تردید نیست به وضوح معلوم است منظور ایشان و حزب کارگزاران از «خطری» که با انتخاب آیت الله هاشمی از «بیخ گوش ایران» گذشته است؟! چیست!

روز پنجشنبه رهبر معظم انقلاب در دیدار خبرگان با ایشان، از همسویی برخی رسانه ها با اهداف بیگانگان گلایه کرده و فرمودند: «مجلس خبرگان اصولاً نمی تواند عرصه دعوا و جنگ قدرت باشد اما برخی رسانه های بد اخلاق داخلی در یکی دو ماه اخیر با تبلیغات دروغ دشمنان همراهی کردند که به آنها اخطار می کنم به حریم مجلس خبرگان نزدیک نشوند و اینگونه بازی ها را در مباحث و مسائل دیگر دنبال نکنند».

بیان حکیمانه آقا و مخصوصاً تأکید ایشان که مجلس خبرگان اصولاً نمی تواند عرصه دعوا و جنگ قدرت باشد که انتخاب وی در سیاست خارجی

این مقام می گوید: اینک هاشمی رفسنجانی همه برگ های برنده را در دست دارد: روحانیان و مذهبی ها، سیاسی ها و قانون اساسی. بنا بر این، در صورت شدت گرفتن بحران، او می تواند رهبر را بر آن دارد در سیاست خود قائل به انعطاف شود. یک تحلیل گر دیگر می گوید: در حال حاضر ایران دو سر دارد. هاشمی رفسنجانی پنهان نکرده است که می خواهد فعالیتهای خود و مجلس خبرگان را قابل مشاهده تر کند. تا این هنگام، مجلس خبرگان نظر خود را در باره مسائل بزرگ کشور آشکار نمی کرد. اما بسا روزی تصمیم هایش را به اطلاع مردم خواهد رساند.

• در قم، بسیاری از آیه الله های عظمی تکرانی خود را از بسط ید نظامیان در امور کشور پنهان نمی کنند. برخی از سران سپاه پاسداران، در رأس شرکتهای صنعتی - نظامی قرار دارند به گفتار و کردار عوام فریبانه احمدی نژاد - گرچه از خود آنها بوده و به ریاست جمهوری رسیده است - بدیده اعتراض می نگرند. دارائیهای هفت تن از آنها، از رهگذر قطعنامه شورای امنیت، توقیف شده اند.

*** حسین شریعتمداری قول**

خامنه ای را تفسیر می کند: آب از آب تکان نخورده است:

◀ در سرمقاله کیهان (۱۷ شهریور ۸۶) حسین شریعتمداری نوشته است: بعد از انتخاب آقای هاشمی رفسنجانی به ریاست مجلس خبرگان، مجموعه ای از محافل بیگانه و شماری از روزنامه ها و سایت های داخلی نظیر روزنامه های وابسته به احزاب کارگزاران، مشارکت و سایت های تحت مدیریت این دو حزب نظیر «روزنا»، «عصر نو»، «بازتاب»، «آفتاب» و... در یک اقدام هماهنگ که از مدیریت واحد بر این مجموعه حکایت می کرد، کوشیدند انتخاب آیت الله هاشمی رفسنجانی به ریاست مجلس خبرگان را حرکتی غیرمنتظره! قلمداد کرده و آن را نقطه آغازی برای پایان دوران اصولگرایی و بازگشت به پیش و منش احزاب دوم خردادی جلوه دهند! این مجموعه مشترک خارجی و داخلی در تفسیرها و تحلیل ها و حتی در گزارش های خود، اصرار داشتند از اختلاف سلیقه اعضای مجلس خبرگان رهبری که بسیار طبیعی است با عنوان اختلاف خبرگان در مبانی و اصول یاد کرده و آن را با درگیری های سیاسی احزاب و گروه ها مقایسه کنند.

خبرگزاری آسوشیندپرس، ساعتی بعد از انتخاب رئیس مجلس خبرگان، طی گزارشی ادعا کرد: «انتخاب هاشمی رفسنجانی نظر غرب را تأمین کرده است»! رادپو آمریکا با اشاره به جایگاه مجلس خبرگان یادآور شد که «خبرگان می تواند رهبر ایران را عزل کند» و رادپو کلن گفت «هاشمی معتقد است که منشأ حکومت رأی مردم است نه خدا...!» و رادپو فرانسه در تحلیلی اعلام کرد «با انتخاب هاشمی و افزایش قدرت او، دولت رادیکال احمدی نژاد به تدریج تضعیف می شود»! روزنامه نیویورک تایمز نوشت «انتخاب هاشمی نشانه نارضایتی خبرگان از سیاست تندروها در ایران است»!

خبرگزاری رویترز با استقبال از انتخاب آقای هاشمی ابراز تردید کرد که انتخاب وی در سیاست خارجی



*** سخنان جدید احمدی نژاد و اهمیتشان ***

پروزی ما در قضیه هسته ای و اهمیت آن بیشتر از قضیه نفت در دوران مصدق است. مخالفان سیاست هسته ای ایران همانهایی هستند که در جریان دانشگاه آزاد از آن حمایت می کنند (منظور او هاشمی و گروه او است که مانع از دست اندازی حکومت او به دانشگاه آزاد شده اند). مخالفان با برنامه های هسته ای ایران همانهایی هستند که راپورت اطلاعات ما را می دادند (منظور او موسویان است). فشاری که در داخل در قضیه هسته ای به ما وارد می شود بیشتر از فشاری است که از خارج به ما وارد می شود. این سخن احمدی نژاد گویای میزان فشار وارده بر او و وضعیت فعلی کشور است.

یکی از یاران احمدی نژاد می گفت: حرفهای احمدی نژاد بیشتر بخاطر ناراحتی از انتخاب هاشمی رفسنجانی به ریاست مجلس خبرگان رهبری بوده است. سفری که به قم کرده بود برای این بود که باند مصباح را که ضعیف شده است تا حدی تقویت کند. ولی سفر هاشمی به قم و شرکتش در همان مجلسی که احمدی نژاد صحبت کرده بود از بازی های موش و گربه این دو است.

*** احمدی نژاد و گروه ها و شخصیت های رژیم:**

به نظر می رسد اصولگرایان تصمیم گرفته اند به هر نوع که می توانند مانع از حضور حداد عادل در انتخابات مجلس آینده شوند

بعد از سخنرانی احمدی نژاد در باره احزاب و اینکه به آنها باج نمی دهد، عسکر اولادی گفت: احمدی نژاد باید پاسخگو باشد که هیات مولفه طی این مدتی که در صحنه سیاسی کشور بوده است از کجا باج گرفته است؟

حزب مولفه جوان به رهبری فرزندان ضرغامی و فرزندان ولایتی و داماد بادامچیان خود را برای شرکت در انتخابات آماده کرده است.

*** فیلم طنز آمیز در باره حکومت احمدی نژاد:**

● کمال تبریزی از کارگردانی است که هر از چند گاهی فیلم طنز آمیز می سازد. از جمله لیلی با من است و مارمولک. پخش این فیلم ها با مشکلاتی مواجه بوده است اما از آنجا که او از دوستان خامنه ای است تا به حال کاری بکارش نداشته اند. وی به تازگی فیلم طنز آمیزی در باره حکومت احمدی نژاد ساخته است. قرار است از صدا و سیما پخش شود. ولی حکومت برای جلوگیری از پخش آن، دست به تلاش های گسترده ای زده است. به قول برخی اگر « آقا موافق پخش این فیلم نباشد جلوی پخش آن گرفته می شود. »

*** همسر رجائی تالی او ، احمدی نژاد، را به خانه راه نداد:**

● احمدی نژاد در هفته دولت موفق به رفتن به خانه ریس جمهوری

کاسه داغ تر از آتش!

خواهم و برای برخی پاسخ می نویسم و اجرای پاسخ ها را نیز دنبال می کنم. اگر احمدی نژاد روزی ۱۰۰ نامه بخواند ماهی ۳۰۰۰ نامه و سالی ۳۶۵۰۰ نامه می شود. اگر قرار باشد که نامه هر ۷ میلیون نفر خوانده شود، احمدی نژاد نیاز به ۲۰۰ سال سن دارد و مردم بیچاره نیز باید ۲۰۰ سال صبر کنند تا احمدی نژاد درخواستشان را برآورد.

اما اگر او در هر روز صد نامه را مطالعه کند و برای هر نامه و پاسخ آن و پیگیری پاسخ آن، تنها ۱۰ دقیقه وقت صرف کند، در روز ۱۰۰۰ دقیقه یعنی حدود ۱۶ ساعت و ۴۰ دقیقه از روز را او صرف نامه خوانی و نامه پراکنی می کند!

جالب تر اینکه او می گوید: هر زمان به سفر های استانی می روم روزی ۱۰۰۰ ملاقات با مردم دارم. عجب این که او می گوید مهندس است و محاسبه کرده و به این نتیجه رسیده است امریکا با ایران جنگ نخواهد کرد. با وجود این، بدون محاسبه، دروغهای آشکار می گوید. در حقیقت، اگر هر ملاقات حضوری ۲ دقیقه طول بکشد، بابت ۱۰۰۰ ملاقات ۲۰۰۰ دقیقه وقت لازم می شود. یعنی او، در هر روز، بیش از ۳۳ ساعت از ۲۴ ساعت را تنها به ملاقات حضوری با مردم می گذراند!!

بیخود نیست که این شخص مدعی است با عالم بالا ارتباط دارد. وقت ورود به جلسه سران جهان در سازمان ملل متحد، در هاله نور بوده است. و... این یکی از خصوصیات عجوبه هزاره سوم است!!

*** فرماندهی جعفری بر سپاه و جهت یابی سپاه در تحول خود:**

● جعفری که فرمانده سپاه شده است. پرسش اولی که تغییر فرمانده سپاه مطرح می کند، اینست: سپاه به چه سمتی می رود؟ باید گفت شرکت محسن رضایی و هاشمی گلباگانی، در جلسه معارفه، خیلی مهم به نظر می رسد. طعنه های فاطمه رجبی در مورد حضور بعضی ها در این جلسه نیز گویای این اهمیت است. در واقع، حضور محسن رضایی و عدم حضور برخی از جنگ طلبان و کسانی که به دنبال ایجاد جنگ و بحران هستند، نشان می دهد که سپاه از قبل تودار تر و خود دار تر می شود و تلاش برای حفظ خود را اصل قرار می دهد. وجود و حضور هاشمی گلباگانی که از جمله کسانی است که با احمدی نژاد و باند او درگیر است نشان می دهد که مخالفان احمدی نژاد و باند او از آمدن جعفری راضی هستند.

جعفری اگر نتواند نظم را به سپاه برگرداند به زودی باید منتظر درگیری های داخلی در خود سپاه باشد. درست است که سپاه در حال حاضر نشان نمی دهد گرفتار مشکلات است اما تهدید امریکا سپاه را در فهرست سازمانهای تروریست قرار می دهد و احتمال این که سپاه قدس را در آن فهرست قرار دهد قوی است، موجب تحرکها در سپاه گشته و برخی از سرداران سپاه را به مخالفت با مشی دنباله روانه از مافیاهای نظامی - مالی را برانگیخته است.

برخی از سرداران می گویند: سپاه از چهارچوب وظایف خود خارج شده است. نیرویی که می بایست کمک کار مردم کشور خود می بود به سمتی برده شده که حالا برای کشور مشکل ساز شده است.

بسیاری از دلایل مهم تغییر فرماندهی این بود که رحیم صفوی قدرت برخورد با برخی از گروه بندی های موجود در سپاه را نداشت و جعفری را آورده اند بلکه بتواند با این گروه بندی ها برخورد کند. سپاه در وضعیت قابل دوامی نیست و اگر بخواهد از این وضعیت خارج شود، می باید دست به تصفیه ای در داخل خود بزند و گروه بندیهای مافیائی را منحل کند و افرادشان از سپاه خارج کند. علاوه بر این، باید خود را جمع و جور کند چون خیلی باز شده است و نیرویی که این قدر باز باشد قابل فرماندهی نیست و ارزش جنگی ندارد.

سپاه الان در همه امور دخالت می کند و هر کاری که درست انجام نمی شود مردم به حساب سپاه می گذارند و این برای اعتبار سپاه خطرناک است.

● تشکیل اجلاس بزرگ سپاه برای بررسی اوضاع این نیرو و تصمیمات جدید در مورد نیروهای هوایی و دریایی و زمینی سپاه: گفته می شود احتمالاً نیروی دریایی سپاه زیر مجموعه نیروی زمینی آن خواهد شد.

*** شرایط ویژه ایران در ۶ ماه دوم سال جاری:**

● معاون اطلاعات بسیج سردار صیادی می گوید: در شش ماه دوم سال جاری ایران دارای شرایط ویژه ای است. هم به لحاظ داخلی و هم به لحاظ تهدیدات دشمن. ولی دشمن تا شرایط داخلی را فراهم نیند هیچ کاری نمی تواند بکند. نظر سنتجی های دو سه ماهه اخیر نشان می دهد که ۵۵ درصد جامعه نگاه اصولگرایانه دارد و نگاه اصلی آن ها تدبیر است.

● قول سردار صیادی تصدیق خرابی وضعیت کشور و بیشتر از آن، خود رژیم است. آنچه او و دیگر سرداران را نگران می کند، درگیری هایی هستند که ممکن است سپاه گرفتارشان شود. حرف او همان حرف هاشمی رفسنجانی است که گفته بود ایران در شرایط ویژه قرار دارد. گفته این معاون اطلاعاتی بسیج نشان می دهد اوضاع سر و بدنه رژیم بهم ریخته است. ترس از جنبش مردم، درگیریهای در داخل، تا آخر رفتن در بحران اتمی و بی کفایتی غیر قابل تصور احمدی نژاد و حکومت او، همه شان را حسابی به وحشت انداخته است.

● عقب نشینی ایران در جبهه هسته ای و تغییر فرمانده سپاه و برگزاری اجلاس سراسری فرماندهان سپاه و دستگیری های دانشجویان و مبارزان سیاسی و خبرنگاران و تشکیل جلسات مکرر بسیجیان و مانورهای پی در پی گردانهای عاشورا و الزهرای بسیج در شهرهای مختلف منطقه برای جلوگیری از اغتشاش و تشکیل طرح موزاییکی بسیجیان و انصار حزب الله برای مقابله با مردم در هر کوی و بزرگ و محله و...، همه نشان از این دارد که رژیم شرایط را نامناسب می یابد و برای جلوگیری از وضعیتی که برای صدام حسین و رژیم او پیش آمد، می کوشد خود را آماده سازد.

انقلاب اسلامی: امریکا همچنان سپاه پاسداران را هدف گرفته است. به نکات عمده گزارش لوموند در این باره توجه کنید:

*** امریکا حمله های خود را بر روی سپاه پاسداران متمرکز می کند:**

● لوموند (۲۰ سپتامبر ۲۰۰۷) گزارش می کند: ● روزی پیش از اجتماع نمایندگان ۶ کشور (۵ عضو دائمی شورای امنیت و آلمان) در ۲۱ سپتامبر، در نیویورک، برای تصمیم گرفتن در باره قطعنامه سوم، امریکا همچنان به ایران فشار وارد می کند. بر نقش شومش در عراق و افغانستان تأکید می کند و همچنان تکرار می کند که درکار یافتن روشی برای مهار رژیم ایران است. گرچه از جنگ گاه و بیگاه سخن بمیان می آورد اما مرداد جنگ سرد است.

● احمدی نژاد گفته است تقاضا کرده است که از محل دو برج که بر اثر ترورهای ۱۱ سپتامبر ویران شده اند، دیدن کند و دست گل بگذارد. در ۱۹ سپتامبر، پس از اطلاع از تقاضای او، در امریکا، همه داغ شدند. رودلف جیولیانی، شهردار سابق نیویورک و نامزد ریاست جمهوری از حزب جمهوری خواه، تقاضای احمدی نژاد را ناسزا توصیف کرد: رئیس جمهوری کشوری که به پسر بن لادن پناه داده است می خواهد در محلی که در نظر امریکائیان مقدس است، بسان یک سیاح، گردش کند! تقاضای او بلحاظ امنیتی رد شد.

● اتهامهایی که امریکا وارد می کند، به سپاه پاسداران، ارتش ایدئولوژیک وارد می کند که احمدی نژاد از میان آنها به ریاست جمهوری رسیده است. در برابر کنگره امریکا، ریان کروکر، سفیر امریکا در بغداد و ژنرال داوید پترائوس، فرمانده قوای امریکا در عراق، در ۱۰ سپتامبر شهادت دادند. این دو پنهان کردند که نفوذ رو به افزایش ایران در منطقه، یکی از دلایلی است که ایجاب می کند امریکا برای مدتی طولانی در عراق حضور نظامی داشته باشد. « احمدی نژاد گفته است هرگاه امریکا از عراق بیرون رود، ایران آماده است خلاء را پر کند. » در ۱۲ سپتامبر، کندولزا رایس توضیح داد که خطری که می باید از آن جلوگیری کرد، خطر حضور ایران در عراق است.

● حمایت از مخالفان: سفیر امریکا که اجازه یافت، از ۱۹۷۹ بدین سو، نخستین گفتگوهای رسمی را با نماینده ایران انجام دهد، تأیید می کند که سپاه پاسداران، در عراق، در کار سازمان دادن جنبشی از نوع جنبش حزب الله لبنان است. ژنرال پترائوس تصریح کرده است که دستگیری قیس خزئی، رئیس فرماندهان ارتش المهدی، به ما امکان داد از زبان او بشنویم که افراد این ارتش توسط مربیان سپاه قدس تعلیم می گیرند.

● در مورد افغانستان، امریکا می گوید: قوای چند ملیتی، در ۶ سپتامبر، انبار بزرگ اسلحه را کشف و ضبط کردند. مقصد این اسلحه طالبان بود که در حال جنگ با حکومت کوزی، متحد ایران است. در این مورد نیز، امریکا نه سران رژیم که سپاه پاسداران را عامل تحویل اسلحه به طالبان می شمارد. نظامیان امریکائی در صفحه ۱۰



از آن ناراحت و نگرانند که همان بمب های ضد تانک که در عراق بکار می روند در افغانستان نیز بکار می روند.

این نمونه ها با نمایندگان کنگره در میان گذاشته شد برای آنکه آنها متقاعد شوند خروج زود هنگام قوای امریکا از عراق ، خطری استراتژیک ببار می آورد . وقتی سناتور ژوزف لیبرمن ، معروف به عقاب دموکرات از ژنرال پترائوس پرسید : آیا زمان آن نشده است که ایجاد کنندگان آشوب، در آن سوی مرز عراق، در خاک ایران ، تحت تعقیب قرار گیرند ؟ ژنرال پاسخ داد : قوای نظامی می باید عملیات خود را بر خاک عراق متمرکز کنند .

● واشنگتن پست می نویسد : امریکا به حمایت مالی از مخالفان رژیم و سازمانهای ایرانی مدافع حقوق بشر ادامه می دهد و نیز در ایران دست به عملیات زده است ، بخصوص ساخت و انتشار ضد اطلاعات .

انقلاب اسلامی : سازمانهای مدافع حقوق بشری که از امریکا کمک مالی دریافت می کنند، در امریکا و از جماعت پهلوی طلب هستند و سازمانهای ایرانی مدافع حقوق بشر مستقل هستند و تن به ننگ پول گرفتن از امریکا، انهم بخاطر دفاع از حقوق انسان ، نمی دهند .

* سنجش افکار در باره نیروهای انتظامی گویای ناراضی همگانی از این نیروها است :

● سنجش افکار در باره نیروی انتظامی که از طریق تماس های تلفنی (۱۵۰۰۰ تماس) مردم انجام گرفته است حاکی از ناراضی شدید مردم است :

بیشترین اعتراضات مربوط به نحوه برخورد نیروهای امنیت تهران با مردم در جریان طرح امنیت اجتماعی بوده است : هتک حرمت مردم توسط ماموران و ضرب و جرح مردم از سوی ماموران و سوء استفاده ماموران از شغل خود ، و برخورد نامناسب ماموران با مردم و سهل انگاری در انجام وظیفه و عدم احساس مسئولیت و انجام کارهای مغایر با قانون توسط ماموران .

* انصار حزب الله از نو فعال می شود :

● از آنجا که حکومت « اصول گرا » نمی خواهد بطور مستقیم با مردم مقابله کند، از انصار حزب الله خواسته است که این کار را به نیابت از او انجام دهد . انصار حزب الله نیز کار خود را با جلوگیری از آواز خواندن پری زنگنه آغاز کرد : قرار بود پری زنگنه خواننده نایبای ایران در گرگان کنسرتی برپا کند . حکومت برای جلوگیری از آن، انصار حزب الله بکار گرفت .

* گروه حزب الله نیز بار دیگر آغاز بکار می کند

● با توجه به اوضاع نابسامان کشور گروه حزب الله هم متوجه خطر گشته و وارد گود شده است تا شاید بتواند با اجرای دستورها ، از جمله دستور ها به حمله به مراکز گروههای سیاسی و دانشجویان ، همراه با بسیج و نیروهای انتظامی و واواک و سپاه ، در شش ماه

کاسه داغ تر از آش !

قسمت بعدی سخنان جنتی بسیار گویا تر و در همان حال زهر خنده آور تر است : در اسلام همواره اکثریت جز جاهلان بوده اند . پس تمام کسانی که به جمهوری اسلامی ایران رای داده اند جاهل بوده اند . تمام کسانی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را تأیید کرده اند جاهل بوده اند . تمام کسانی که به خمینی بعنوان مرجع و رهبر انقلاب رجوع کرده اند، جاهل بوده اند ! در حقیقت، اقلیت جامعه بوده است که مغرض و جاهل بوده است : کسانی که به نمایندگان مجلس خبرگان رهبری رای داده اند . کسانی که به احمدی نژاد رای داده اند ، کسانی که همین چند ماه پیش جنتی را به عضویت شورای خبرگان رهبری انتخاب کرده اند و ...

از او باید پرسید : زمانیکه بعد از خلیفه سوم مردم حضرت علی را انتخاب کردند، جاهل بودند ؟ جنتی مدعی است : همواره اقلیت اهل حق بوده اند و بر اکثریت پیروز شده اند .

آیا اقلیت به زور بر اکثریت پیروز شده اند و یا به یمن وجود آزادی و از راه بیان حقیقت ؟ اگر با وجود آزادی جریان اندیشه ها و جریان اطلاعات ، باز اقلیت بر حق باشد، پس اقلیت کمتر از ۲ درصدی که به نظام جمهوری اسلامی رای ندادند اهل حق بوده اند . باز کسانی که به قانون اساسی رای منفی دادند در اقلیت بودند و بنا بر منطق جنتی اهل حق بوده اند .

تناقض ها گویای دروغهای فاحش او هستند . اما دروغهای او واقعیتهایی را می پوشانند که او از بر زبان آوردنشان می ترسد واقعیت اول این است که اکثریت بزرگ جامعه با رژیم مخالف است و جنتی خود را ناگزیر از توجیه حکومت به زور اقلیت ناچیز بر اکثریت بزرگ می بیند .

واقعیت دومی که می پوشاند قصد رژیم بر انجام انتخابات قلابی به تریبی است که مجلس از نمایندگان اقلیت زورگو تشکیل شود .

* جنبش ۱۸ تیر و از بین بردن دشمنان نظام »

● جنتی آنگاه به جنبش ۱۸ تیر پرداخت و گفت : در این حادثه ، دشمنان به دنبال آن بودند که بتوانند از این طریق به اهداف شومشان دست پیدا کنند دیدیم که سازمان شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی با برگزاری تظاهرات ۲۳ تیر بر علیه منافقین چگونه توانست توطئه آنان را خنثی کند .

جنتی دست به افشای سرکوب حرکت ۱۸ تیر زد و گفت : در این جریان، دشمن انقلاب را ما در ۲۳ تیر از بین بردیم . تمام کسانی که در جریان ۱۸ تیر سال ۷۸ بوده اند می دانند که در آن روزها عده ای با چماق و شیلنگ و میله های فلزی به مردم حمله می کردند و گروه گروه بر موتور سوار بودند و با وانت ها نیروهای سرکوب گر را به مناطق مختلف تهران برای سرکوب مردم و دانشجویان می بردند .

در آن زمان، همه این کارها را تکذیب می کردند و می گفتند این کار، کار مردم بوده است و ما اصلا بری سرکوب دانشجویان برنامه ریزی نکرده بودیم و در هیچ مسجدی نیز وسایل سرکوب را میان چماقداران و لباس شخصی ها و انصار حزب الله پخش نکرده بودیم .

جنتی افزود: ما باید سعی کنیم همه کارهایمان معنویت و نورانیت داشته باشد تا فرشتگان الهی نورانیت کار ما را ببیند و حضرت ولی عصر (عج) از عملکرد ما خشنود باشند.

امروز زمانی است که تمامی امت اسلامی باید در تمامی جلساتشان دم از آمدن حضرت ولی عصر(عج) بزنند زیرا امروز انقلاب اسلامی هر چه دارد از آن حضرت است.

جمالات فوق نشان می دهد که افراد وابسته به انجمن حجتیه ، قدیم و جدید ، خوب به هم مرتبط شده اند و این حرفها همان حرفهایی است که احمدی نژاد مرتب میزند . البته خرعلی و مصباح یزدی و نوری همدانی هم می زنند.

* ظهور امام زمان نزدیک است و باید آماده شد :

● روحانی جوانی که مشاور روحانی انصار حزب الله است ، در سخنرانی خود، گفته است : بر اساس اسناد و مدارک به این نتیجه رسیده ایم که زمان ظهور نزدیک است و باید آماده شد .

● آیه الله نوری همدانی در دیدار با فرماندهان و افسران سپاه گفته است : بر اساس اخبار و روایاتی که از اولیا و ائمه رسیده اند، در آخر الزمان، قم موقیبت خوبی پیدا خواهد کرد . به صورتی که صدای اسلام از این شهر به گوش جهانیان خواهد رسید .

نوری همدانی که از نزدیکان مصباح یزدی است و در قم به آیت الله چمدانی معروف است از باج بگیران بیت رهبری و از مراجع تقلید وابسته به قدرت و ثروت می باشد . او در قم ، موقیبت نازلی دارد . اما مورد توجه خامنه ای یا و احمدی نژاد است . از خمینی حکم بازرسی سفارت خانه های ایران در اروپا را گرفت و به خرج بیت المال اروپا را گشت . بعد از مرگ مراجع، رژیم بر آن شد مراجع بتراشد . از مراجع قلابی دولتی یکی شیخ حسین همدانی معروف به آیه الله چمدانی است . هر وقت رژیم نیاز به فتوا دارد اول کسی که نیازش را بر می آورد، شیخ حسین است . هر از چند گاهی هم نیاز پیدا می شود به روایات معجول در باره ظهور امام زمان در این و آن هفته . رفع این نیاز نیز از جمله بر عهده شیخ حسین است .

فساد های بزرگ با رقم های دور از باور:

● بگزارش ایسا (۱۷ شهریور) دکتر محمدرضا رحیمی رئیس دیوان محاسبات کشور گفته است :

۱- پالایشگاه آبادان در سال، یک میلیارد و دوست میلیون دلار ضرر می دهد و به جای آنکه بالای ۳۵ درصد از نفت ورودی را به بنزین تبدیل کند، نفت کوره بیرون می دهد و خسارت سنگینی ایجاد می کند و بهانه مسوولان آن هم این است که کارگران پالایشگاه نباید به دلیل بازسازی آن، بیکار شوند.

۲- اگر یک فاز پارس جنوبی فقط یک روز زودتر راه اندازی شود در هر روز ۵ میلیون دلار سود عاید کشور می کند. حال این سوال پیش می آید که از دیوان محاسبات در پارس جنوبی چه میزان تخلف بگیریم تا ۵ میلیون دلار شود؟ در صورتی که هرگز چنین عددی به دست نمی آید. بنابراین باید کمک کنیم تا فازهای دیگر آن راه بیفتد.

۳- سرمایه گذاری دولت در پارس جنوبی ۷۰ تا ۸۰ میلیارد دلار است، ولی به دلیل برخی مسائل به وجود آمده، خارجی ها تمایلی برای کار در پارس جنوبی ندارند و کسانی هم که برای کار آمده اند، از آنجا می روند. قطری ها ۱۰ سال زودتر در این حوزه شروع به استخراج کرده اند، بنابراین برای آنکه از قطری ها جلو بیفتیم ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیارد دلار باید سرمایه گذاری کنیم.

۴- در حال حاضر در دیوان، حساب های شرکت ها و دستگاه هایی که دولت در آنها کمتر از ۵۰ درصد سهم دارد را نمی توان مورد رسیدگی قرار داد، چون طبق قانون شرکت دولتی، شرکتی است که بیش از ۵۰ درصد از سهامش از آن دولت باشد و متأسفانه در برخی از این شرکت ها تخلفات زیادی اتفاق می افتد که ما نمی توانیم به آنها رسیدگی کنیم.

به عنوان مثال در شرکت های مادر تخصصی و در راستای خصوصی سازی به یکباره شرکت های بزرگ را به بخش های کوچک قسمت کرده و سهم دولت را به زیر ۵۰ درصد آورده اند که دیوان نمی تواند حساب های شرکت های اقماری آنها را مورد رسیدگی قرار دهد، چون سهم دولت در آنها ۴۸ درصد شده و به این ترتیب دست دستگاه نظارتی را کوتاه کرده اند یا مثل شرکت هایی که متعلق به تأمین اجتماعی هستند و حدود ۸ هزار میلیارد تومان سرمایه دارند، ما یک ریال آنها را هم نمی توانیم مورد رسیدگی قرار دهیم.

۵- نانوائی هایی داریم که روزانه ۲۵۰۰ کیلو سهمیه آرد دارند ولی ۴۰۰ کیلو آرد بیشتر پخت نمی کنند؛ یعنی دو هزار کیلو آرد از هر کدام از این نانوائی ها به بازار آزاد می رود و در سال ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیون تومان از این محل سود می برند. وقتی جواز هر نانوائی در تهران ۳۰ میلیون تومان به فروش می رسد، معلوم است که تخلفی در حال انجام است؛ برخی افراد امتیاز مکرر نانوائی دارند یا عده یی زمینی برای راه اندازی نانوائی می گیرند، ولی در آن زمین خانه یا رستوران و ... ساخته اند که گاهی تفاوت قیمتی برخی زمین ها در این حالت به ۴ میلیارد تومان می رسد و این در حالی است که اینها سهم و پول مردم است.

۶- همکاران ما در کشف تخلف و اعلام آن رقابت دارند. حجم ریالی پرونده هایی هم که در دادسرای دیوان وجود دارد، بیش از ۱۱ هزار میلیارد تومان یعنی نصف بودجه کل کشور است.

۷- سالانه حداقل ۲۰ میلیون گوشی تلفن همراه وارد کشور می شود که دریافت مالیات از آنها مبالغ کلانی است، ولی متأسفانه اغلب شرکت های واردکننده گوشی های تلفن همراه مالیاتی پرداخت نمی کنند. این تخلف در صفحه ۱۱



محور. به عبارت دیگر به روش‌های فعال تدریس که مستلزم برانگیختن دانش‌آموزان به فعالیت کلاسی است چندان بهایی نمی‌دهند. از سوی دیگر نتایج نشان داد که معلمان مورد مطالعه در دستیابی به هدف‌های مهارتی موفق نبوده‌اند.

۲- نتایج آزمون پرلز و نقش میزان تحصیل معلمین

آزمون پرلز در زمینه نقش مطالعه آزاد در بهبود توان خواندن دانش‌آموزان به نتایج ذیل دست یافته است:

در سطح بین الملل ۶۵ درصد دانش‌آموزان توسط معلمان دارای تحصیلات دانشگاهی آموزش می‌بینند و این درصد در زلاندنو، انگلستان و آمریکا ۱۰۰ درصد است.

و در ایران بنا بر آمار رسمی در حال حاضر بیش از یک میلیون معلم در سراسر کشور به امر تدریس می‌پردازند که از میان آنها تنها ۴۷ درصد آنان دارای مدرک لیسانس و بالای آن، ۳۰ درصد فوق دیپلم و حدود ۲۳ درصد زیر دیپلم هستند. (علیرضا

هاشمی مدیر دفتر برنامه ریزی و توسعه مدیریت وزارت آموزش و پرورش در گفتگو با خبرگزاری مهر در تاریخ ۱۳۸۴/۰۹/۰۲) و در حال حاضر ۳۰۰ هزار معلم دارای مدرک معادل در آموزش و پرورش وجود دارد (۲ شهریور ۸۵ سید حسن نقوی مدیرکل دفتر ارتقاء مهارت‌های حرفه‌ای و تربیت معلم وزارت آموزش و پرورش -

خبرگزاری مهر) خوانندگان گرامی توجه فرمایند که اطلاعات معلمان دیپلمه و زیر دیپلم چگونه با توقع و نیاز امروز از معلمان خود را از حالت صرف انتقال دانش و معلومات خارج کند و به خود صرفاً به عنوان فرد راهنما و هدایت کننده جریان یادگیری نظاره نموده و روش‌های فعال تدریس را ابتدا خود بیاموزد تا بتواند آنها را در کلاس درس بکار گیرد.

جالب اینکه بالغ بر ۷۰ درصد معلمان مرد دیپلم و فوق دیپلم مقطع تحصیلی ابتدایی مناطق شهری، شغل دوم دارند و حدود ۵۰ درصد معلمان فوق دیپلم مقطع راهنمایی و ۲۰ تا ۲۵ درصد دبیران دوره متوسطه نیز شغل

روشای نوین تدریس را نیز ندارند. جهت توجه به روش‌های موفق تدریس به کشور فنلاند نظر افکنیم که یکی از بهترین سیستم‌های آموزشی را دارا می‌باشد و حتی وزارت خانه ای بنام وزارت تدریس را ابداع نموده‌اند و سرانه دانش آموزی در آن بر ابراهام سالی ۵۰۰۰ دلار می‌باشد و ششم بودجه آموزشی آنها در سال ۲۰۰۵ برابر با ۶٫۴ درصد بوده است. در حالی که متوسط این سهم در کشورهای عضو "سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه‌ای" OECD برابر با ۵٫۳ درصد و در ایران ۳ درصد است و به قول آقای فرسیدی "وزیر آموزش و پرورش ۹۰ درصد آن را حقوق معلمان و کارکنان وزارت آموزش و پرورش

در صفحه ۱۲

در صفحه ۱۲

در صفحه ۱۲

در صفحه ۱۲

در صفحه ۱۲

کاسه داغ تر از آتش!

میدهم. و مشخص مینمایم نظام ولایت فقیه در فاصله بین آزمون پرلز در سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۶ تا چه میزان در رفع موانع فوق کوشیده است.

۱- نتایج آزمون پرلز و نقش نحوه تدریس

آزمون پرلز در زمینه نقش نحوه تدریس در بهبود توان خواندن دانش‌آموزان در ایران به نتایج ذیل دست یافته است:

وضعیت دانش‌آموزان ایرانی در پاسخ به سؤالاتی که جنبه استخراج صریح اطلاعات (حفظی) از متن داستان داشته، بهتر از مواردی بوده که نیاز به استنباط، استنتاج و ارزش‌یابی داشته است.

میدانیم که در فرآیند یادگیری مفهوم تجربه بسیار پر ارزش است. در سیستم آموزشی ایران متأسفانه دانش آموز تجربه گر محسوب نمی‌شوند، لذا معلم به تجربه‌هایی که یادگیرنده شخصاً کسب کرده و میکند، بهایی نمی‌دهد. در نتیجه، دریاد گیرنده قوه خلاقیت و ابتکار عقیم می‌ماند و به مرور او اعتماد به نفس را از دست میدهد. کلاس درس خسته کننده و ملال آور میشود، زیرا ذهن از فعالیت باز می‌ماند. ارزش‌گذاری به محفوظات و میدان‌دادن به تجربه، با عث می‌شود دانش آموز هنر تفکر و روش کشف روابط بین پدیده‌های مورد مطالعه را کسب نکند و خصوصاً با کاربرد مفاهیم آموخته، در زندگی

حال و آینده خود، ناتوان شود و پس از اتمام تحصیلات "رسمی" خود قادر به انجام کارشناسانه مسئولیتهای شغلی خود نگردد و به همان سادگی که مطالب در حافظه انباشته شده اند از ذهن بدر روند. هنوز در سیستم آموزشی ما این امر جا نیفتاده است که مطالب درسی باید راهگشای عرصه‌های گسترده تر و مجرای راهیابی به متون متنوع دیگر باشد که با نظریه‌های گوناگون و متفاوت به مسایل مطروحه در بحث پردازد. در متون درسی هدف آن نیست که دانش موجود در آن زمینه به طور کامل و جامع در متنی واحد گرد آید (بگذریم که متون درسی در ایران نیز از نقطه نظر علمی بسیار ناقصند) و به عنوان بسته ای آماده و غیر قابل تجزیه و نفوذ بدور از چون و چرای ذهن دانش آموز به ذهن وی حفته شود.

متأسفانه طبیعت آموزش رسمی در ایران اساساً قالب سازی است. بدین صورت که دانش آموز و دانشجو با ویژگیهای تعریف شده وارد آن می‌شوند و ناگزیرند انتظارات نظام آموزشی را بپذیرند و طی شرایطی متساویاً از آن خارج شوند و هر کس با این ساختار انطباق نیابد شایسته دریافت مجوز خروج نیست. بنابراین در این نظام بیش از آنکه استعداد و علایق و تجربه‌های فردی مورد نظر باشد قابلیت انطباق مد نظر است.

هر که انطباق پذیرتر، شایسته‌تر!! ابعاد فاجعه آمیز ضعف شدید سیستم آموزشی ما که خود را در آزمون پرلز در ایران با رتبه ۳۲ از میان ۳۵

در صفحه ۱۲

در صفحه ۱۲

در صفحه ۱۲

در صفحه ۱۲

در صفحه ۱۲

قسمت دیگری از تحقیق ژاله وفا شما را از وضعیت اسف بار آموزش و پرورش آگاه می‌کند:

ژاله وفا

مشکلات کمی و کیفی آموزش و پرورش ایران در قرن ۲۱- بخش ۱۹:

در شماره قبل به معرفی آزمون «پرلز» که یک مطالعه بین المللی پیشرفت سواد خواندن و برنامه‌ای ابتکاری برای ارزیابی توانایی خواندن کودکان در پایه چهارم ابتدایی میباشد و توسط انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی IEA انجام می‌گیرد، پرداختیم. و خاطر نشان ساختیم که

ابعاد سواد خواندن در این آزمون به شرح زیر هستند:

اهداف خواندن: این بعد با انجام آزمون‌های نوشتاری سنجیده می‌شود. فرایند درک مطلب: این بعد با انجام آزمون‌های نوشتاری درک مطلب خواندن سنجیده می‌شود.

رفتار خواندن و نگرش به خواندن: این بعد با پرسش‌های زمینه‌یابی دانش آموزان ارزیابی می‌شود.

و ایران در دو آزمون پرلز در سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۶ شرکت کرده است. اما تنها نتایج آزمون سال ۲۰۰۱ بیرون داده شده است. آنها بعلت سانسور شدید در ایران نتایج آزمون پرلز سال ۱۳۸۰ (۲۰۰۱)، درست ۴ سال بعد یعنی در سال ۱۳۸۴ اجازه انتشار یافت! بعبارت دیگر در حالی که بسیاری از کشورها از این فرصت ۴ ساله برای بازنگری در سیستم آموزشی خود استفاده برده‌اند، در سال ۱۳۸۴ تازه اعلام شد که ایران در سال ۱۳۸۰، بین ۳۵ کشور مقام ۳۲ را در آزمون بین المللی پرلز کسب کرده است!

(شرق، صفحه ۲۶، ۸۴/۱۲/۳)، و متوسط عملکرد دانش‌آموزان دبستانی ایرانی به طور معنادار در هر سه حالت: میانگین کل، میانگین متون ادبی و میانگین متون اطلاعاتی، پایین‌تر از میانگین بین المللی بوده است. در شماره قبل بطور مفصل از نتایج این آزمون که پرتوی روشن بر مشکلات آموزشی ما افکند نام بردم.

۴ محور اساسی-۱ نقش نحوه تدریس، ۲- نقش میزان تحصیلات معلمین-۳، تأثیر مطالعه آزاد-۴ نقش فقر اقتصادی، که بر اساس آزمون پرلز ۲۰۰۱ در میزان توانایی دانش‌آموزان در امر خواندن تأثیر مستقیم داشته‌اند را در دو شماره آینده مورد بررسی قرار

در صفحه ۱۲

در صفحه ۱۲

در سایر شرکت‌های وارد کننده محصولات خانگی و صوتی و تصویری نیز اتفاق می‌افتد. حتی با بررسی پرونده مالیاتی یکی از فروشندگان غذایی معروف و زنجیره‌ای متوجه شدیم که تاکنون حتی یک ریال مالیات پرداخت نکرده است.

نظارت دیوان بر شرکت‌های واردکننده لوازم صوتی و تصویری و گوشی تلفن همراه که مسوولان رده بالای آنها وابسته به برخی دستگاه‌ها هستند، مشکل است، ولی می‌توان

وارد آن شد و به همین جهت از مردم و رسانه‌ها کمک می‌خواهیم. مطمئناً این شرکت‌ها ارتباطاتی دارند و از این ارتباطات علیه دستگاه‌های نظارتی استفاده می‌کنند. البته همه جای دنیا هم این گونه است.

۸- در بخش انرژی حتی سراغ شرکت‌های بزرگ نفتی می‌رویم و قراردادهای را می‌گیریم و رسیدگی می‌کنیم، هر چند رسیدگی به آنها بسیار دشوار است. تاکنون ۸۷ هزار میلیارد تومان تخلف در دادسرا در این رابطه گزارش شده است که اگر یک سوم این رقم هم محقق شود، رقم بسیار بالایی خواهد بود.

۹- مجموعاً حدود ۷۰ هزار دستگاه خودروی فرسوده در دستگاه‌های دولتی وجود دارد که استفاده نمی‌شود ولی از سهمیه بنزین آنها استفاده می‌کنند، بنابراین باید به دولت کمک شود تا این مشکل حل شود.

اینکه چرا این ارقام شگفت‌انگیز است را فقط برای موارد ۱ و ۹ اشاره می‌کنیم؛

- زبان سالانه پالایشگاه آبادان ۱/۲ میلیارد دلار ذکر شده است. اگر این پالایشگاه ۲۰ هزار نفر پرسنل داشته باشد که به طور میانگین ماهانه ۵۰۰ هزار تومان حقوق بگیرند، کل حقوق سالانه آنها یک دهم رقم یاد شده است. آیا می‌شود ۱۰ برابر کل حقوق کارکنان یک پالایشگاه را به عنوان زبان تحمل کرد تا این کارکنان بیکار نشوند.

- ۷۰ هزار خودروی فرسوده دولتی که استفاده‌ی از آنها نمی‌شود روزانه ۷۰۰ هزار لیتر سهمیه بنزین دارند که از آنها استفاده می‌شود. این رقم یعنی ۱۱ درصد کل مصرف بنزین در ایران. آیا دولت می‌پذیرد که زیرمجموعه‌های چنین سوءاستفاده هنگفتی را از بیت المال و در جهت خلاف برنامه‌های دولت برای صرفه‌جویی انرژی، کاهش ترافیک و آلودگی هوا داشته باشند؟

در ۲۶ شهریور، ایسنا، از قول کمال دانشیار، رئیس کمیسیون انرژی مجلس مافیها گزارش کرده است: رانت شناور نشدن قیمت محصولات پتروشیمی ماهانه ۱۵۰ میلیارد تومان است. شناورسازی قیمت محصولات پتروشیمی قانون مجلس بوده و بسیار شفاف است. دولت باید آن را اجرا کند. دولت به دلیل تورم و نگرانی از آن، شناورسازی قیمت محصولات پتروشیمی را با تأخیر اجرا می‌کند.

باید مشخص شود رانت ماهانه ۱۵۰ میلیارد تومانی به جیب چه کسانی می‌رود.

انقلاب اسلامی: فساد و ترور و سرکوب و خفقان اثرات خود را در پس رفتن آموزش و پرورش آشکار می‌کند.

در صفحه ۱۲

در صفحه ۱۲



به خود اختصاص می‌دهد. بی دلیل نیست که کشور فنلاند در آزمون مهم

پیزا
Das Programme
for
International Student
Assessment (PISA)

که به سنجش توانایی‌های علمی و اطلاعات دانش‌آموزان ۱۵ ساله می‌پردازد، در صدر کشورهای شرکت کننده قرار گرفته سیستم آموزش آن» بعنوان بهترین سیستم آموزشی قلمداد گردید. این کشور که در آن آموزش و نیز غذای گرم در مدارس و کتب درسی و وسایل آموزشی همه به رایگان در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد، موفقیت خود را در سیستم آموزشی مدیون ۳ امر مهم است ۱- اعطای آزادی تصمیم و انتخاب روش به کومونها در تعلیم و تربیت ۲- ارزیابی و کنترل مرتب کیفیت در سطح مدارس ۳- اهمیت بایسته به تجارب شخصی عملی و تنوع مسب شده توسط دانش‌آموزان در طول زندگی و تقش دادن به آن در آموزش. در شماره آینده در پرتو نتایج آزمون پرلز در ایران به نقش مطالعه آزاد و نیز فقر اقتصادی در عمق و محتوای یادگیری دانش‌آموزان می‌پردازم و برنامه نظام آموزشی حاکم را برای مقابله با نتایج این آزمون مورد بررسی قرار می‌دهم.

انقلاب اسلامی: دانشجویان و معلمان و روزنامه نگاران قربانیان تجاوزها به حقوق بشر در آستانه شروع سال تحصیلی هستند:

در آستانه سال تحصیلی، معلمان و دانشجویان و روزنامه نگاران قربانیان تجاوز به حقوق انسانند:

◀ در ۲۵ شهریور ۸۶ به کمیته دانشجویی گزارشگران حقوق بشر، محمد حسن طالبی، دبیر واحد سیاسی انجمن اسلامی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان به دادگاه انقلاب احضار شد. ◀ ۲۵ شهریور ۸۶ تنها مرکز نگهداری دختران خیابانی تهران تعطیل شد. چند ماه پس از انتصاب محمدعلی زم به معاونت اجتماعی شهرداری، وی با این استدلال که رسیدگی به آسیب‌های اجتماعی در حوزه وظایف شهرداری نیست و نگهداری بچه‌های یاد شده هزینه زیادی طلب می‌کند اقدام به بستن این مراکز کرد. شنیده شده مسوولان شهرداری در توجیه عمل خود گفته‌اند نگهداری از هر دختر، ماهیانه ۴۰۰ هزار تومان هزینه داشته است.

◀ ۲۵ شهریور ۸۶، جمعیتی حدود ۲۰۰ نفر از معلمان حق‌التدریسی که تقریباً ۸۰ درصد از ایشان را آموزگاران زن تشکیل می‌دادند، در پارکی در نزدیکی میدان پاستور تجمع کرده‌اند. معلمان حق‌التدریسی از شهرستان کرج و استان های شیراز، اصفهان، آذربایجان غربی و کردستان در مقابل کاخ رییس جمهوری گرد هم آمده و با در دست داشتن بیرق‌هایی به طرح شعارها و خواسته‌های خود پرداختند. ◀ ۲۵ شهریور ۸۶، کارگاه آموزش حقوق زن در خرم‌آباد با حمله پلیس،

کاسه داغ تر از آش!

ضرب و شتم و بازداشت شرکت کنندگان و اعضای کمیته یک میلیون امضا متوقف شد. ۲۵ شرکت کننده این کارگاه تا نیمی از شب در بازداشت بودند. رضا دولت‌شاه، بهمن آزادی و خسرو نسیم پور فعالان اجتماعی خرم آباد که مورد ضرب و شتم پلیس نیز قرار گرفته بودند همچنان در بازداشت بسر می‌برند و به رغم پیگیری‌های دوستان و خانواده‌هایشان هیچ خبری از وضعیت و مکان بازداشت‌شان اعلام نشده است. جرم آنها برگزاری یک کارگاه آموزشی در خانه ای کوچک و با عده ای محدود است در مورد قوانین نابرابر همچون تعدد زوجات، شهادت، دیه نابرابر و... بوده است. ◀ در ۲۶ شهریور ۸۶، صالح نیک بخت وکیل مدافع عدنان حسن پور و هیوا بوتیمار از تقدیم لایحه اعتراضیه نسبت به محکومیت موکلانش به دادگاه انقلاب مربوط خبر داد. این دو نفر به اتهامات امنیتی و محاربه به اعدام محکوم شده بودند که وکلای آنان در لوائح دفاعیه خود اعلام کردند که اتهامات موکلانشان از مصادیق محاربه نیست. ◀ در ۲۸ شهریور، فهرست کامل معلمان مجازات شده به جرم پیگیری مطالبات صنفی انتشار یافت: برخورد با فرهنگیان که خواستار رفع مشکلات صنفی- معیشتی این قشر هستند، پس از دستگیری هزار نفر از معلمان در اسفندماه سال ۸۵ همچنان معلمان معترض با احکامی مانند اخراج، بازنشستگی، انفصال، تبعید توسط هیات‌های تخلفات اداری وزندان مواجه شده‌اند. «نوروز» گزارشی از روند برخوردهای صورت گرفته با معلمان و همچنین اطلاعاتی در مورد فرهنگیان که با احکام مذکور مواجه شده‌اند، تهیه کرده است:

● واکنش مسوولان نسبت به اعتراضات معلمان به جای توجه به خواسته‌های صنفی آنان عبارت بود از دستگیری ۱۰۰۰ نفر از فرهنگیان در ۲۳ اسفند ۸۵، تشکیل پرونده در هیات‌های تخلفات و دادگاه انقلاب برای حدود ۳۰۰ معلم، زندانی نمودن فرهنگیان در بندهای انفرادی خصوصاً بند ۲۰۹ زندان اوین، صدور احکام اخراج، بازنشستگی، انفصال، تبعید توسط هیات‌های تخلفات اداری، تشکیل دادگاه انقلاب برای همه معلمان زندانی که با وثیقه آزاد شده‌اند که همکاران در انتظار صدور رأی این دادگاه‌ها می‌باشند و صدور رأی ۳ سال زندان برای دبیر کل سازمان معلمان برای دو تجمع جلوی خانه ملت.

● اطلاعات مربوط به تعدادی از فرهنگیان که به دلیل فعالیت در جهت تأمین حقوقشان با احکام سنگین مواجه شده‌اند، در پی می‌آید:

حمید مجیری/خمینی شهر: اخراج دائم
سیدمجتبی ابطحی/خمینی شهر: باز خرید زود هنگام، سی روز بازداشت، وثیقه ۴۰ میلیون
عبدالرسول عمادی/خمینی شهر: تبعید به اراک
خانم دیباجی/خمینی شهر: بازنشسته زود هنگام
ستار زارع/خمینی شهر: سه سال تبعید به استان سمنان
نوراله برخوردار/خمینی شهر: پنج سال تبعید به استان کهگیلویه و بویراحمد

خانم شرافت/خمینی شهر: تویخ با درج در پرونده
سعید ابوطالب/اصفهان: قطعی، تعلیق یک گروه
علی اکبر باغانی/تهران: (۱۶+۲۵) روز بازداشت، سه ماه انفصال، وثیقه سی میلیون
محمد خاکساری/تهران: بازجویی، وثیقه ۱۰۰ میلیون
محمود بهشی لنگرودی/تهران: (۳۱+۱۷) روز بازداشت وثیقه سی میلیون
علیرضا اکبری نبی/تهران: ۲۶ روز بازداشت، وثیقه سی میلیون
حمید پوروثوق/تهران: ۲۶ روز بازداشت، سه ماه انفصال، وثیقه سی میلیون
محمدرضا رضایی/تهران: ۲۶ روز بازداشت، سه ماه انفصال، وثیقه سی میلیون
کریم قشاوی/تهران: ۱۶ روز بازداشت، وثیقه سی میلیون
محمدتقی فلاحی/تهران: ۲۹ روز بازداشت، وثیقه سی میلیون
محمود باقری/تهران: ۳۳ روز بازداشت، وثیقه سی میلیون
علی اصغر منتجبی/تهران: ۲۶ روز بازداشت، وثیقه سی میلیون
ثریا دارایی/تهران: ۱۰ روز بازداشت، وثیقه چهار میلیون
رسول بدایقی/تهران: ۱۶ روز بازداشت، وثیقه سی میلیون
محسن کمالی/تهران: ۱۶ روز بازداشت، وثیقه سی میلیون
میراکبر رئیس زاده/تهران: ۱۴ روز بازداشت، وثیقه هشتاد میلیون
نوراله اکبری/تهران: ۱۹ روز بازداشت، وثیقه سی میلیون
محمد داوری/تهران: ۱۹ روز بازداشت، وثیقه سی میلیون
علی پورسلیمان/تهران: ۱۹ روز بازداشت، سه ماه انفصال، وثیقه سی میلیون تبعید به اسلامشهر
علیرضا هاشمی سنجابی/تهران: ۱۹ روز بازداشت، سه ماه انفصال، وثیقه پنجاه و پنج میلیون، تبعید به شهری، سه سال حبس(حکم بدوی)
سعید تدینی/تهران: بازداشت، کفالت طیبه میرزایی/تهران: بازداشت، کفالت نادر آهنگری/تهران: بازداشت، کفالت اصغر قنبری/تهران: بازداشت، کفالت منصور عبدالحمیدی/تهران: بازداشت، کفالت
اکبر اکبری/تهران: زندان، کفالت اسماعیل رسول خانی/رباط کریم: بازداشت، کفالت
حسین رامشک/رباط کریم: ۳ بازداشت، سه ماه انفصال
حسین دیندار/قلعه حسن خان: سه ماه انفصال
تیمور حسین پور/قلعه حسن خان: سه ماه انفصال
مصطفی قهرمانی گل/کرج: بازداشت، کفالت
رضا عبیدی/کرج: ۱۴ روز بازداشت، وثیقه چهار میلیون
مختار اسدی/کرج: پنج سال تبعید، سه ماه انفصال
نادر قدیمی/همدان: ۱۰ روز بازداشت، ۵ سال تبعید، کفالت
یوسف رفاهیت/همدان: ۱۰ روز بازداشت، سه ماه انفصال، کفالت

وجود آوردندگان درگیری های فروردین و اردیبهشت ماه امسال در دانشگاه فنی بابل بود، سرانجام مجبور به استعفا شد.

پس از ربودن بیژن صباغ و ۱۴ دانشجوی دیگر از دانشگاه فنی بابل در اواخر فروردین ماه امسال، دانشگاه مازندران شاهد تجمعات و اعتراضات گسترده ای شد که سرانجام به استعفاي جانعلی زاده (رئیس دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل) و هم اینک بابایان انجامید.

وی اجازه ی هرگونه تحرکی از اعضای انجمن اسلامی را گرفته بود و همچنین موجب بسته شدن تقریباً همه ی نشریات و تشکل های دانشجویی دانشگاه های بابل و بابلسر شده بود. بابایان که عادت داشت از ترس اعتراضات دانشجویی (که همه روزه در دفتر ریاست دانشگاه یک اعتراض یا تحصن دانشجویی مشهود بود) همیشه با دو محافظ به دانشگاه بیاید، طبق اخبار موثق از سرکرده های سپاه پاسداران مازندران می باشد. در دوره ی ریاست وی اقدامات زیر انجام شد:

۱. انجمن اسلامی معلق اعلام شد.
۲. دست کم ۵ مورد تعلیق از تحصیل و ده ها مورد حکم کتبی تنها برای دانشجویان فعال صادر شد.
۳. نیروهای امنیتی به هر شکل اجازه ی ورود به دانشگاه و خوابگاه را داشتند به طوری که در بهار امسال با گاز اشک آور و چشم بند در ساعت ۲ بامداد به سراغ دانشجویان متحصن در دانشگاه آمدند. لازم به ذکر است که طبق اخبار موثق نیروهای اطلاعات نیروی انتظامی برای ورود به دانشگاه دارای حکم کتبی از ریاست دانشگاه مازندران بوده اند.
۴. نشریات و تشکل های دانشجویی تخته شدند.

۵. هر ماه به مناسبت های مذهبی یا سالروز مرگ شهدا یا ... مراسمی با حضور نیروهای سپاهی مسلح در دانشگاه برگزار می شد.
◀ در ۳۱ شهریور ۸۶، به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، تعداد اعضای خانواده های دستگیر شده قتل عام زندانیان سیاسی سال ۱۳۶۷ و شرکت کنندگان در نوزدهمین سالگرد این مراسم به ۱۲ خانواده رسیده است.

مامورین وزارت اطلاعات از روزهای ۱۱ شهریور ۱۳۸۶ شروع به یورش بردن به منزل خانواده های قربانیان قتل عام زندانیان ۱۳۶۷ نمودند. این یورشها در ساعتهای بین ۳ الی ۵ صبح انجام می شد. یورشها وحشیانه و غیر انسانی بوده اند. بعضی از خانواده ها دارای بچه های خردسال و یا افراد مسن هستند که بعضی از آنها ناراحتی قلبی دارند. یورش وحشیانه باعث وحشت شدید کودکان و تشدید بیماری افراد مسن گشت. مامورین واواک وقتی با اعتراضات همسایه ها مواجه می شدند در جواب آنها خودشان را از مامورین مبارزه با مواد مخدر معرفی می کردند. اسامی تعدادی از خانواده های دستگیر شده به قرار زیرند:

در صفحه ۱۴

◀ در ۲۸ شهریور ۸۶ - نادعلی بابایان رئیس دانشگاه مازندران که یکی از به



اگر از امر خوشبختی انسان سخن بمیان آید. از هر کس بپرسید، خوشبختی چیست؟ اولین پاسخی که خواهید شنید، اینست: "پول خوشبختی نمی آورد." آیا این پاسخ حقیقت دارد؟ نه بطور کلی و کامل.

پژوهش و تحقیق در مورد خوشبختی انسان امروزه بخشی محکم و استوار از علم روانشناسی را تشکیل میدهد. در این تحقیقات تصویر و تصور این امر که خوشبختی هر انسانی حاصل "ذهن" (subjektiv) اوست، دائماً دقیقتر و عمیقتر، ولی پیچیده تر، نمایان میشود. برای خوشبخت زندگی کردن راهها و روشهای بسیار متفاوتی وجود دارند. در نتیجه انواع زیاد و مختلفی از خوشبختی وجود دارند. اما تعدادی شرایط اساسی نیز وجود دارند که بدون وجود آنها خوشبختی انسان امکان پذیر نیست.

موضوع خوشبختی از دید علم روانشناسی نزدیک به بیش از یک دهه است که محققان و پژوهشگران این علم را سخت به خود مشغول کرده است. آنها نتایج بدست آمده از تحقیقات خود را گاه نسبی کرده اند، گاه باطل شمرده و زمانی نیز آنها را به واقعیت نزدیک دانسته اند. ولی همگی آنها در این امر متفق القول اند که پژوهش در باره موضوع خوشبختی، به همان اندازه مشکل و پیچیده و غالباً پر از تناقض است، که خود انسان نیز هست.

آن شاخه از روانشناسی که بخود نام "روانشناسی مثبت" (positive Psychology) را داده است. از زمان آغاز فعالیت خویش در ابتدای دهه نود قرن بیستم، در پژوهش پیرامون موضوع خوشبختی و بخصوص شرایط ایجاد آن برای انسان، پیشرو بود. محققان آنها بطور کلی سه شیوه زندگی که سبب خوشبختی انسانها میشود را شناسایی کرده اند. آنها این سه شیوه و یا روش زندگی کردن را از طریق پرسشنامه های متعدد در جوامع گوناگون و از تعداد زیادی از انسانها از اقشار و طبقات مختلف اجتماعی بدست آورده اند. این سه شیوه و یا راه و روش و طبقه زندگی کردن همراه با خوشبختی و خوشنودی از این قرارند: شیوه زندگی در لذت جوئی و لذت بردن: بزبان یونانی Hedonismus که از ریشه کلمه Hedone میاید به معنای "شادی و لذت". این شیوه از زندگی، خوشبختی را بمنابله لذت بردن، حظ کردن، خوش بودن و تمتع از زندگی میدانند. یعنی فراهم آوردن تمامی ابزار و وسائلی که سبب راحت زندگی کردن و لذتبخشی میشوند. همزمان با دوری جستن و ممانعت از همه آنچه‌هایی که دشمن لذتجوئی هستند.

روانشناسی خوشبختی (۱)

آیا استبداد قادر است مانع خوشبختی ما شود؟

او "هیجان مثبت کار" ایجاد شود، شدیداً احساس نیکبختی میکند. همواره امیدوار و صاحب امید روز افزون بودن.

دارای روح شکر و حق شناسی بودن. و از همه مهمتر، کنجکاو بودن. در واقع مدام در جستجو و یافتن حق و حقیقت امور و وقایع بودن.

چنین فردی با این خصایص، هم از خود راضی است و هم در این جهان با رضایت و خوشنودی زندگی میکند.

در بعضی از فرهنگها، برای مثال در سوئیس و آمریکا، داشتن امید، هیجان مثبت کار و مداومت، در رأس این صفات قرار دارند. در اروپا علاوه بر این صفات، شوخ طبعی نیز از مقام بالائی برخوردار است.

حال بپردازیم به این امر که کدامیک از سه شیوههای زندگی، که در بالا آمد، یعنی، از زندگی لذت بردن، در پی معنی و معنویت بودن و یا فعال زندگی کردن، بیشتر سبب ایجاد نیکبختی در انسان میشود؟

در واقع هر سه این شیوه ها، هر کدام برای خود، می توانند باعث خوشبختی و یا دستکم راضی بودن در زندگی شوند. ولی نتایج تحقیقات متعدد نشان میدهند که بهترین ایجاد کننده خوشبختی در زندگی برای کسانی میسر میشود که تلاش میکنند مخلوطی (یا توحیدی) از هر سه شیوه زندگی بالا را برای خویش فراهم آورند. در واقع هم از زندگی لذت ببرند، هم در پی معنی و معنویت باشند و هم مدام، در هر زمینه ای که مورد علاقه آنهاست، فعالیت کنند و متعهد باشند.

هر کس اینگونه زندگی کرد، یعنی هر سه شیوه را اعمال نمود، بقول پژوهشگران "زندگی کامل" را از آن خود کرده است. سطح زندگی او ارتقاء می یابد و او در بالاترین حد و درجه در رضایت و خوشنودی بسر خواهد برد.

در اینصورت بدون هیچ شک و تردیدی، خوشبختی هر کس بستگی کامل به شیوه زندگی او دارد. بقول معروف درمیان ایرانیها "خوشبختی هر کس در دست خود او است."

ولی گذشته از این برداشت کلی و جهانی از خوشبختی، مشاهده و تحلیل روان فردی به صاحب نظران روان درمانی بطور مکرر نشان داده و میدهد که: خوشبختی هر انسانی بستگی کامل دارد به برداشت و یا تصویری که او از خویشن خویش دارد. دقیقتر بگوییم:

خوشبختی ما وابسته است به بهائی که ما بخود و زندگی خویش میدهیم و یا نمیدهیم. اینکه ما در باره خودمان چگونه فکر می کنیم، تأثیرش بر خوشنودی روحی ما بسیار زیاد است. بطور عمومی همه انسانها، خاصه آنهایکه از جنبه روانی سالمند، سعی میکنند، خویشن خویش را در بهترین رنگها برای خود و دیگران، تصویر کنند. یعنی بهترین شکل و شمایل را از خود، خواه در مقابل دیگران، خواه در ارتباط با خویش، نشان دهند. شکل و شمایلی که در آن، توانائیا، خردمندیا و هوشیاریا آنها تصدیق شوند.

ولی تنها این امر کافی نیست. هر کس میخواهد احساس خوشبختی کند، بایستی در وصف خویش تا جائیکه ممکن است، از جمله بندیهای بسیار عمومی و غیرملموس استفاده کند. برای مثال، اگر فردی در باره خود، اینطور فکر کند که: "من دانشجوی نسبتاً مستعدی هستم." یا "من مادر خوبی هستم." و یا "من روانشناس موفقی هستم." اینگونه جمله بندیها همانطور که مشاهده میکنید، انتزاعی یا غیر ملموس (abstract) و عمومی هستند. و مشخصاً تفاوت دارد با آنکه کسی بگوید، "من در آخرین امتحانم نمره خوبی آوردم." یا "من در فلان معامله سود خوبی کردم." این جمله ها خاص، معین و ملموس (concrete) هستند.

دو روانشناس آمریکائی بنامهای John Updegraff و Eunkook M. Suh در آزمایشهای متعددی توانستند نشان دهند که تفاوت میان انسانهای خوشبخت با کسانی که کمتر احساس خوشبختی میکنند، در اینستکه: اولی ها بطور چشمگیری در باره زندگی خودشان بیشتر قضاوت عمومی میکنند. آنها به گزارش علمی خویش کاملاً بجا این نام را داده اند:

Happiness is a warm abstract thought "خوشبختی فکر انتزاعی (غیر ملموس) گرمی است." برای مثال نمونه نوعی بیان آدمهای خوشبخت اینهاست: "زندگی آنچه‌ی است که انسان خود برای خویشن می سازد." و یا "اگر برای من چیزی واقعاً اهمیت داشته باشد، آنچه‌ی برای من میسر خواهد شد."

بر عکس آدمهایی که کمتر احساس خوشبختی میکنند، بیشتر توصیفهای خاص و مشخص و ملموس را در مورد خویش بکار میبرند. مثلاً اینطور جمله بندی میکنند: "من در نزدیکی یک

پارک با صفا زندگی میکنم و این امر برای من بسیار باعث خوشنودی است." و یا "من یک اتومبیل دارم و این ماشین مرا متحرک و مستقل میکند." و یا از این جمله بندیها بدتر و بدبختی آورتر آزمانی است که کسی قضاوت در باره زندگی خویش را در رابطه و یا در گرو موضوعی ملال آور قرار دهد. مثلاً "اگر زمانی در میهن ما ایران، نظامی مردمسالار حاکم شود، آزمان من احساس خوشبختی خواهم کرد."

حال این قضیه بر عکس میشود، وقتی که فردی بخواهد اهداف مهم زندگی خویش را بیان کند. در اینجا دیگر بیان انتزاعی و عمومی در باره اهداف زندگی خویش سبب خوشبختی نمیشود، بلکه خوشبختها و راضیان کسانی هستند که اهداف خودشان را کاملاً بطور مشخص و معین و قابل لمس، جمله بندی میکنند. جمله بندیهای عمومی و غیرملموس تنها برای وصف زندگی خویش، خوشی آورند. ولی نه جهت بیان اهداف زندگی خویش.

محققان و پژوهشگران دلیل این امر را اینطور بیان میکنند:

تصورات ما از اهداف عمومی و غیرملموس (انتزاعی) بالقوه با مغبون و ناکام شدن بیشتری همراهند تا اهداف مشخص و ملموس ما. زیرا هدفهای معین و ملموس همواره با برنامه ریزها و طرحهای جهت یاب پی گیری میشوند. برای مثال اگر من بگویم "من میخواهم از نظر شغلی موفق باشم." (عمومی - غیرملموس) تفاوت دارد با اینکه بگویم "من تا سال دیگر مسئولیت فغان بخش را بعهده خواهم گرفت." (مشخص - ملموس). در هدف دومی من طبق قصدی که در پیش دارم، برنامه ریزی کرده و با طرحهای مرحله به مرحله مشخص، خود را آماده قبول مسئولیت می کنم.

یکی دیگر از امرهای مهمی که در برنامه های تحقیقی غالباً نمایان میشود، تصویر "درجا زدن در لذتجوئی" است. این تصویر حد و مرز محدود شیوه زندگی لذتجوئی را نشان میدهد. دلیل این محدودیت اینستکه، ما انسانها خیلی سریع به احساس مثبتی که از طریق رفاه مادی نصیب مان میشود، عادت میکنیم. برای مثال ما خیلی زود به موفقیت، در هر زمینه ای، و یا مصرف هر نوع کالائی، عادت میکنیم. اتومبیل نو، پیشرفت شغلی، رفاه و آسایش روزمره، بالا رفتن سطح زندگی از نظر مادی و غیره، همه اینها ما را برای مدتی کوتاه خوشبخت و خوشنود می کنند. ولی در مدت زمان محدودی، تمامی این عوامل برای ما امری بدیهی خواهند شد. پس از آن



روانشناسی خوشبختی (۱) آیا استبداد قادر است مانع خوشبختی ما شود؟

بایستی ما بطور سریعتی در فکر بیشتر و بیشتر کردن لذت برای خود باشیم تا بتوانیم باز احساس خوشبختی کنیم. به این امر پژوهشگران اصطلاح "درجا زدن در لذتجویی" را داده اند. شاید بهمین خاطر است که غالباً گفته میشود، "پول کسی را خوشبخت نمی کند".

بنابراین اگر ما ابزار و وسائل لذتجویی را مهمترین و یا اصلاً تنها منبع خوشبختی آور برای خویش بدانیم، خیلی سریع نیاز به اتومبیل بهتری، ارتقاء شغلی بالاتری، خانه بزرگتر و مجلل تری و ... خواهیم داشت. در اینصورت نبرد خسته کننده و در دراز مدت خرد و خمیر و داغون کننده، بر سر کالاهای خوشبختی آور مورد علاقه، پایانی نخواهد داشت. بهمین دلیل نیز اصطلاح "تناقض رفاه" قابل تصور میشود. غالباً بیشتر داشتن، خوشبختی نمی آورد.

روانشناس انگلیسی، دیوید نتله David Nettle مشکل حل نشدنی و سر درگمی انسانها در تلاش این امر که تا جاییکه ممکن است بیشتر احساس خوشبختی کنند را، در این میدانده که:

در مغز انسان دو مکانیزم کاملاً متفاوت وجود دارد. کار مکانیزم اول "خواستن، آرزو کردن و یا در تمنای" چیزی بودن است. دومی کارش "علاقه داشتن" و "لذت بردن" است. نتله معتقد است:

"چیزهایی را که ما حتماً میخواهیم داشته باشیم، آن چیزهایی نیستند که ما در دراز مدت آرزوی داشتن آنها را میکنیم. خواهان داشتن چیزی بودن، در تمنا و آرزوی امری بودن، سیری ناپذیر است. برای مثال مواد مخدری مانند سیگار (نیکوتین)، که معتادان به آن، "حتماً" آنرا میخواهند، در درون آنها حرص و ولع تولید می کند. ولی در واقع خیلی کم از آن لذت می برند. اما در عوض چیزهایی وجود دارند که ما حقیقتاً به آنها علاقه داریم، از آنها لذت میبریم و تأثیرشان بر ما دراز مدت اند، و زود از میان نمی رود. مثلاً داشتن دوستان خوب و معاشرت با آنها و یا از زیباییهای طبیعت لذت بردن، تجارب معنوی کردن".

بنظر نتله، خوشبختی تنها از طریق لذت بردن و در تمنا و آرزوی چیزی بودن حاصل نمیشود، بلکه به

ماده شیمیایی سومی که در مغز انسان تولید میشود، نیز نیاز دارد. نام این ماده شیمیایی زروتونین Serotonin است. این ماده که در بخشی از داروهای ضد افسردگی antidepressiv نیز از آن استفاده میشود، سازو کارش تعادل بخشیدن میان احساس مثبت و منفی در درون انسان است. علاوه بر آن ترس و وحشت را در درون مهار میکند و ما را آرام و صلح طلب و در واقع اجتماعی میکند. در اینصورت و بطور خلاصه، تأثیر ماده زروتونین بر انسان اینستکه ما را خوش مشرب و آماده برای تعاون و همکاری، یعنی "توحید جو"، میکند. این دو شیوه رفتاری که بقول صاحب نظران، ما با کمک آنها "سرمایه اجتماعی" مانرا افزایش میدهیم، در دراز مدت به خوشبختی ما استحکام می بخشد.

البته در باره خوشبختی، کمتر خوشبختی و یا بدبختی انسان، تنها شیوه زندگی و شیمی مغز ما تصمیم نمیکنند، بلکه طرز فکر و اندیشه و نظرات ما نیز در آن مؤثر و دخیل اند.

برای مثال: ما با چه "فکر و یا اندیشه راهنمایی" در باره رویدادها، وقایع و تجارب زندگی خویش، تعمق و تأمل میکنیم. آنها را چگونه در مغزمان نشانه گذاری کرده و به خاطرممان می سپاریم. و سپس حاصل آنرا در پندار و گفتار و کردارمان تجلی میدهیم.

در باره "اندیشه راهنما" (اصطلاحی فلسفی که مبتکر آن ابوالحسن بنی صدر است.) و ربط آن - از جنبه روانشناسی - با خوشبختی، در مقاله دیگری که پیرامون دشمنی استبداد با خوشبختی مطالعه خواهد شد، میپردازم. عجالتاً به این نکته مهم اشاره کنم که در روانشناسی "سلامتی و سالم" زندگی کردن واژه ای هست بنام "استراتژی زندگی" از جامعه شناس معروف Aaron Antonovsky. او از جنبه فکری، خوشبخت و سالم زندگی کردن را در استراتژی زندگی میدانده با سه بعد:

بعد اول، اعتماد و اعتقاد داشتن به این امر که -اصولاً- اتفاقات و رویدادهای زندگی هم قابل پیش بینی اند و هم قابل توضیح.

بعد دوم، اعتماد و اعتقاد به این امر که -اصولاً- می توان بر مشکلات و مصاعب زندگی، هر چقدر سخت، فائق آمد.

و بالاخره بعد سوم، داشتن اندیشه و احساسی مبتنی بر این امر که این دنیا ارزش آنرا دارد که ما خود را در آن سخت فعال و متعهد بگردانیم.

جنگ

و نه برای همسرش که در کوههایی دور، به جای اینکه تیری را پاسخ گوید مسلماً خود تیر خورده بود.

مادرم برای من و آینده ام گریه نمی کرد، که دیگر وجود نداشت. و نه برای برادرم و گذشته او، که با خانه و کاشانه مان نابود شد.

مادرم گریست. او برای بشریت گریست. برای وطنش گریست. وطنی که از حدت نفرت ویران شده بود. او برای ارواحی گریست که وطن را با هر مرگی ترک می گفتند و او را بی روح می ساختند.

او برای آن کسانی گریست که نیازی نبود که بمیرند، تا از روح تهی شوند. او برای مرد جوانی گریست که خود را بدست خود کور ساخت تا قادر باشد

این نوشته را با غزل زیبای حافظ پایان می برم. غزلی که در آن، تنها انسانی فوق تصور مستعد و خلاق، همچو او، قادر است، تمامی منابع "طبیعی" خوشبختی را یک به یک نام برد.

صحن بستان ذوق بخش و صحبت یاران خوشست
وقت گل خوش باد کز وی وقت میخواران خوشست
از صبا هر دم مشام جان ما خوش میشود

آری آری طیب انفاس هواداران خوشست
ناگشوده گل نقاب، آهنگ رحلت ساز کرد
ناله کن بلبل که گلبانگ دل افکاران خوشست

مرغ شبخون را بشارت باد کاندز راه عشق
دوست را با ناله شبهای بیداران خوشست
نیست در بازار عالم خوشدلی و رزاتکه هست

شیوه رندی و خوشباشی عیاران خوشست
از زبان سوسن آزاده ام آمد بگوش
کاندرین دیر کهن، کار سبکباران خوشست

حافظا ترک جهان گفتن طریق خوشدلیست
تا نپنداری که احوال جهانداران خوشست

در نوشته بعدی به دشمنی استبداد با خوشبختی انسانها خواهیم پرداخت.

هیولای نکبت را بدل به آرمان خود کند. مرد جوانی که خود را در هواپیمایی نشاند و بر فراز شهری کاملاً غریب با خود، به پرواز در آمد، تا برای رهایی از سوزش آتش درون خود، آن آتش را بر فرق دیگران فرو ریزد. آتش شیطانی را.

مادرم برای آن مردی گریست که آتش جهنمی را در سرزمینی بر افروخت. بدبختی سرخی را که از تن انسانها جاری می شد و به رود خانه سرازیر می گشت. که همه چیز را آلوده می ساخت، همه چیز را در لهیب خود می سوزاند و همه چیز را بدل به نکبت می کرد. آن بدبختی سرخی که از قلبها می آمد و قلوب را تهی می ساخت.

مادرم برای آنهایی گریست که لازم نبود ابتدا بمیرند تا قلبهایی خالی در خود حمل کنند.

مادرم برای مردانی گریست که همسران خود را ترک گفته بودند. مردانی که همسران خود را دیگر نمی دیدند. مردانی که برای نجات می میرند.

مادرم برای زنانی گریست که نخواهند دانست که داشتن فرزند واجد چه معنایی است. برای آنهایی که می دانند ولی آن را فراموش خواهند کرد.

مادرم برای کودکانی گریست که دیگر پدر ندارند. کودکانی که دیگر خواهر و برادر ندارند. کودکانی که دیگر مادر ندارند.

مادرم برای آنهایی گریست که نمی دانند خانواده یعنی چه. آنهایی که می دانند ولی آن را فراموش خواهند کرد.

مادرم در دل سیاهی شب قطره اشکی ریخت. من آن را شنیدم که چگونه بر روی چادر اردوگاه چکید. اشکهای وی اشک امید بود که از وی فوران زد. که از روزن چادر بر روی زمین چکید و در خشکی خاک وطن من فرورفت.

خاک وطن از اشکهای باریده در اردوگاه نرم شده است. از اشکهای باریده در شهر، اشکهای باریده در روستاها.

همچون سیل بر وطن جاری می شوند و امید را با خود می شویند. از دره ها و تالابها می گذرند تا بر فراز کوهها تبخیر شده و برای همیشه ناپدید شوند.

چه زمانی باران بیارد، ما نمی دانیم. اما هنوز بسیاری اشک لازم است برای وطنم ریخته شود، تا قادر باشد باران امید را بر ما بیاراند.

تا آن زمان سرم را بر سینه مادرم می نهم و بوسه اشکم را به اشکش می افزایم.

کاسه داغ تر از آتش!

۱- آقای علی سارمی و ۲- خانم طاهره سوداگری و ۳- فرشید سوداگری و ۴- آقای محسن نادری تمامی زندانیان سیاسی فوق در بند مخوف ۲۰۹ اوین که تحت نظارت وزارت اطلاعات است زندانی هستند.

در ۲ مهر ۸۶، بیش از ۵۸۰ تن از فعالان سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دانشگاهی با انتشار بیانیه ای نسبت به به نقض حقوق شهروندی هادی قابل و محمود دردکشان اعتراض کردند. بیانیه حاوی اطلاعات زیر است:

بازداشت دو چهره ی سیاسی- مذهبی در آستانه ی ماه مبارک رمضان، در شرایطی که فضای سیاسی کشور ماه هاست تحت الشعاع هشتمین دوره ی انتخابات مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است، این ظن و گمان را بالا می برد که برخورد با آقابان هادی قابل و محمود دردکشان در جهت ایجاد اختناق و تأثیر گذاری بر نتایج این انتخابات سرنوشت ساز صورت گرفته باشد.

بر اساس اخبار منتشر شده تعدادی از ضابطان دادسرای ویژه روحانیت در اقدامی غیرمعمول روز چهارشنبه ۲۱ شهریور ۱۳۸۶ به بهانه طرح سؤال شرعی به منزل حجت الاسلام و المسلمین هادی قابل دبیر شورای مرکزی جبهه مشارکت ایران اسلامی مراجعت کرده و پس از کشاندن ایشان به در منزل، وارد خانه شده و پس از تفتیش خانه و وسائل شخصی نامبرده، در نهایت آقای قابل را بازداشت و همراه با مقادیری از اوراق و نوشتجات و کامپیوتر شخصی ایشان به نقطه نامعلومی انتقال می دهند. طی ده روز گذشته، ایشان به جز دو تماس تلفنی کوتاه، که در آن تأکید می کند در مورد اتهام های وارده و مکان نگاهداری چیزی سؤال نشود، از دیگر حقوق قانونی خویش از جمله دسترسی به وکیل محروم بوده است.

هم زمان، حجت الاسلام و المسلمین محمود دردکشان دیگر روحانی نواندیش نیز در پرونده ای که سابقه چند ساله داشته است، به بهانه ی امتناع از پرداخت جریمه بابت تخلف از منع سخنرانی دستگیر و زندانی شده است.

پیشینه ی این دو روحانی مبارز در پیروزی انقلاب، دوران جنگ و حفظ

کیان جمهوری اسلامی ایران چیزی نیست که بتوان آن را کتمان کرد، مگر اینکه با تگاهی انحصارطلبانه، نزدیکی به مراجع عالیرتبه مخالف استبداد دینی و عضویت در احزاب سیاسی و مجامع مذهبی طرفدار اصلاحات، جرمی نابخشودنی و مستوجب چنین مجازاتی باشد.



واقعیت و آرمان ؟

ملت ایران که به حسابش نمی آوردند و نمی آورند و بدون مراجعه آنها به قدرتهای امریکا و انگلستان ممکن نبود، نهضت ملی ایران پیروز نشود و ایران وارد دوران استقلال و آزادی و رشد نشود.

پرسش دوم:

با سلام

چند روز پیش با یکی از دوستان از کسانی که کلاسهایی در باره موضوعات قرآنی برگزار می کند صحبت می کردم. ایشان می گفتند که روشنفکرانی که در باره دین پژوهش می کنند، کمتر به منابع دینی مسلط هستند. حتی با قرآن نیز آگاهی کامل ندارند، چه برسد به حدیث.

ایشان می گفتند روشنفکران ما بیشتر در باره کلیات قرآن صحبت می کنند و کمتر به بحث در باره مطالب جزئی آن می پردازند. و به همین دلیل با نوعی طرفداری از دین و قرآن سخن می گویند. در حالی که باید بدون حمایت و علقه عاطفی در باره مطالب قرآن بحث کرد.

ایشان در باره شما نیز می گفتند که شما بیشتر بر روی متد و روش دین سخن می گوید و کمترین جزئیات می پردازید. نظر خود را بگویید. (البته بنده می دانم که این طور نیست. برای مثال سر مقاله های اخیر شما در باره سنگسار و ازدواج موقت و ... در قسمت پاسخ به پرسشها نیز شما به جزئیات پرداخته اید). نظر خود را در رابطه با آیه ۲۳۰ سوره بقره و محلل و جرابی و دلایل آن را بیان فرمایید. اینکه زنان کشتزار مردان هستند بگویید.

* پاسخ به پرسش دوم:

۱- اگر مراد از کلیات اصول راهنما است و این اصول آنطور که قرآن بدست داده اند، محل ایراد نباشد، پس فروع و جزئیات هرگاه بر وفق اصول راهنما تشخیص داده شده باشند، نیز خالی از نقص و ایراد می شوند. دوست شما از این واقعیت غافل است که مشکل اصلی اینست که اصول راهنمایی که قرآن می شناساند، با اصولی جانشین شده اند که با استفاده از فلسفه و منطق ارسطویی جعل شده اند. نتیجه اینست که اسلام بیان قدرت گشته و احکام آن (جزئیات) ضد و نقیض شده اند. بر او است که بداند، بدون اصول راهنما نمی توان بدون نظر جانبدارانه و یا دشمنانه در مطالب قرآن بحث کرد. از آنجا که نیایش پیامبر این بود که خداوند مرا به دیدن واقعیت آن سان که هست توانا گردان، بر روش او باید رفت و رهنمودهای قرآن را آن سان که هستند می باید شناسائی کرد.

۲- راستی اینست که این جانب تا توانسته ام، بر روی روش کار

کرده ام. اما روش برای آنست که انسان بتواند در تجربه بکار برد. پس نمی تواند «کلیات» خالی از «جزئیات» و حکم عامی در تجربه بکار نا بردنی باشد. روش وقتی در تجربه بکار می آید که تجربه گر را، در هر قدم، بکار آید. حتی اصول راهنمای روش نیز می باید کاربردهایشان را یک به یک در برداشته باشند. برای مثال، کاربردهای موازنه عدمی بعنوان اصل راهنما، کاربردهای ثنویت که محدود کننده عقل و معتاد کننده آن به قدرت مداری است، در کتاب عقل آزاد، در ۱۴۴ روش، مقایسه شده اند. کسی که بخواهد عقل خویش را آزاد و خلاق کند، ۱۴۴ روش در اختیار دارد.

۳- بدین ترتیب اصول راهنما برای آنست که در فعالیتهای استعدادهای انسان بکار آیند و در درک واقعیت انسان که هست کاربرد بجویند. در فراوان کارها، به «جزئیات» (به قول دوست شما) پرداخته ام: در اخلاق، کیش شخصیت، در انسان و حقوق او، اصول راهنمای قضاوت و حقوق انسان، در منزلت و فضلهای زن و مرد، از جمله زن و زناشویی، در اقتصاد، از جمله اقتصاد توجیدی و در باب عدل، عدالت اجتماعی، در ولایت انسان و جمهور انسانها، مجموعه ای شامل اصول راهنمای مردم سالاری، رهبری، عدالت اجتماعی و رشد. و فراوان پاسخ به پرسشها در باره فروع («جزئیات»)

۴- آیه ۲۳۰ سوره بقره مقرر می کند: هرگاه میان مرد و زنی سه بار طلاق واقع شد، برای بار چهارم نباید با یکدیگر ازدواج کنند. مگر آن که زن شوهر دیگری گزیند و از یکدیگر جدا شوند.

در ذهن عمومی اینطور القاء و باور شده است که ازدواج بعد از سه طلاق صوری است و بلافاصله شوهر جدید همسر را طلاق می گوید تا او بتواند با شوهر سابق برای بار چهارم ازدواج کند. قلب رهنمود قرآنی، بسود قدرتمندان بعمل آمده است و حکم مقلوب همچنان جانشین رهنمود قرآن است. آیه تصریح می کند: «اگر شوهر دوم همسر را طلاق داد». بنا بر این «اگر»، ازدواج دوم نه تشریفاتی که واقعی می باید باشد. و نیز،

۴/۱- اختیار ازدواج با زن است. زن است که شوهر بر می گزیند و مرد است که می پذیرد. بنا بر این، هم در ازدواج اول و هم پس از هر یک سه طلاق، اختیار گزینش شوهر با زن است. مشکل ناشی از سلب این حق از زن است. هرگاه زن حق خویش را باز یابد، می تواند با استفاده از آن، ترتیب جدائی احتمالی را از پیش معین کند. دانستی است که تنها در اسلام است که زن شوهر می گزیند.

۴/۲- پس زن می تواند شرط کند که جدائی به رضایت دو طرف باشد و یا او اختیار جدائی را داشته باشد.

۴/۳- هرگاه خود این ترتیب را نداد و شوهر، بار اول او را طلاق داد، زن حق دارد، برای بار دوم، او را بر نگزیند. اما اگر از حق خود استفاده نکرد و این سه بار متوالی، خانواده ای که بنا بر قرآن، اساس آن بر علاقه و حقوق انسان و فضلها همگرایی در اندیشه راهنما است، با وجود سه نوبت ازدواج و طلاق، یا فاقد این پایه ها است و یا مرد نمی تواند میان عشق و سلطه بر زن، یکی را انتخاب کند. در این صورت، چاره اینست که زن بر این پایه ها، ازدواجی دیگر کند.

۴/۴- بدین قرار، رهنمود قرآن بر اینست که بعد از سه طلاق، هر یک از زن و شوهر، بر همان دو اساس، می باید در پی ازدواج با دیگری شوند. زن شوهری جدید و مرد همسری نو بجویند. از آنجا که شوهر را زن اختیار می کند و زناشویی به رضایت است، پس ازدواج جدید بر پایه علاقه و فضلها و حقوق انسان و همگرایی در باور انجام می گیرد و بنا بر اصل، به جدائی نمی انجامد.

با وجود این، استثناء وجود دارد. هرگاه ازدواج دوم نیز ناکام شد و در زن و شوهر پیشین، علاقه به یکدیگر قوت گرفت و از تجربه درس لازم گرفته شد، می تواند با یکدیگر ازدواج کنند.

۵- به پرسش شما در باره «زنان کشتزار مردان هستند»، در زن و زناشویی، پاسخ داده ام. به مناسبت بحثی که با تنی چند در میان است، در کار دقیق و کامل تر کردن آن پاسخ هستم. در باره آیه ۲۲۲ سوره بقره نیز بحث می شود. نظری را که در این باره داده ام، می آورم:

* اشکال کننده بر آیه ۲۲۳ سوره بقره این اشکال را وارد می بیند:

«اینکه زن را به مزرعه تشبیه می کند، نزد بسیاری از مسلمانان به این عنوان است که هر موقع مرد خواست روابط جنسی برقرار کند، بدون در نظر گرفتن خواست زن و این مخالف هم درک حقوقی و هم مخالف قوانین سوئد است. برای همین فکر می کنم تشبیه کردن زن به مزرعه عجیب است. زن هم حق دارد فعال در کاشتن تخم باشد (یعنی در آمیزش جنسی، خلاق و باز باشد) همانند مرد. اما شاید من این شباهت سازی را اشتباه فهمیدم.»

● رفع اشکال:

ممنوعیت های جنسی (انواع بکار بردن سکس برای برقرار کردن روابط قوا و در این روابط دست بالا را پیدا کردن و ممنوع تصور کردن برخی از انواع آمیزشهای جنسی با همسر، بنا بر عرف و عادت) که آسیبهای اجتماعی بسیار - از جمله جستجوی التذاذ جنسی در بیرون از روابط زناشویی و پی آمدهای آن - بیار می آورد، موضوع آیه (۲۲۳ سوره بقره) است که زن را مزرعه توصیف می کند و مورد اشکال شما قرار گرفته است. در موقع خود، به اشکال شما به تفصیل می

پردازم. در این جا، یادآور می شوم که

الف - آن آیه همبستری را از هرگونه قید و بندی آزاد می کند و ممنوعیت های جنسی را الغاء می کند. لذت بردن زن و مرد از یکدیگر را آزاد می کند.

ب - تأکید می کند مرد نباید رفتار جنسی در پیش گیرد که با منزلت و کرامت زن ناسازگار باشد و سبب تحقیر او شود.

ج - زن را به مزرعه تشبیه می کند. چرا که زن را از جمله دو فضل است: مزرعه زندگی و آموزگار عشق.

بنا بر فرهنگی که انسان را مسلط به طبیعت گمان می برد و تخریب طبیعت را دلیل پیروزی انسان در جنگ با طبیعت گمان می برد، مزرعه پست است. بدین خاطر است که شما اشکال می گیرید. اما در دین ها که انسان را به رعایت حقوق طبیعت می خوانند و رعایت حق طبیعت را قیام انسان به عمران طبیعت می شناسند، مزرعه نماد حیات و شادابی زندگی و عشق است. به اوستا، به قرآن و نیز به تورات و انجیل خود که رجوع کنید، رابطه انسان و مزرعه را جز آن می یابید که سرمایه داری و برانگیز «فرهنگ» غریبان کرده است. بنا بر «فرهنگی» که مزرعه پست شمرده می شود، آیه را گویای پستی و کارپذیری زن در آمیزش جنسی تلقی می کنند.

اما بنا بر فرهنگی که میان انسان و طبیعت توحید برقرار می کند، در زندگی، در عشق ورزی، در آمیزش جنسی، نقش اصلی را مزرعه پیدا می کند. زن مزرعه و آموزگار عشق است و مرد را در خود می گیرد و باروری می کند. نقش اصلی را مرد که به قول شما دانه می کارد بازی نمی کند. در آنچه به باردار شدن مربوط می شود، بنا بر قرآن، مریم (ع) بدون مرد بار دار شد. بطور طبیعی، دانه مرد تا با دانه زن توحید نجویند، زن باردار نمی شود. بنا بر این، در بدر پاشی با مرد برابر و در پروردان دانه بر او افضل است. و در آنچه به رابطه جنسی مربوط می شود، مرد دانه نمی کارد خود دانه است و در مزرعه بارور می شود. بدین سان، نقش اصلی را مزرعه بازی می کند که دانه را بارور می کند. اگر مزرعه را ممنوعیت های جنسی نازا کنند و زن، در همبستری، آزادی کامل خویش را باز نیابد و یا دانه عقیم باشد (نشوز مرد موضوع آیه ۱۲۸ سوره نساء) دانه عشق میوه التذاذ بیار نمی آورد و آسیبهای اجتماعی بسیار پدید می آورد.

بدین قرار، همبستری می باید آزاد و از روی میل انجام گیرد. چرا که هرگاه جز این باشد، التذاذ جنسی ناقص می شود و در نتیجه، خشونت بیار می آید. این خشونت در روابط عرف و عادت) که آسیبهای اجتماعی بسیار - از جمله جستجوی التذاذ جنسی در بیرون از روابط زناشویی و پی آمدهای آن - بیار می آورد، موضوع آیه (۲۲۳ سوره بقره) است که زن را مزرعه توصیف می کند و مورد اشکال شما قرار گرفته است. در موقع خود، به اشکال شما به تفصیل می

احمدی نژاد به قصد تحریک به نیویورک رفت و موفق شد:

* مجلس نمایندگان امریکا سپاه پاسداران را یک سازمان تروریستی خواند:

◀ در ۲۶ سپتامبر، سخنگوی وزارت خارجه رژیم مافیاهای نظامی - مالی عمل مجلس نمایندگان امریکا را بخاطر رأی دادن به طرحی که بنا بر آن، سپاه پاسداران یک سازمان تروریستی است، محکوم کرد. یک ماه بعد از آنکه خبر قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمانهای تروریست انتشار یافت، مجلس نمایندگان امریکا سپاه را یک سازمان تروریستی خواند. مجلس نمایندگان امریکا همزمان با سخنرانی احمدی نژاد در اجلاس عمومی سازمان ملل متحد، در ۲۵ سپتامبر به طرحی رأی داد که بنا بر آن، وزارت خارجه امریکا می باید سپاه پاسداران را در فهرست سازمانهای تروریست قرار دهد.

* پوتین به سران رژیم خبر داده است که حمله به ایران قطعی و نزدیک است:

◀ در ۲۶ سپتامبر، کانارآشنه، این خبر را انتشار داده است: پوتین، رئیس جمهوری روسیه که قرار است ماه اکتبر به ایران برود، به سران رژیم اطلاع داده است که اسرانیلیها امریکا را متقاعد کرده اند راه حل دیگری دیگری وجود ندارد و امریکا پذیرفته است که می باید به ایران حمله کند. حمله نظامی به ایران قطعی شده است و در فاصله بعد از پایان ماه رمضان تا آغاز سال ۲۰۰۸، انجام خواهد شد.

اشتراک یک ساله: اروپا ۳۵ و خارج از اروپا ۳۸ اورو، اشتراک شش ماهه: اروپا ۱۸ و خارج از اروپا ۲۰ اورو لطیف کنید و چک نفرستید، وجه اشتراک را نقد و باست سفارشی یا ب حساب بانک واریز فرمائید.

Nr. 681 1 - 14 oct. 2007.

درج مقالات الزاماً دیدگاه نشر به انقلاب اسلامی نیست و تنها بعنوان بحث آزاد تلقی میگردد

گزارش نشست مشترک ۹ گروه جمهوری خواه ایران برای گسترش همکاری ها در راستای مبارزه علیه جمهوری اسلامی ایران

اتحاد جمهوریخواهان ایران، جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران، حزب دموکرات کردستان ایران، حزب کومه له کردستان ایران، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، سازمان های جبهه ملی ایران در خارج از کشور (بعنوان ناظر)، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، شورای موقت سوسیالیستهای چپ ایران، مجامع اسلامی ایرانیان.

در نشست دو روزه شهر هانور آلمان شرکت کنندگان پاره ای از نقاط اشتراک و اختلاف خود را با یکدیگر روشن ساختند. نشست به این نتیجه رسید که مباحث خود را با برگزاری جلسات مشترک و سمینارهای عمومی به منظور دست یابی به همسویی های بیشتر و نیز رسیدن به مبانی مشترک، در سمینارهای عمومی ادامه دهد. نمایندگان کمیته ای را از میان خود برای هماهنگی اقدامات فوق و بررسی زمینه های همکاری های عملی انتخاب کردند. مجامع اسلامی ایرانیان همکاری خود را به شرکت در گفتگوها و بحث آزاد محدود نمود و در انتخاب کمیته هماهنگی شرکت نکرد.

۱ مهر ۱۳۸۶ برابر با ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۷

طرح پیشنهادی ذیل توسط مجامع اسلامی ایرانیان به نشست ۳۱ شهریور و ۱ مهر ۱۳۸۶ هانور آلمان ارائه گشت تا موضوع بحثهای آزاد بین مجامع اسلامی ایرانیان با ۸ گروه دیگر بگردد.

اصول و ضوابط ضروری برای استقرار جمهوری در ایران

(طرحی پیشنهادی از سوی مجامع اسلامی ایرانیان)

از آنجا که افزون بر یک سده است مردم ایران خواستار استقرار حاکمیت بر سرنوشته خویش هستند و از انقلاب بدین سو، در هر فرصت اعتراض خود را با سیاست های نظام ولایت مطلقه فقیه ابراز می دارند؛ از آنجا که قانون اساسی نظام ولایت فقیه ناقض حقوق ملی و حق حاکمیت مردم ایران است و رژیم حقوق فردی

و جمعی را به استمرار زیر پا گذاشته است؛ از آنجا که سیاست های داخلی و خارجی نظام ولایت فقیه میزان خشونت و ویرانی را بدان جا رسانده که همبستگی ملی و حیات ایران را به خطر انداخته است؛ از آنجا که دخالت بیگانگان در تعیین سرنوشت ایرانیان و دخالت در امور کشور ناقض حاکمیت ملی و مردم سالاری و نیز اصل استقلال ایران است؛ ما ایرانیان و سازمان های سیاسی وفادار به اصول تفکیک ناپذیر آزادی و استقلال، در مبارزه خود برای استقرار جمهوری در ایران، خود را به اصول و مبانی ضرور زیر مقید و متعهد دانسته، بدانها در پیشگاه مردم ایران پایبندی نشان می دهیم و برای ایجاد و تکوین و تکامل یک بدیل دموکرات و مستقل تلاش می نماییم:

۱. در جمهوری ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و احاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی های فردی و جمعی را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

۲. استقلال به معنای عدم دخالت قدرت های خارجی چه مستقیم و چه غیرمستقیم و مشارکت ندادن آنها در حاکمیت مردم ایران می باشد. این اصل، عدم مراجعه سازمان ها و احزاب ایرانی به قدرت های خارجی و نیز مخالفت صریح با هر گونه مداخله خارجی در حق حاکمیت ملی و نیز تعیین سرنوشت کشور را ایجاب می کند. از این رو، به منظور پایبندی به اصل استقلال، مخالفت خود را با هر گونه تجاوز نظامی به ایران و هر گونه همکاری با قدرت های خارجی و تقاضای کمک از آنها برای ساختن بدیل سیاسی، اعلام می کنیم.

۳. بنا بر اصل آزادی، هیچ مقام دینی، سیاسی، اقتصادی و نظامی در حاکمیت شریک مردم ایران نمی باشد. در ایران دموکراتیک هر شهروندی یک رای دارد و فرد فرد مردم ایران در حاکمیت شریکند. پایبندی به اصل بنیادین آزادی های فردی و جمعی و تعهد به "اسناد و معاهدات حقوق بشری بین المللی" لازمه تحقق حاکمیت مردمی است. بر این اساس، ما متعهد می شویم برای تأمین آزادی ادیان، اعتقادات، اندیشه، بیان، قلم، سندیکا، تشکل، اجتماعات، تظاهرات و اعتصاب و اصل برابری حقوقی تمامی

شهروندان و افراد جامعه، مستقل از جنسیت، زبان، قومیت، اعتقاد، مسلک و مکتب و شیوه زندگی، تلاش کنیم. و از آنجا که حق حیات مستقل و آزاد به عنوان پایه ای ترین حق هر انسان محسوب می گردد، مخالفت صریح خود را با مجازات اعدام اعلام می نماییم و خواهان لغو آن خواهیم بود.

۴. جمهوری متعلق به دین و مرام (ایدئولوژی) و نژاد و قوم خاصی نیست. از این رو، هر فرد با هر دین و عقیده و مرام و نژاد و قومیت و زبانی دارای حقوق و رأی برابر است و در جمهوری آینده ایران هیچ دین و مرامی (ایدئولوژی) در قانون اساسی رسمیت پیدا نمی کند.

۵. ساختار سیاسی و اداری جمهوری در آینده ایران، ضمن حفظ تمامیت ارضی کشور مبتنی بر اصل تمرکززدایی و تکیه بر توسعه دموکراسی مشارکتی بر اساس اصول تفکیک ناپذیر آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی در تمامی استان ها، شهرها بخش و روستاهای ایران می باشد. در هر محل و منطقه، تصمیم گیری در امور محلی و منطقه ای به نهاد های منتخب (انجمن ها و شوراهای) از سوی ساکنان آن مناطق، سپرده می شود.

۶. از آن جا که زبان مشترک وسیله جریان اندیشه و تبادل فرهنگی بین شهروندان مختلف در هر جامعه ای است، اعلام می داریم که زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی با این زبان و خط خواهد بود. اما از آنجا که زبان مشترک نباید عامل سلطه بگردد، حق فرهنگی و تنوع زبان و رسوم مردم مناطق مختلف ایران مورد احترام ما خواهد بود و کوشش در جهت شکوفایی و توسعه آن ها را وظیفه خود می دانیم. ما استفاده از زبان های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس را در کنار زبان فارسی تأیید و پشتیبانی می نماییم. جمهوری موظف است امکانات مادی و معنوی رشد و شکوفایی زبان ها و گویش های دیگر را تأمین کند.

۷. بار دیگر اعلام می داریم که در جهت صلح و پیشرفت ایران تأمین چگونگی سازماندهی ساختار سیاسی کشور بر اساس تمرکززدایی و بر مبنای حق اشتراک و حق اختلاف و حق همبستگی و مشارکت تمامی احاد ملت که با هم حقوقی یکپارچه و تجزیه ناپذیر را تشکیل می دهند، تنها بر عهده مردم ایران می باشد. بر این مبنا مخالفت صریح و آشکار خود را با به کار بردن هر گونه خشونت علیه مردم ایران و یا دخالت دادن قدرت های خارجی و بیگانگان در امر تعیین سرنوشت آنان ابراز می داریم.

۲۰۰۷ شهریور ۱۳۸۶ برابر با ۱۸ سپتامبر

سرهنگ جلیل بزرگمهر در گذشت

دکتر مصدق در نامه ای به بزرگمهر در قدردانی از او نوشت:

«شما وکیل تسخیری بودید تسخیر نشدید و از اجرای اوامر مافوق، سرباز زدید. سخنی برخلاف وجدان نگفتید و هرگونه مدارکی هم که مورد احتیاج این جانب بود از نظر انجام وظیفه، برایم تهیه نمودید که نمی دانم چگونه تشکر کنم. و این انجام وظیفه سبب شد که بعد از ختم محاکمه شما را از کار خارج کنند و یک عمر صحت عمل و درستکاری شما را ندیده بگیرند. بعقیده این جانب، شما چیزی گم نکردید و چنانچه نام نیک خود را با ثروتی که بعضی از راه خیانت به مملکت بدست آورده اند مقایسه کنید، معلوم خواهد شد کدام گوارتر و وزین تر است.....»

بعضی از آثار و کتابهایی که تاکنون از زنده یاد بزرگمهر انتشار یافته است از این قرارند:

- ۱ - «تقریرات مصدق در زندان» تنظیم از ایرج افشار و چاپ کامل این اثر بنام «رنج های سیاسی دکتر مصدق» تنظیم از عبدالله برهان.
- ۲ - دکتر مصدق در محکمه نظامی ۲ جلد.
- ۳ - دکتر مصدق در دادگاه تجدید نظر نظامی.
- ۴ - دکتر مصدق و رسیدگی فرجامی در دیوان کشور با شرحی از ناصر پاکدامن.
- ۵ - خاطرات جلیل بزرگمهر از دکتر مصدق.
- ۶ - خاطرات سرهنگ جلیل بزرگمهر.
- ۷ - ناگفته ها و کم گفته ها از دکتر مصدق و نهضت ملی ایران.

بیکر مرحوم سرهنگ جلیل بزرگمهر در روز چهارشنبه ۴ مهرماه ۱۳۸۶ بخاک سپرده شد. روانش شاد باد

احمدی نژاد به قصد تحریک به نیویورک رفت و موفق شد:

* صدای چکمه های به گوش می رسد:

«فرق است بیان حقیقت بقصد بر انگیختن همگان به عمل به حق و یا دفاع از حق و اظهار آن بقصد تحریک کردن و سنگین کردن هرچه بیشتر جو. کار دوم همانست که خوارج کردند و علی (ع) در باره آن گفت: حق می گویند برای رسیدن به هدف باطل. برای مثال، برشمردن تجاوزهای امریکا به حقوق بشر، حق است. اما وقتی این حق از زبان احمدی نژاد اظهار می شود، اولاً بدین معنی است که او می داند حقوق بشر وجود دارند و حق هستند. و ثانیاً اگر قصد او این بود که مردم امریکا و دیگران را بر انگیزد که حکومت امریکا را ناگزیر کنند حقوق انسان را رعایت کند، پیش از رفتن به نیویورک، از حقوق مدار شدن دولت و رعایت حقوق بشری فرد فرد مردم ایران و حقوق ملی این مردم مطمئن می شد. ولی همزمان با وسیع ترین سرکوبها و تجاوزها به تمامی حقوق بشر در ایران، به امریکا رفتن و امریکا را بخاطر تجاوز به حقوق بشر سرزنش کردن، بنفسه، گویای آنست که گوینده نه از سر اعتقاد که به قصد دیگری این کار را می کند. بسا او بگوید: حق حق است ولو از زبان کسی اظهار شود که بدان عمل نمی کند. راست است که حق حق است ولو از زبان واعظ غیر متعظ. اما پرسش این جا است: اندرز دهنده ای که حقی را اندرز می دهد که خود بدان عمل نمی کند، چرا چنین می کند؟ حاصل سفر احمدی نژاد پاسخ این پرسش است: جو سنگین تر و وضعیت وخامت بار تر شده است و به قول لوموند (۲۶ سپتامبر) حالا دیگر صدای چکمه های نظامیان شنیده می شود. و در صفحه ۱۵